

خبرنامہ

پیشرو ہنگامہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دورہ جدید، سال پنجم، شماره پنجاہ و چہارم، اسفند ۱۳۹۷



ہمایش «علوم انسانی، تولید و صنعت»



ہمایش «ہمگرایی و واگرایی؛ گفتگوی میان فرهنگی - میان دینی»

همایش بین‌المللی «همگرایی و واگرایی: گفتگوی میان فرهنگی - میان دینی»

اندوخته‌های گنجینه بزرگ فرهنگ و ارزش‌های بشری افزود.

امروز اهالی علوم انسانی در سراسر دنیا وظیفه دارند که اولویت اخلاق‌مداری، دیگردوستی، محبت به هموع، پذیرش تفاوت‌های بشری و ایجاد زمینه گفتگو



و تعامل بر سر چگونه بهتر کردن زندگی برای همه ابنای بشر و همه صاحبان حیات را ندا در دهند و از جوامع و دولت‌ها بخواهند که با بازگشت به ریشه‌های تنومند انسان‌دوستی و تعالی‌گرایی، زشتی‌های دشمنی و جنگ و بدخواهی را عیان کنند و زیبایی‌های دوستی، صلح و خیرخواهی را برجسته سازند. در روزگاری که سودجویان و خودخواهان، با تکیه بر زمینه‌های افتراق و با پوشاندن عرصه‌های اتحاد میان انسان‌ها، جنگ‌افروزی می‌کنند و با ایجاد تفرقه و دشمنی، برخلاف طبع نیک انسانی، قدرت و ثروت را به تزویر در دستان خود منحصر می‌کنند، عالمان دانشگاهی و دانشمندان علوم انسانی بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پناه جامعه انسانی برای یادآوری و پرده‌گشایی از فراخوانی محبت و خیرخواهی عمومی هستند و می‌بایست با تشکیل سرمایه‌های انسانی گفتگو‌مدار، در برابر نظام سلطه‌گری زر و زور و تزویر قرار گیرند و مستحکم کردن شیرازه همبستگی انسان‌ها در سرتاسر جهان را سرلوحه خویش قرار دهند.

با کمال تأسف باید گفت که در طول سال‌ها و دهه‌های اخیر، منطقه آسیای غربی به جولان‌گاه جنگ‌طلبان و طالبان دشمنی میان انسان‌ها بدل شده است. ظهور جریان‌های تمدن‌ستیزی مانند القاعده و داعش که با دستاویز قرار دادن اختلاف نظر و تفاوت‌های دیدگاه‌ها میان مومنان و دینداران، عزم خویش را برای تیر زدن بر پیکر تنومند دینداری و معنویت جزم کرده‌اند، از جمله مهم‌ترین نشانه‌های این رخداد ناگوار است که می‌بایست مجدانه و با دغدغه و تعهد به فرهنگ و ارزش‌های انسانی در برابر آن ایستاد. باید با صدای رسا، گفت که آنچه القاعده و داعش به نام اسلام در حال تکثیر آن هستند، چیزی

همایش بین‌المللی «همگرایی و واگرایی: گفتگوی میان فرهنگی - میان دینی» روز دوشنبه، ۲۰ اسفند ۱۳۹۷، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مراسم افتتاحیه این همایش ضمن عرض خیرمقدم به حضار و میهمانان خارجی متنی را قرائت کرد که ترجمه آن نیز در اختیار میهمانان خارجی قرار گرفت. در ادامه شرح سخنرانی وی در این همایش از نظرتان می‌گذرد:

مهمانان ارجمند حاضر در همایش بین‌المللی «همگرایی و واگرایی...» ورود شما را به کشور بزرگ ایران؛ یکی از دیرین تمدن‌های جهان و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی خیر مقدم عرض می‌کنم و آرزو مند در طول برگزاری این همایش عظیم، با گفتگوهای سازنده و مفید، نقش موثر علم و معرفت را در حل مسائل و مشکلات دنیای انسانی و ارائه راهکارهای نیک‌زیستن به همگان بیش از پیش متمایز کنید.

امروزه، همگان واقفیم که بسیاری از بحران‌های موجود محصول انسان‌های خودخواه است که ناشی از فقدان گفتگو و نرسیدن به همدلی‌های معنوی به شمار می‌رود. گفتگو و تعامل برای بهتر ساختن حیات انسان‌ها در جوامع مختلف است اما در روزگار ما، بعضاً به واسطه سودجویی و شرارت برخی مخالفان تعالی عمومی بشر در معرض تهدید قرار گرفته است نبود گفتگو بحران‌زاست و به خوبی می‌دانیم که فقدان تعامل و همدلی، تا چه اندازه در ویران‌سازی دستاوردهای عظیم فرهنگی و تمدنی نقش ایفا کرده است. تداوم این روند می‌تواند به زوال و نابودی بخش‌های سترگ و ارزشمندی از گنجینه پرتالو میراث اجتماع بزرگ انسانی در سرتاسر دنیا بیانجامد.

این خطر بزرگ، اگرچه از سوی دلسوزان و علاقه‌مندان به فرهنگ و معرفت بشری بارها گوشزد شده است، با کمال تأسف به جدّ در حال گسترش است و به جرات می‌توان گفت: آنانی که رشد و شکوفایی تمدن و کمال مردمان را در تخالف با سودجویی و منفعت‌طلبی‌های خویش می‌یابند، با ستیزه‌گری با گفتگو‌گرایان، بر آنند که با کوبیدن بر طبل اختلافات و تفاوت‌ها، تا حد امکان این گنجینه بزرگ فراملی و فرافرهنگی را به نابودی بکشانند.

در این وضعیت، بر ما پژوهشگران، به ویژه در اعضای علوم انسانی است که با اذعان به ظرفیت‌های ارزش‌های فراگیر انسانی، متذکر شویم که پیش از این تفاوت‌ها، عاملی برای آسیب‌رسانی متقابل باشد، سرمایه‌ای برای معرفت‌اندوزی هم‌افزایی است و دقیقاً با اتکا به این ظرفیت میمون، می‌توان عرصه‌های اشتراکات انسانی را بازآفرینی کرد و به واسطه آن، بر



کنار یکدیگر گرد آورد و گام‌های مؤثر برای منزوی ساختن گرایش‌های افراط‌گرایی خودمحور و مبتنی بر دشمنی را طراحی و اجرا کرد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ایران، با اتکا بر گنجینه سترگ تمدنی ایرانی اسلامی، در طول حیات خویش همواره چنین رویکردی را برگزیده است و تأسیس و حضور نهاد و مرکز مطالعه فرهنگ‌ها، مرکز مطالعات آسیایی، مرکز اسناد فرهنگی آسیا و دیگر بخش‌های مشابه در ساختار آن نشان از اهتمام ویژه بدین امر دارد.

ما فرهنگ را امری عمومی و منتشر در عرصه زیست انسانی و فراتر از جوامع و تاریخ‌ها می‌دانیم و معتقدیم آنچه امکان شکل‌گیری، بالندگی و شکوفایی هر اجتماع انسانی را فراهم می‌آورد، همگرایی و همراهی با ارزش‌های بزرگ انسانی است که در هر برهه از زمان در هر جغرافیایی از عالم انسانی نمودار می‌شود. همین دیدگاه مبنایی برای تشکیل این کنفرانس عظیم با حضور شما فرهیختگان از سراسر دنیا شده است.

ما می‌خواهیم نشان دهیم دشمنی‌ها و تلاش‌های آنان که زیست نیک انسانی، از دستور کار خود خارج کرده و تخصیص و تعدی را محور کار خود قرار داده‌اند، نمی‌تواند مانع از دغدغه بنیادین ما برای بهتر ساختن دنیا با باور به معجزه گفتگو و همدلی و خیرخواهی باشد. ما دنیایی می‌خواهیم که دانشمندان علوم انسانی از هر زبان و فرهنگ دین، در تعاملی فراگیر، امکان بیش از پیش نزدیک ساختن آدم‌ها به یکدیگر و نهادهای ساختن بذریه‌های همگرایی را فراهم آورند و بر آنیم که برگزاری این قبیل همایش‌ها فرصت مغتنمی است برای نشر و تثبیت این رویکرد و تعهد به زندگی نیکویی که همگان علی‌رغم تفاوت در دیدگاه و زبان و فرهنگ و دین می‌توانند بدان دست یابند.

نیست مگر ابزار واقع شدن برای مطامع سودجویان و منفعت‌طلبانی که از خون انسان‌ها معاش می‌کنند و نان می‌خورند و به غارت ارزش‌ها و هنجارهای فراتاریخی بشری مشغولند، نیست. آنها نه نماینده دین هستند و نه هرگز می‌توانند فکر، قلب و عاطفه انسان‌های دیندار را به خویش جلب کنند.

دینداری، عرصه وحدت حرکت به سمت یگانگی، پالایش درون، گفتگو و تلاش مداوم و مشترک همگان برای رسیدن به تعالی و قرب خداوند و به‌زیستی معطوف به زیست جاودانه مرضی

الهی است و آنچه در میان تمامی پیامبران و اولیای الهی و رهبران معنوی جهان مکرر بیان شده است، همین فراخوانی همه انسان‌ها به اولویت اخلاق و خیرخواهی و عشق به هم‌نوع برای ساختن دنیایی بهتر و زیباتر است، دنیایی که بذریه‌های محبت در آن، مزرعه‌ای برای عشق عمومی انسان‌ها در حیات جاودانه پس از مرگ را فراهم می‌آورد. این خود نشان می‌دهد که تا چه اندازه مسئولیت ما برای زودودن غبار ناشی

از خشونت خواهان از چهره خیرخواهی دینی و جوهر دین زیاد است ایجاد فضای مناسب برای گفتگو بر سر ظرفیت‌های همبستگی میان همگان بر سر ارزش‌های مورد تأکید همه ادیان، مسئولیت بزرگ و اساسی همه ما است. ما اهالی علوم انسانی در سرتاسر جهان می‌بایست خود را رسولان گفتگو و خیرخواهی عمومی بدانیم و از هر موقعیت و فرصتی برای گسترش آن بهره‌گیریم و در برابر نابودکنندگان گفتگو و سلطه‌خواهان ایستادگی کنیم.

همایش حاضر که به همت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ایران و با همکاری ارزشمند و شایان تقدیر بنیاد گران‌ارج الکساندر فون هومبولت جمهوری آلمان در حال برگزاری است، یکی از جلوه‌های این تلاش متعهدانه در راستای گسترش فضای

گفتگوی معطوف به همبستگی و دیگرخواهی در جهان است. گفتگویی که با محور قرار دادن دو دین بزرگ ابراهیمی؛ اسلام و مسیحیت؛ بر آن است که الگوی پذیرش و ستایش تفاوت‌های فرهنگی و برساختن بنایی سترگ بر پایه این تفاوت‌ها در جهت ایجاد همگرایی و همبستگی فراگیر انسانی را به دست دهد. الگویی که بر پایه آن می‌توان جان‌های آزاد و دل‌های معناتطلب را در اشتراک نظر بر اولویت و اهمیت زیست معنوی و اخلاقی انسان‌ها در



دکتر داوری اردکانی:

غربت و ملال در شهر تجدد و درد توسعه نیافتگی در دوران تجددمآبی جوامع را آزار می دهد

جدید تفاوت دارد. بنیاد شهر جدید قرارداد اجتماعی است. هابر و لاک و روسو به درجات می دانستند که این قرارداد نه با رضایت مردم بسته می شود و نه به رضایت آنان ختم می شود. بلکه بنایی است که به نام بشریت گذاشته می شود و گرچه مردم هم در آن مشارکت می کنند، این بنا برای آنان نیست. کانت



می خواست اشخاص و مردمان همه غایت باشند اما سیر تاریخ، بشریت و کلی بشر را غایت گرفته بود. به این گفته و نظر داستایوفسکی توجه کنیم که ترکیب عشق به بشریت با نفرت از مردم واقعی را خطری مهلک پنهان و نهفته در سیاست جدید می دانست. در زمان ما در تفسیر و تأیید سخن نویسنده بزرگ روس شواهد بسیار می توان آورد:

۱- وقتی کتاب آینده علم اثر ارنست رنان منتشر شد، رومن رولان که هنوز بسیار جوان بود به دیدار فیلسوف رفت و به او گفت با این آینده ای که شما پیش بینی کرده اید تکلیف عواطف و آرزوهای بشر چه می شود. رنان گفته بود آرزوهای بشر به درک! علم باید پیشرفت کند.

۲- رابرت موز که جهان آزاد در امریکا را به جهان آزاد راه وصل کرد و با ساطورش شکم شهرها و مخصوصاً نیویورک را درید ترکیبی از عشق بشریت و نفرت از آدمیان در دل داشت. خانم فرانسواز پرکینز که در کابینه روزولت وزیر کار بود در عین ستایش از موز ناراحت بود که او «علاقه ای به مردم ندارد» بنا به نوشته پرکینز «موز همه کارهایش را برای رفاه مردم می کرد». اما به نظر او مردم کثیف و بی بند و بار بودند و او می خواست به حسابشان برسد و ادبشان کند. او عاشق مفهوم بشر و بشریت بود اما به مردم علاقه ای نداشت یعنی مرادش از مردم توده جمعیتی مرکب از افراد منتشر بود که به زندگی هرروزی سرگرمند و باید سرگرمی های مورد نیازشان را فراهم کرد.

دکتر رضا داوری اردکانی استاد فلسفه نیز یکی از سخنرانان همایش بین المللی «همگرایی و واگرایی؛ گفتگویی میان فرهنگی- میان دینی» در افتتاحیه این همایش سخنرانی کرد. وی سخنرانی خود را با اشعار زیبایی از سعدی برای حاضرین در سالن آغاز کرد. میهمانان خارجی بنیاد هومبولت آلمان نیز در سالن حضور داشتند. متن سخنان وی ز نظر تان می گذرد: ضمن خوش آمدگویی به میهمانان خارجی سخنانم را با بخشی از نوشته های روسو آغاز می کنم؛ روسو در جایی نوشته است از مجموعه خانه ها مدینه ساخته می شود و از مجموعه شهروندان یک شهر پدید می آید. آتن و دیگر مدینه های یونانی مجموعه افراد نبودند زیرا در آن زمان در یونان هنوز فرد و جامعه به وجود نیامده بود. سرپرست خانه عضو مدینه بود و وظایفی را که نسبت به آن داشت انجام می داد. روسو شاید شهر را بر مدینه ترجیح می داد اما در شهر هم احساس آسایش نمی کرد. او جامعه جدید را که در حال قوام یافتن بود دوست نمی داشت و نگران آینده آن بود اما از آن دل نمی کند. بسیاری کسان در قرن هجدهم در این دو دلی با روسو هماوا و شریک بودند. اگر کسی به قصه شهر و خیابان در زمان مدرن علاقه دارد باید آثار بودلر شاعر مدرنیته را بخواند. آنچه بودلر در قرن نوزدهم دیده و دریافته بود، در قرن بیستم بر همه آشکار شد و دیدیم که شهر یا شهر جدید همراه با علم و تکنولوژی به راه خود می رود و همدلی و همزبانی در آن پیوسته دشوار و دشوارتر می شود. شهر جدید حتی پاریس هوسمان چنانکه بودلری ها می گویند شهر ملال و غربت است و ساکنانش دیگر کمتر اهل آشنایی یا از برکت آشنایی بهره ندارند. شهر آشنایی شهر درد و محبت است. در داستان خسرو و شیرین وقتی خسرو از فرهاد می پرسد که اهل کدام شهر است. فرهاد خود را به شهر آشنایی نسبت می دهد.

نخستین بار گفتش از کجایی

بگفت از دار ملک آشنایی

بگفت آنجا به صنعت در چه کوشند

بگفت اندوه خرد و جان فروشند

اگر در آتن و در مدینه های یونانی دیالوگ جایی داشت از آن رو بود که هنوز فرد و جامعه در برابر هم قرار نگرفته بودند و برای آتیان هنوز من به وجود نیامده بود که دیگری را در برابر خویش ببیند. آنجا هنوز ارسطو می توانست دیگری را به صورت دوست تصور کند و حتی بنیاد مدینه را بر این دوستی بگذارد. مدینه هم از حیث بنیاد و هم از حیث غایت با شهر



در نسبت نزاع عاشقانه و مهبیای تفاهم می‌دیدند و بر اساس آن به سیاست آینده نگاه خوش‌بینانه داشتند. آنچه در نیمه دوم قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم روی داده است بر خوش‌بینی آن متفکران صحنه نمی‌گذارد. روابط آدمیان همواره بر بنیادی استوار بوده است که درک و شناختش آسان نیست یا به هر حال ما به درستی نمی‌دانیم آغاز زندگی جمعی بشر و قوام اجتماع چگونه بوده و در طی چهارصد سال اخیر چه تغییری در آن پدید آمده است. از غایت آن کم و بیش خبر داریم و می‌دانیم که جهان متجدد دیگر امید چندان ندارد که به چشم‌انداز قرن هجدهمش برسد. کدورتی که در این چشم‌انداز پدید آمده است در اندیشه و عمل مردمان و در روابطشان با یکدیگر اثر گذاشته و چه بسا که خلل ایجاد کرده است. در اجتماعات قدیم قبل از تجدد، روابط میان مردمان روابط من و دیگری نبود بلکه رابطه مقرر در سنت و نظم دینی بود. حتی دو شخص هم اگر در برابر یکدیگر قرار می‌گرفتند تقابلشان تقابل من و دیگری نبود. آنها دو دوست و همسایه و هم‌شهری و هموطن و هم‌کیش بودند که با هم اختلاف پیدا کرده بودند. میان اقوام و کشورها هم یا رابطه‌ای نبود یا اگر بود دوستی و دشمنی بود. یعنی کشورها و حکومت‌ها به اکراه به یکدیگر به عنوان دیگری آزاد و دارای حقوق نگاه نمی‌کردند. وجود من و دیگری و تقابل آنها با تبدیل انسان به خودآگاهی و تصدیق آزادی او طرح شده است و تا زمانی که نیروی اخلاقی میان آن دو تعادل و تفاهم برقرار می‌ساخته بحث از من و تو و خود و دیگری در میان نبوده است. شاید اعتقاد به حقوق بشر و حق ملل تا حدودی توانسته بود این رابطه را متعادل سازد. از حدود یک قرن پیش این رابطه ضعیف و سست شده و کم‌کم به صورت مسئله درآمده و پیوسته پیچیده‌تر شده است. به عبارت دیگر از اوایل قرن بیستم وجهی از فتور و سستی در ارکان جامعه‌ها راه یافته و مردمان حبل‌المتینی را که زمانی در آن دست زده بودند گم کرده و دیگر امید به آینده و نیروی اخلاق در جان ایشان قوتی ندارد که مایه اعتماد و آرامش شود. این وضع جامعه متجدد است. کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته دردهای خاص خود دارند. خلاصه کنیم در جامعه‌ای که اعتماد و امید و همبستگی هست متفکران در خلوت تفکر خود به کنونی می‌اندیشند که گذشته و آینده را به هم می‌پیوندند و نظم و ثبات با خود می‌آورد اما زمان‌هایی هست که در آن مجال خلوت تفکر نیست و چشم‌ها دور را نمی‌بیند و پیوند جان‌ها و دل‌ها از هم گسیخته است. در این شرایط بی‌خردی و ترس و نومیدی غالب می‌شود و اخلاق از میان مردم می‌رود. 
 خبرنامه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در جامعه‌ای که بنایش بر آزادی است فرد در نسبت با جامعه تعریف نمی‌شود بلکه به اعتبار آزاد بودنش در برابر جامعه فرد شده است.

این قبیل تلقی‌ها به صفت شخصی و نقص اخلاقی اشخاص باز نمی‌گردد بلکه اقتضای نظم جهان جدید است که رو به قدرت دارد. در این نظم پیچیده مردمان بیش از هر زمان در جمع منحل می‌شوند و به رسوم و مشغولیت‌های جامعه عادت می‌کنند اما آدمی در جهان جدید از آزادی در برابر قدرت و قانون جامعه نیز برخوردار است. بشر آزاد در جامعه‌ای که راهش با سیر علم تکنولوژیک معین می‌شود از خردی که علم و تکنولوژی را راه می‌برد بهره دارد و گاهی به حکم خرد از آزادی خود صرف‌نظر می‌کند و این توافق خرد و آزادی مایه تعادل در زندگی مردمان می‌شود و تا زمانی که خرد جمعی دستخوش پریشانی کلی نشده باشد، تعادل در نظام زندگی کم و بیش محفوظ می‌ماند. خرد کارساز جامعه جدید چنانکه فروید می‌اندیشید واسطه جمع طبیعت و جامعه مدنی مبتنی بر قرارداد است. این وساطت همیشه آسان نیست و نسبت میان فرد و جامعه ثابت نمی‌ماند زیرا ضامنی بیرون از فرد و جامعه که آن را حفظ کند ندارد. در جامعه‌های قدیم فرد و جمع در برابر هم قرار نداشتند حتی چنانکه گفته شد در آتن فرد عضو مدینه بود و فردیتش با عضویت در مدینه معنی پیدا می‌کرد. اجتماعات قدیم، اجتماعات بالنسبه ثابت بودند. در جامعه جدید که بنایش بر آزادی است فرد گرچه در

جامعه وجود دارد در نسبت با جامعه تعریف نمی‌شود بلکه به اعتبار آزاد بودنش در برابر جامعه فرد شده است. فرد می‌داند که جامعه آزادی او را با قانونش محدود می‌کند و در عین حال به او پناه و امنیت می‌بخشد. فرد در سایه جامعه آرامش می‌یابد. مشکل زمانی پیش می‌آید که بنیاد جامعه سست می‌شود یا چشم‌انداز و امید در حجاب سیاهی می‌رود. جامعه جدید گرچه از ابتدا کمتر بر مبنای دوستی استوار بود بهره‌ای از امید و عزم و آزادی داشت. فیلسوفان و شاعران تا قبل از جنگ‌های جهانی به جامعه و زندگی و آینده امید داشتند اما ظاهراً در شعر و فلسفه پس از جنگ نشان از امید و صلح و آرامش پیدا نیست. سیاست و جامعه یکسره کار را به تکنیک واگذاشته‌اند. قانون هم قانون تکنیک است نه قانون جامعه. تکنیک جای جامعه را گرفته و علم تکنولوژیک و اخیراً اشتغال دائم به مطلق پژوهش به جای اینکه مایه بیداری و امید مردمان باشد، پناه غفلت و خانه آرامش بعضی دانشمندان شده است. در این وضع کمتر می‌پرسند که بر سر جامعه چه آمده و جهان به کجا می‌رود. ضامنی هم برای حفظ روابط میان من و دیگری وجود ندارد و چنانکه سارتر می‌گفت دیگری برای من دوزخ شده است اما کارل یاسپرس و مارتین بوبر من و دیگری یا من و تو را

همایش «ارتباط علوم انسانی، تولید و صنعت»

اسفند ۱۳۹۷

نخستین همایش ملی «ارتباط علوم انسانی، تولید و صنعت» با هدف پیوند دانشگاه و صنعت و تجمیع دانش صریح دانشگاهی و دانش ضمنی حوزه صنعت، روز پنجم اسفندماه ۱۳۹۷ برگزار شد و جایزه دکتر عظیمی آرانی به برترین تجربه های موفق/ناموفق حوزه



های تولیدی و صنعتی در کاربست علوم انسانی اهدا شد.

این همایش از همکاری وزارتخانه ها و دستگاه های متعددی از جمله معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، نهادهای علمی همچون دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه جامع علمی-کاربردی، دانشگاه علامه طباطبائی، جهاد دانشگاهی، پژوهشگاه صنعت نفت ایران، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، سازمان های مرتبط با صنعت از جمله سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی تهران، اتاق تعاون استان تهران، انجمن های علمی و حرفه ای همچون انجمن روان شناسی ایران، انجمن جامعه شناسی ایران، انجمن مدیریت صنعتی ایران، انجمن علوم مدیریت ایران، انجمن مدیریت ایران و انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری و حمایت رسانه ای شبکه چهار سیما و گروه رسانه ای بردار بهره مند بود.

در این همایش پس از خیرمقدم مسئولان کتابخانه ملی، دکتر بهروز دری (دبیر علمی همایش)، دکتر حسینعلی قبادی (رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و رئیس همایش)، دکتر منوچهر منطقی (عضو هیات مدیره محترم انجمن مدیریت ایران و رئیس محترم مرکز فضایی ایران)، دکتر محمدسعید سیف (مدیرکل محترم دفترباطباط با صنعت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) و دکتر غلامرضا غفاری (معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) سخنرانی کردند.

بهروز دری، دبیر علمی این همایش، اظهار کرد: «از شش ماه گذشته طرح های اولیه این همایش آغاز شد تا

بتوانیم با برگزاری این همایش پیوند بین علوم انسانی و صنعت را مستحکم تر کنیم. با توجه به پیشرفت علوم بین رشته ای و بین موضوعی، علوم انسانی نمی تواند به این مسئله بی توجه باشد و باید به تربیت نیروی کار توجه لازم را انجام دهد. به طور طبیعی صنعت نیز باید با توجه به محیط سخت و نرمی که دارد به حوزه انسان و جامعه توجه لازم را معطوف داشته باشد. علوم انسانی از رشته های مختلفی همچون حقوق تاریخ، اخلاق، اقتصاد و فرهنگ، مدیریت، روانشناسی، علوم تربیتی، علوم سیاسی و علوم اجتماعی تشکیل شده است».

وی از ویژگی های این همایش را برگزاری پنل های تخصصی کارگروه های چهارجانبه با اهالی صنعت در نشست های تخصصی ماهانه قبل از برگزاری همایش و دو روز برگزاری همایش عنوان کرد و گفت: «این نشست های تخصصی (پنل ها) با هدف آشنایی اهالی علوم انسانی با مشکلاتی که از صنعت می توانند حل کنند برگزار می شود».

وی از دیگر اهداف این همایش را گشایش عرصه وسیع تر برای تبادل نظر و تعمیق تعامل میان مجامع علمی علوم انسانی، تولید گران و فعالان حوزه صنعت بیان کرد و ادامه داد: «زمینه سازی برای شناسایی و ترغیب صاحبان ایده های مسئله کند علوم انسانی قابل تبدیل به محصولات فناورانه و شناسایی مسائل و موانع پیش رو و راه حل های ممکن برای فعالیت های مشترک در حوزه های علوم انسانی، تولید ملی و صنعت از دیگر اهداف این همایش است. درضمن تقویت مشارکت مجامع علمی پژوهشی و صنایع و سازمان ها با یکدیگر و ارتقا هم افزایی دانش علوم انسانی با تجربه صنعتی و توسعه و ترویج الگوهای موفق در فعالیت های مشترک و هم افزا در دو حوزه علوم انسانی و صنعت را از اهداف دیگر این همایش عنوان کرد».

در ادامه دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ضمن خیر مقدم و تبریک روز خواجه نصیر و روز مهندس، گفت: «جامعه ما مسائل مختلف و عدیده ای را در پیشروی خود دارد. یکی از نمادهای زندگی و زیست در دوران مدرن، بهره گیری از انواع فناوری ها و حضور صنعت است. پدیده تولید و صنعت در ساحت جامعه رشد می کنند و بر هم تأثیر و تأثر ویژه دارند. اما بُعد سومی که مستقیم و غیرمستقیم از همان ابتدا با این دو بُعد در ارتباط است، نهاد علم، پژوهش و دانشگاه است. از تعامل هدفمند و مؤثر جامعه، صنعت و دانشگاه وقوع اتفاق های مثبت در عرصه تولید، اشتغال انتظار می رود تا با عبور از معضلات و حل مسئله، به رفع نیازهای عمومی و رسیدن، خودکفایی و تقویت مزیت های رقابتی دست بیابیم. اما این نکته، به ویژه در جامعه ما، واقعیتی است که هرکجا حرف از ارتباط



دانشگاه و صنعت به میان آمده فقط جنبه‌های تجربی و تکنیکی علم در مرکز توجه قرار گرفته و وجوه انسانی و نیازهای فردی و اجتماعی عناصر درگیر یا منتفع از صنعت مغفول مانده است. غفلت از پیوندهای میان پیچیدگی‌های خاص روابط انسانی و اثر گذاری صنعت در زوایای پنهان زندگی بشر نیز عاملی برای شکل نگرفتن ارتباط علوم انسانی و صنعت شده است.

قبادی تصریح کرد: «هرچند طی دهه‌های گوناگون، صاحب‌نظران زیادی به لزوم برقراری این ارتباط اشاره کرده‌اند، همچنان عرصه‌های تولیدی و حتی سیاست‌گذاری‌های صنعتی تنها در اختیار تکنوکرات‌ها بوده است. حتی هر نوع اصلاح فرآیندهای انسانی، نه با دانش تخصصی رشته‌های علوم انسانی که به وسیله همین گروه محقق شده است. در کنار این ناهمخوانی‌ها، شاهد رشد فزاینده کمی مراکز علمی - پژوهشی هستیم و همین بی‌ارتباطی حتی چالش‌هایی را نه در صنعت که حتی در دانشگاه نیز به همراه داشته است. رفع این چالش‌ها نیازمند راهبردهای نوآورانه برای پاسخ به تغییرات جامعه در مسیر حل مسائل آن است. از این‌روست که مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی اجتماعی مراکز علمی - پژوهشی و تعهد واقعی آنها به حل مسائل مبتلا به جامعه در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی بیش از پیش اعتبار و ارزش یافته است. اقتصاد دانش‌بنیان سبب شده تا دامنه‌ی ذی‌نفعان و مشتریان مراکز علمی پژوهشی گسترده‌تر و متنوع‌تر شود. اما این گستردگی به تنهایی و بدون اقبال مراکز صنعتی و بدون فضاهای واسطه شکل‌دهنده گفتگو بین علوم انسانی و صنعت ممکن نخواهد شد.

قبادی ضمن اشاره به اینکه صنعت، برگرفته از اندیشه و دست ساخته انسان است، گفت: «هدف صنعت تأمین آسایش و رفاه انسان‌ها از طریق تولید کالا و محصولات و ارائه خدمات است. پیشرفت در فناوری، انواع خدمات را به جهان و دنیای ما ارائه کرده است. البته همین صنعت مفید و ثروت آفرین چون نتوانسته جای انسان‌ها بیاندیشد، درکی از مقتضیات زندگی ما نداشته و با انواع آلاینده‌ها و مضرّات، جهان و محیط زیست ما را نیز به خطر انداخته است. از این‌روست که همین مسائل نوپدید ناشی از تحولات صنعتی نیازمند دانش و اطلاعات علوم انسانی بوده تا بتواند پایه‌های پیشرفت جامعه و رفاه بشر را تشکیل دهد. همین رسالت نیز توجه دوباره به لزوم گفتگو و ارتباط بین علوم انسانی و صنعت را تأکید و تأیید می‌کند. برگزاری این همایش برای فرصت آفرینی برای چنین گفتگوهای طراحی شده است.»

رئیس پژوهشگاه با بیان اینکه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بنا بر رسالت، مأموریت و اهداف خود در چشم‌انداز برنامه توسعه راهبردی به دنبال پاسخگویی به نیازهای علمی و فناوریانه جامعه و تعامل سازنده در عرصه ملی و فراملی بوده است، گفت: «از

این رو با توجه به نامگذاری سال ۱۳۹۷ از سوی مقام معظم رهبری با عنوان «سال حمایت از کالای ایرانی» درصدد برگزاری همایشی ماندگار در جهت ایجاد ارتباط مستحکم تر میان منابع انسانی و علم انسانی با صنعت برای حل نیازهای جامعه بر آمده است. از این‌رو، امید است با برگزاری این همایش به سوی تحقق اهداف زیر گام برداشته باشیم:



۱- گشایش عرصه وسیع‌تر و تعمیق تعامل میان مجامع علمی علوم انسانی، تولیدگران و فعالان حوزه صنعت

۲- زمینه‌سازی برای شناسایی و ترغیب صاحبان ایده‌های مسأله‌مند علوم انسانی قابل تبدیل به محصولات فناورانه

۳- شناسایی مسائل و موانع پیش رو و راه‌حل‌های ممکن برای فعالیت‌های مشترک در حوزه‌های علوم انسانی، تولید ملی و صنعت

۴- تقویت مشارکت مجامع علمی پژوهشی و صنایع و سازمان‌ها با یکدیگر و ارتقاء هم‌افزایی دانش علوم انسانی با تجربه صنعتی

۵- توسعه و ترویج الگوهای موفق در فعالیت‌های مشترک و هم‌افزا در دو حوزه علوم انسانی و صنعت. سپس منوچهر منطقی، ضمن بیان نقش انکارنشده منابع انسانی در توسعه فناوری و اقتصاد کشور، گفت: «رابطه توسعه اقتصادی و فناوری در سال‌های اخیر به‌میزان چشمگیری افزایش داشته تا جایی که ۸۵ درصد فناوری در توسعه اقتصادی نقش دارد اما در کشور ما فناوری به معنای واقعی کلمه وارد عرصه اقتصادی نشده است چون در بخش‌های مدیریتی ضعف‌هایی وجود دارد.»

وی با تأکید بر اینکه توسعه فناوری تنها بر مبنای ایجاد توانمندی فناورانه حاصل می‌شود، گفت: «عناصر تشکیل‌دهنده قابلیت‌های فناورانه صرفاً در دانش و نوآوری نیست. این بخش شرط لازم برای ارتقای قابلیت‌های فناورانه است و منابع انسانی و مدیریت شرط کافی برای ارتقای فعالیت‌های فناورانه محسوب می‌شوند.»

نقص منابع انسانی است، لذا باید توانمندی منابع انسانی برای توانمندی فناوریانه برای صنایع کشور به صورت خاص تدوین شود». غلامرضا غفاری معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم گفت: «همه ما می دانیم که علوم اجتماعی و علوم انسانی در کشور، تغییر و تحولاتی داشته است، تغییراتی که باعث شد تا مسائل تازه و جدید پیش روی ما مطرح



شود و نیاز به تلاش اندیشمندان در عرصه های اجتماعی و سیاسی دارد تا این مسائل را حل کند. همین مسئله باعث شکل گیری مجموعه شاخه های علوم انسانی و اجتماعی شده است و طبیعتاً پویایی این علوم در گرو ورود به مسائل اجتماعی است».

معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم گفت: «اهمیت و اقتدار علوم انسانی در گرو این است که ورود صحیح به عرصه های مختلف داشته باشیم. علوم انسانی اگر به مسائلی بپردازد که مشکلات و دغدغه جامعه نیستند و این علوم نتواند خودش را در عرصه اجتماعی نشان دهد، فقط با یک عنوان شناخته خواهد شد و هیچ کاربردی ندارد، متأسفانه تمام تلاش بر این است که در دپارتمان ها، تقسیم درس و پایان نامه کنیم تا در مجموعه ای که عده ای به عنوان دانشجو پذیرفته شده اند، راه و رسم پژوهش را بیاموزند ولی کمتر این سؤال را می پرسیم که آموزش و پژوهش قرار است در کجا استفاده شود و برای کجا کاربردی باشد».

غفاری تصریح کرد: «کاری که می کنیم ارتباط زیادی به آنچه در محیط و پیرامون اتفاق می افتد ندارد. به عبارتی کتاب تولید می کنیم ولی کتاب اثری برآمده از مناقشه و بحث ها بین اندیشمندان است و گویا با تألیف این کتاب می خواهیم پاسخ سؤال اندیشمندی دیگر را بدهیم، درحالی که کتاب ما باید پاسخگوی سؤال جامعه باشد».

وی اضافه کرد: «گاهی نیز فعالیت هایی انجام می شود که به نوعی یک سیستم مبادله را تشکیل داده است و مجموعه، خودش را با این سیستم مبادله برای دریافت پاداش تنظیم می کند. صورت دیگر این سیستم مبادله این است که دستگاه های دیگر براساس منافع

رئیس مرکز ملی فضایی گفت: «عناصر تشکیل دهنده رقابت فناوریانه شامل دو بخش منابع فناوری و منابع انسانی است که منابع انسانی، مهارت ها، نگرش ها و دانش ضمنی را شامل می شود و منابع فناوری، دانش مدرن، تجهیزات و نرم افزار را دربر می گیرد». منطقی به مراحل ارتقای قابلیت های فناوریانه اشاره کرد و افزود: «مراحل ارتقای قابلیت های فناوریانه شامل



توانمندی های عملیاتی، نوآوری اولیه، نوآوری متوسط، نوآوری پیشرفته و توانمندی راهبردی است که ما هنوز در سطح دو و سه قرار گرفته ایم و نتوانسته ایم به سطح چهار و پنج ورود کنیم درحالی که ما باید این سطوح را طی کنیم تا به رشد اقتصادی برسیم. هر کدام از این سطوح باعث می شود که سطح درآمد ملی بیشتر شود، به طوری که در سطح پنج، بالای ۱۰ هزار دلار درآمد ملی وجود خواهد داشت. علت اینکه نتوانسته ایم به سطوح بالاتر دست پیدا کنیم، مشکل در توانمندی منابع انسانی است و به فناوری مربوط نمی شود، چرا که باید همراه هر کدام از این سطوح، یک پکیج و بسته منابع انسانی را تدوین و مدیریت کنیم و اگر این منابع انسانی دیده نشود، در سطوح قبلی باقی می مانیم. متأسفانه ما هنوز بر مبنای داده های قبلی کار می کنیم درحالی که دنیا تغییر کرده است ولی مدیران ما فقط به حال می اندیشند. در کنار این مباحث، نگاه ها باید در عین رقابت با هم همکاری کنند و ایجاد تعادل بین هزینه و ارزش، بهره برداری و اکتشاف، شکست و یادگیری، هماهنگی و همکاری اهمیت ویژه ای دارد. در سال های اخیر مدیریت دانش، فناوری و نوآوری و البته کارآفرینی سهم خود را در ارتقای توانمندی فناوریانه کشور ادا کرده است».

منطقی تأکید کرد: «حالا وقت این است که منابع انسانی به عنوان جزء مکمل، نقش خود را ادا کند. انجام پروژه های بین رشته ای، بین منابع انسانی و رشته های مدیریت فناوری و نوآوری می تواند به حل این مسئله کمک کند».

رئیس مرکز ملی فضایی در پایان خاطرنشان کرد: «توقف کشور در صنایع یا فناوری پیشرفته ناشی از

فناوری ادامه داد: «رصد اشتغال هم از دیگر برنامه‌های وزارت علوم است که در این طرح ۸۰ دانشگاه طی ۶ ماه اول امسال بررسی شد. همچنین ساماندهی کارآموزی یا کارورزی دانشگاه‌ها نیز از دیگر برنامه‌هایی است که انجام شده است که با ۲۳ وزارتخانه و دستگاه اجرایی، جلساتی برگزار شد و ضرورت موضوع و مسئولیت اجتماعی آن را مطرح کردیم و به‌همین دلیل دستگاه‌های اجرایی و ۱۸ تشکل خصوصی به ما قول همکاری دادند تا تابستان برای برگزاری دوره‌های



کارورزی و کارآموزی دانشجویان، هماهنگی بهتری وجود داشته باشد. در کنار این موضوع، فعال‌سازی دانشگاه‌ها از برنامه‌های استانی است تا دانشگاه‌ها رسالت خودشان را برای محل و شهری که در آن قرار دارند، بشناسند».

سیف اضافه کرد: «مستندسازی و ترویج الگوهای موفق نیز انجام شده، چرا که نمی‌توان براساس یک نسخه یک‌سان، به‌همه دانشگاه‌ها گفت که چگونه می‌توانند تدریس کنند و به دانشجویان مهارت بیاموزند. برهمین‌اساس الگوهای درست در دانشگاه‌هایی نظیر شریف و تهران را مستندسازی کردیم تا در اختیار همه دانشگاه‌ها قرار بگیرد. همچنین در دفتر ارتباط با صنعت، آمارهایی را از سال گذشته به‌جمع‌بندی رساندیم که طی دو گزارش تهیه شده است. این آمار، آمار جدیدی است. پیش از این وزارت علوم بر تعداد مقالات اصرار داشت اما این آمار براساس این است که دانشگاه‌ها چه میزان قرارداد و درآمد به‌نسبت تعداد اعضای هیئت‌علمی دارند و طبق این آمار به‌ازای هر ۱۰۰ دانشجوی ارشد و دکتری، ۱۰ قرارداد با صنعت در دانشگاه‌ها داریم که این ارقام در دانشگاه‌های برتر بیشتر و در دانشگاه‌های کوچک‌تر کمتر است. با شرایط بحرانی که داریم، اساتید باید به‌سمت نیازهای کشور متمرکز شوند و امیدواریم آمار ارائه شده از سوی دفتر ارتباط با صنعت برای برنامه‌ریزی دانشگاه‌ها و وزارت علوم مؤثر باشد».

سیف در پایان خاطر نشان کرد: «حتی خود کلمه ارتباط در عبارت «ارتباط صنعت و دانشگاه» از جنس

و علقه‌هایی که در جامعه وجود دارد، آنها را به مراکز علمی و دانشگاه‌ها ارجاع می‌دهند و به‌نوعی مرکز علمی، خدمت‌گزار و یاری‌رسان مجموعه‌ای دیگر می‌شود. اما نگاهی که در این همایش دنبال می‌شود، این است که این بار عالمان و اندیشمندان در پرتو مهارت و توانمندی که در اختیار دارند، نسبت به مسائل پیرامون خودشان حساس شوند و خودشان را به‌عنوان یک عضو از جامعه بدانند و با جامعه پیش بروند و پاسخگوی نیاز آن باشند، چرا که اگر دانشگاه در جامعه باشد و جامعه نیز فعالیت‌های دانشگاه را ببیند، یعنی دانشگاه موفق بوده و توانسته مشکلات جامعه را ببیند و حل کند. حال این سؤال مطرح می‌شود، آیا جامعه علمی و نظامی آموزشی ما براساس آنچه در اختیار داریم، به‌گونه‌ای تنظیم شده تا این هدف محقق شود؟».

غفاری به ارائه آمار سال ۹۶ درخصوص تعداد دانشجویان پرداخت و گفت: «طبق آمار سال ۹۶ تعداد دانشجویان از ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر بیشتر است که در ۲ هزار و ۶۴۵ مؤسسه آموزشی، این دانشجویان مشغول تحصیل هستند و ۴۷ درصد این تعداد دانشجو در رشته‌های علوم انسانی تحصیل می‌کنند. ۲۸٫۵ درصد دانشجویان فنی و مهندسی هستند و ۸٫۲ درصد در رشته‌های هنر، ۶٫۶ درصد در رشته‌های علوم پزشکی و ۶ درصد در علوم پایه مشغول تحصیل هستند. اما آموزش به دانشجویان علوم انسانی تا چه حد آموزشی بوده که بر مبنای توانایی آنها برای ورود در حوزه‌های کاربردی و سیاستی باشد و آیا اکوسیستم و ارتباط شبکه‌ای ایجاد شده تا به دانشجویان علوم انسانی برای ورود در عرصه صنعت کمک کند؟».

وی تصریح کرد: «تجربه نشان می‌دهد در جایی که قوی‌ترین دپارتمان‌های علوم انسانی و اجتماعی وجود داشته باشد، شاهد توسعه نیز خواهیم بود، لذا باید وقت و هزینه صرف کنیم تا مسیر درست را پیدا کرده و بالندگی بیشتری در این حوزه داشته باشیم. وقتی صحبت از علوم انسانی و علوم اجتماعی مطرح می‌شود، فقط این موضوع به این رشته‌ها بازمی‌گردد، چرا که امروز تجربه کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری روی مسئولیت‌پذیری افراد متخصص بهترین نتیجه را به کشورها داده است».

محمدسعید سیف در مراسم افتتاحیه، گفت: «در راستای اجرای برنامه‌های وزارت علوم درخصوص ارتباط صنعت و دانشگاه، برنامه‌هایی در حال پیگیری است که یکی از آنها توانمندسازی دانشجویان است. این توانمندسازی برای مهارت‌افزایی و اشتغال‌پذیری دانشجویان با همکاری دستگاه‌های اجرایی و سازمان‌های خصوصی انجام می‌شود تا دانشجویان علاوه بر گذراندن ۱۴۰ واحد بتوانند مهارت‌های مدیریتی، کسب‌وکار و روابط عمومی را فرا بگیرند. این طرح در همه دانشگاه‌ها اعم از دانشگاه‌های برتر و سطح یک در حال انجام است».

مدیرکل دفتر ارتباط با صنعت وزارت علوم، تحقیقات و

مدیریت است و این نشان می‌دهد که علوم انسانی باید در مسائل اجتماعی کشور نقش ایفا کند و کم بودن بهره‌وری و عدم رقابت‌پذیری صنایع نیز به مسائل مدیریتی مربوط می‌شود».

در ادامه همایش ده پنل با عناوین ذیل در سالن‌های مختلف برگزار شد:

۱. محیط زیست محرک توسعه دانش‌بنیان
۲. مسئله‌مداری صنعت در جامعه ایران
۳. نقش زبان‌شناسی کاربردی، میان‌رشته‌ای، و رایانشی در حل مسائل جامعه
۴. اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور
۵. پنل تخصصی کارگروه اخلاق، علوم تربیتی، روان‌شناسی و صنعت
۶. داستان آموزش و یادگیری در صنعت ایران
۷. علوم انسانی و مسئولیت اجتماعی در توسعه پایدار ملی
۸. اخلاق: علوم انسانی و صنعت
۹. درس آموخته‌های جهانی؛ نقشی نو در زمان بحران
۱۰. پنل تخصصی کارگروه علوم اجتماعی، فرهنگ و صنعت

روز دوم همایش ملی «ارتباط علوم انسانی، تولید و صنعت» در دوشنبه ۶ اسفند ۹۷ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این روز دکتر فرشاد مومنی (رئیس مؤسسه دین و اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی) دکتر خسرو قبادی (هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی)، دکتر غلامرضا خاکی (استاد فلسفه دانشگاه تهران) دکتر محمد نیاوندیان (معاون اقتصادی رئیس‌جمهور)، دکتر محمد فاضلی (دکتری جامعه‌شناسی مرکز بررسی‌های استراتژیک، دانشگاه شهید بهشتی و مشاور اجتماعی وزیر نیرو)، دکتر ناهید پوررستمی (معاون آموزشی، پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده مطالعات جهان) و دکتر امیرحسن کاکایی (استاد دانشکده مهندسی خودرو دانشگاه علم و صنعت و مشاور صنایع خودروسازی) سخنرانی کردند. فرشاد مؤمنی، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، در روز دوم و پایانی همایش ارتباط علوم انسانی، تولید و صنعت که صبح امروز، ۶ اسفندماه ۱۳۹۷ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد، گفت: ما به همه مسائل از هر زاویه‌ای جز دانایی نگاه کرده‌ایم. به طرز غیرمعارفی گرفتار هستیم و هنوز بنیه کارشناسی در تصمیم‌گیری‌های کشور نزدیک به صفر است. راه نجات ایران عمل به نظرات کارشناسی است».

او ادامه داد: «زور علم در چارچوب مناسبات رانتی ناچیز است و علم را رقیب خود می‌داند، بنابراین فرصت‌ها را از دست می‌دهیم و هزینه‌های سنگین می‌پردازیم.

خبرنامه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



این صاحب‌نظر اقتصادی گفت: «در پنج ساله گذشته رشد اقتصادی‌مان در مقیاس جهانی جزو برترین‌ها بوده اما از دل این رشد نه رونقی به دست آمده نه وضعیت مردم بهتر شده و نه کمکی به اشتغال کرده است. ما در این پنج سال گذشته چیزی حدود ۳۰ درصد از تورم‌مان کاهش یافته ولی هیچ یک از کارکردهای شرایط تورم را شاهد نبوده‌ایم. بنابراین ما در حال حرکت به سمت یک از کارافتادگی هستیم، در یک سال قیمت نفت ۷۰ دلار در هر بشکه نفت کاهش



می‌یابد اما هیچ اتفاقی رخ نمی‌دهد. همه اینها به واسطه شکاف بین نظر و عمل اتفاق می‌افتد». این استاد دانشگاه با بیان اینکه این از کارافتادگی در نظام آموزشی ما هم وجود دارد گفت: «ما با یک نظام آموزشی فاقد برنامه روبه‌رو هستیم. ما همچنین دچار یک کمیت‌گرایی افراطی در آموزش عالی هستیم. حافظه‌محوری یکی دیگر از کاستی‌های نظام آموزشی است، نظام آموزشی ما ظاهرگرا و نمایش‌محور است، سهم ایران در خلق داده‌های علمی ۶۸ برابر شده است اما بهبودی در کیفیت زندگی ما ایجاد نکرده و اتفاق علمی خاصی رخ نداده است. گویب این مقاله‌نویسی‌ها بود و نبودشان کارایی ندارد. متأسفانه این مسایل و واقعیت‌ها واکنش برانگیز هم نیست! ما یک شرایط بحرانی را تجربه می‌کنیم و این از کارافتادگی می‌تواند تهدیدی علیه امنیت ما باشد».

وی با طرح این سؤال که چه باید کرد، گفت: «مطالعات زیادی نشان می‌دهد که سهم عوامل بیرون از سازمان در توضیح ناکارآمدی آن سیستم بیشتر است. ما با یک بازآرایی سیستم در کل ساختار نهادی نیاز داریم، این ساختار نهادی کاملاً علیه توسعه موضع گرفته است. ساختار نهادی ما به گونه‌ای است که هرکس برای افزایش منافع شخصی می‌کوشد منافع ملب را با مخاطره مواجه می‌کند. در همین دولت در پنج سال گذشته وقتی خواستند نرخ ارز را خارج از چارچوب‌های اقتصادی حل کنند همه چی به هم ریخت و به تاراج رفت. ما باید ببینیم درد این حکومت چیست که برنامه‌ریز است. علاوه بر اینکه نظام

اقتصادی ما مشوق دانایی محوری نیست، ما کاستی‌های فاجعه‌آمیزی هم در نظام آموزشی و هم تولید صنعتی داریم که باید متحول شوند. آنچه درباره نظام آموزشی مهم است این است که این نظام باید از نظر شکل و محتوا تمرکز خود را بر کار جمعی و یادگیری ضمنی بنا کند».

این نظریه‌پرداز اقتصادی بیان کرد: «پیش شرط تحقق نوآوری آمادگی به اشتراک گذاشتن دانایی است که ما با آن فاصله زیاد داریم. ما در چارچوب تولید خودفریبی می‌کنیم وقتی همه چیزمان از نفت است این تولید نیست از جیب خوردن است. ساخت اقتصادی سیاسی ایران تمایل دارد این الگوی تولید بسط پیدا کند. پیوند راهبردی میان تولید محوری و علم محوری از دل فرصت‌های شغلی مولد بیرون می‌آید. بنابراین ما با اتکاء به روش علمی هم می‌توانیم بفهمیم منشا گرفتاری چیست و هم راه برون رفت از آن چیست. متأسفانه ما اگر استثناها را نادیده بگیریم متأسفانه پشت به هدف هستیم و به طرز عجیبی علم‌گریز و تولیدگریز هستیم».

مؤمنی در پایان گفت: «چیزی که برای ایران حکم مرگ و زندگی دارد و به آن توجه نمی‌شود روندهای مسئولیت‌گریزی دولت از امور حاکمیتی است. این شانه خالی کردن به‌ویژه از حوزه سلامت و آموزش مردم و تغذیه مردم مهمترین نموده‌ها و بسیار خطرناک است». خسرو قبادی در نخستین همایش ملی ارتباط علوم انسانی، تولید و صنعت اظهار کرد: «تاریخ بازگو کننده ارتباط صنعت و دانشگاه است و برای داشتن صنعتی مفیدتر نیاز به حاکمیت قانون داریم. نهضت ملی، وابستگی به صنعت را نفی و انقلاب اسلامی نیز نه به کل وابستگی نفتی را خواستار است پس باید به تکنولوژی و تحول صنعتی رسیده و به مسائل علوم انسانی بیشتر از قبل بپردازیم. صنعت نفت یکی از حوزه‌های آسیب‌شناسی در حوزه صنعت است. در یک‌صدمین سالگی کشف نفت به توسعه تکنولوژی نرسیدیم».

وی بررسی مقالات سه همایش توسعه تکنولوژی از جمله فقدان بستر فرهنگی مناسب و سیاست‌گذاری و مدیریت نامناسب را در این آسیب‌شناسی مفید عنوان کرد. این عضو هیأت علمی آسیب‌شناسی نظام دانشگاهی را تعامل دانشگاه و جامعه بیان کرد و گفت: «برگزاری سمینار دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی و همچنین برگزاری کنگره ملی در علوم انسانی و همایش‌های فرهنگ دانشگاهی به تعامل دانشگاه و جامعه کمک شایانی می‌کند».

وی با تأکید بر ارتباط بین مراکز پژوهشی و حوزه‌های اجرایی و سیاست‌گذاری صورت گرفته، ادامه داد: «این تلاش‌ها بسیار محدود بوده و ارتباط بین پژوهشگران و کاربران بالقوه به دست اتفاق سپرده شده است. تربیت انسان مسأله‌مند در دانشگاه‌ها به رویکرد بهتر این

حوزه کمک شایانی خواهد کرد».

سیس دکتر قبادی، گونه‌های ارتباط با صنعت را سه نوع عنوان کرد و گفت: «ایجاد رشته‌هایی همچون مدیریت، سیاست‌گذاری علم و فناوری که با صنعت ارتباط داشته و رشته‌هایی همچون جامعه‌شناسی و روانشناسی که در جذب رضایت مشتری مؤثر هستند و علوم انسانی محض که بایسته‌های صنعتی شدن را بیان می‌کند».

وی سه لایه یا سطح را در صنعتی شدن گونه‌های



ارتباط مؤثر عنوان کرد و گفت: «سطح بنگاه یا لایه عملیاتی و اجرایی در علوم انسانی فناورانه، سطح سیاست‌گذاری یا استراتژی‌های صنعتی که در حوزه علوم انسانی سیاستی و سطح کلان یا مبانی ضرورت صنعتی شدن، دنیاگرایی، فرهنگ صنعتی‌شدن و فرهنگ کار در علوم انسانی نظری (نظریه و بر) از گونه‌های ارتباط در سطح صنعتی است».

قبادی به رویکرد نظری مطلوب تعامل دانشگاه و جامعه در ایران اشاره کرد و گفت: «نگاه مرتون (رشد علم در بستر فرهنگی مناسب)، مبارزه با ضدعلم و شبه‌علم که نتیجه مطالعه شیخ جباری در فرهنگستان بود و عبور از مرحله پیشاعلم که می‌گوید ما در مرحله پیشین گرفتار هستیم از نظریه مطلوب در تعامل دانشگاه و جامعه در ایران است».

قبادی در ادامه به نگاه هاردینگ یا ماهیت چند فرهنگی علم اشاره کرد و افزود: «تلفیق نگاه مرتون (مطالبه علم از جامعه) و هاردینگ (علم در خدمت نیازهای جامعه به تعامل دانشگاه و جامعه کمک می‌کند. طراحی الگوی بومی ارتباط دانشگاه و جامعه نیازی است که راهبرد این طرح را سرعت می‌بخشد. کارهای مطالعاتی که در تحلیل محتوای منابع، مقالات و و رساله‌ها و گزارش‌ها و گردآوری آنها پیشنهادی برای ارتباط بهتر صنعت و علوم انسانی است».

وی به مستندسازی تجارب افراد فعال در صنعت و علوم انسانی اشاره کرد و ادامه داد: «این افراد باید با دانش‌های ضمنی خود از صنعت با مستندسازی تجارب به ارتباط بهتر صنعت و علوم انسانی کمک کنند. تعامل دفتر ارتباط با صنعت در معاونت پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با دانشگاه‌ها

فرصت‌های مطالعاتی صنعت را بهبود می‌بخشد».



محمد نهاوندیان عصر دوشنبه در اختتامیه همایش ملی ارتباط علوم انسانی، تولید و صنعت اظهار کرد: «در یک سال گذشته جامعه شاهد التهابات بازار ارز و کالا بوده است. اقتصاددانان این شرایط را نتیجه برخی عوامل سیاسی خارجی نظیر خروج آمریکا از برجام، تحریم و همچنین ناامنی‌های داخلی عنوان می‌کنند. علاوه بر این حالت روحی جامعه و اثرپذیری از نگرانی‌های آینده،



نقش فضای مجازی و همچنین انتظارات تورمی به همراه افزایش تقاضا خود سبب تورم می‌شود. عوامل بیرونی محیط موجب تأثیرات روحی، روانی و اقتصادی جامعه شده و برنامه‌های صنعتگران را نیز برهم می‌زند.

نهاوندیان همچنین با اشاره به انقلاب صنعتی چهارم اظهار داشت: «امروزه ساحت‌های تاریخی و تئوریک جامعه که از یکدیگر جدا بوده‌اند، درهم تنیده و مرزهای آن از بین رفته‌اند. در حال حاضر همگان از تکانه بزرگ جهانی که همه علوم را دستخوش تحولات ریشه‌ای کرده است، اثرپذیرند».

وی در ادامه با اشاره به ۳ لایه قابل تمایز در کشور یادآور شد: «در مطالعات آکادمیک تولید علم، نگاه محدود باید از بین برود و در روش‌شناسی علوم اجتماعی پذیرفت که گسترش و سرعت ارتباطات عرصه‌های متعدد علوم را تحت تأثیر قرار داده است. به عنوان مثال در مطالعات گذشته روان‌شناسی اجتماعی میان مفاهیم محیط، خانواده و... مرزی وجود داشته و امروزه این مرز شکسته است».

معاون اقتصادی رئیس‌جمهوری با اشاره به لایه تجدید نظر و سیاست‌گذاری ادامه داد: «سیاست‌گذاری نیازمند تکیه بر تحقیق و پژوهش و این موضوع نیز نیازمند علوم انسانی و اجتماعی است. لایه سوم با عنوان لایه کاربردی در سطح مراکز تولیدی مطرح است. امروزه رضایت مصرف‌کننده باید در طراحی تولید نقش داشته باشد. چراکه ارتباطات حکم خود را بر طراحی‌ها و مناسبات فناورانه تحمیل کرده است. در بیانیه گام دوم که از سوی مقام معظم رهبری مطرح شد، محورهای عدالت، برون‌گرایی و درون‌زایی مورد تأکید قرار گرفته است. مطالبه‌گری اجتماعی

غلامرضا خاکی، استاد مدیریت دانشگاه تهران در همایش ارتباط علوم انسانی، تولید و صنعت که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد، درباره تأثیرات تحولات علوم انسانی بر نظریه‌ها و مدل‌های نوین سازمانی، گفت: «حوزه مدیریت از خودش چیزی ندارد و منتظر دستاوردهای سایر رشته‌های علوم انسانی از جمله علوم اقتصادی، سیاسی و جامعه‌شناسی و... است. در علوم سیاسی نظریه‌های گوناگون دولت مطرح می‌شود و بعد وارد مدیریت دولتی می‌شود تا بتوانیم کاری انجام دهد. علم مدیریت می‌تواند از دستاوردهای دیگر رشته‌ها استفاده کند و به واقعیت در نهادهای مختلف تبدیل کند».

این استاد دانشگاه ادامه داد: «اگر هر علمی از جمله سیاست، فلسفه و... در یک جامعه ضعیف باشد، بالطبع مدیریت هم نمی‌تواند کاری انجام دهد. دانش مدیریت مولود فلسفه پراگماتیستی است که فلسفه آمریکایی است. علم مدیریت فرآیندی برای نظریه‌پردازی و تکنیک‌سازی است تا از طریق آن تحول ایجاد کنیم. علم مدیریت به ما می‌گوید چگونه تغییر ایجاد کنیم ولی اگر آن را نفهمیم این علم مثلاً در ایران معنایش فقط تغییر دادن و عوض کردن آدم‌ها می‌شود».

خاکی اضافه کرد: «تنها دانشی که شبیه به مدیریت است پزشکی است. علت اینکه مدیریت به جایی نمی‌رسد چون دانش مشاوره نداریم. دانش مدیریت جهانی است. ما در ایران با مشکلی به اسم مجمع الجزایر فرهنگی مواجه هستیم و همین کار ما را سخت کرده است».

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران اظهار داشت: «اگر دانش‌های مختلف علوم انسانی تقویت شوند مطمئناً دانش مدیریت هم قوی می‌شود و به این ترتیب تغییر و تحول بهتر و درست‌تر اتفاق می‌افتد. دانش مدیریت کندو است که زنبورها (پژوهشگران) به سراغ گل‌ها (علم‌های دیگر) و در کندو پردازش انجام می‌شود. اینکه از کندو تغییر مناسبی بیرون نمی‌آید به این دلیل است که از گل‌های جامعه چیز تازه‌ای بیرون نمی‌آید».



است علوم انسانی برای تولید و صنعت، نقشی ایفا کند؛ این نقش باید در برشماری ملزومات اثرگذار بر تولید و صنعت باشد و گفت: «سرنا را از سر گذاشت نباید نواخت. همه علوم و از جمله علوم انسانی و اجتماعی می‌توانند سهم‌هایی در تولید و صنعت ایفا کنند؛ اما جریان واقعی در عرصه علوم و فناوری این گونه است که چون علمی به بلوغ و شکوفایی برسد، همچون چشم‌های جوشان می‌شود که به بیرون تراوش کرده یا فوران می‌کند، و تولید و صنعت هم از این فوران و غلیان بهره خواهند برد. چنان نیست که با مطالبه کردن یا بدتر از آن فشار آوردن به علوم برای نقش‌آفرینی در عرصه تولید و صنعت، به فوران و غلیان برسند».

وی در ادامه گفت: «رشد و بالندگی علوم - اعم از علوم انسانی و اجتماعی - شرایطی دارد، و به کار بستن آنها در جریان توسعه نیز ملزومات نهادی فراوان دارد. معضل امروز را باید دوسویه بازخوانی کرد و هرگونه قرائت یکسویه که مشکل را به ضعف درونی علوم انسانی و اجتماعی نسبت دهد، و از نامناسب بودن شرایط نهادی لازم برای غنای درونی علوم انسانی و اجتماعی غفلت کند؛ یا آن دیدگاهی که از ضعف‌های علوم انسانی و اجتماعی موجود در ابعاد محتوایی و سازمانی بگذرد و فقط به شرایط محاط بر علوم انسانی تکیه کند، ناقص خواهد بود. یکسویه‌نگری و هر اراده‌ای که بخواهد علوم انسانی و اجتماعی را بدون عنایت به کارکردهای متکثر آنها، یکسره مخدوم تولید و صنعت سازد، بی‌گمان جهد بی‌توفیق خواهد بود. ناهید پوررستمی، معاون آموزشی و پژوهشی و تحصیلات



تکمیلی دانشکده مطالعات جهان، پتانسیل‌های علوم انسانی و اجتماعی در آسیب‌شناسی و حل مسائل زیرساختاری، نهادی، سیاست‌گذاری و بنگاه‌داری تولید و صنعت ایران؛ بررسی تجربه ژاپن را مدنظر داشت و درباره ضرورت توجه به علوم انسانی و اجتماعی برای حل مسئله گفت.

تاکید پوررستمی بر دانش یکپارچه بود که بر مبنای تجربه ژاپن در مسیر توسعه، آن را تشریح کرد. «دانش

که امروزه از طریق شبکه‌های اجتماعی حاصل شده است، در گذشته قابل تصور هم نبود. تغییر سلیقه‌های آگاهی خوانی از آگاهی عمیق به سطحی نیز به خطر پوپولیسم (عوام‌گرایی) کمک می‌کند».

نهادن‌دیان خاطرنشان کرد: «تغییر ذائقه جامعه توسط شبکه‌های اجتماعی به سطحی‌نگری یک خطر بزرگ از جانب پوپولیسم است و در نتیجه این عوام‌گرایی، افراط‌گری پدید می‌آید که از تحریک احساسات نشأت می‌گیرد».

وی با بیان این‌که باید به آمادگی در مقابل انقلاب صنعتی توجه شود، افزود: «داعش از فضای اجتماعی بیشترین بهره را برد. در این شرایط وظیفه علوم انسانی و اجتماعی برقراری نظم در حیات اجتماعی است که منجر به رشد، آزادی و عدالت شود. شناخت ارتباطات اجتماعی نیز برعهده این علم است».

نهادن‌دیان با اشاره به FATF اظهار کرد: «جامعه ایران در طول تاریخ نسبت به عوامل بیرونی هم دغدغه مند و هم مشتاق است و در این شرایط وظیفه عالمان علوم انسانی است که با حضور در صحنه اجتماع آرامش خاطر را فراهم کنند. مناسبات برد-برد و باخت را تشخیص دهند. نباید از ترس خطر، حقوق خود را ضایع کرد و این مهم برعهده جامعه شناسان و صاحب نظران علوم اجتماعی است که مصداق‌های استاندارد حرکت، دام و فریب و همچنین تهدید از فرصت را مشخص کنند». سخنرانی بعدی به محمد فاضلی، مشاور برنامه‌ریزی و



توسعه وزیر نیرو، اختصاص داشت؛ وقتی که از بیم خود گفت: شاید «همه اشتیاق‌ها از آن جهت باشد که کشور دچار مشکل است و تامین مالی با مشکل مواجه شده است؛ پس علوم انسانی هم باید درآمدزایی کند. و این همه اشتیاق برای کسب منابع مالی باشد و نسبتی با تولید و صنعت نداشته باشد». از نظر فاضلی، انتظار از علوم انسانی برای «سخن گفتن از نسبت قدرت و اخلاق و افزایش توانایی انسان برای پایبندی به ارزش‌هاست». فاضلی به انداز این مسئله پرداخت که علوم انسانی، علوم حکمرانی هستند و جامعه‌ای که این را به فراموشی بسپرد، روی خوش نخواهد دید و اگر قرار

یکپارچه به معنی توجه داشتن به تمامی متغیرهای فهم در حل مسئله» که اهمیت و نقش تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی در فرآیند توسعه صنعتی ژاپن، نقش مؤثر و ضروری علوم انسانی را در این فرآیند نشان می‌دهد.

امیرحسین کاکائی، استاد دانشکده مهندسی خودرو دانشگاه علم و صنعت ایران، با نگاهی خوش‌بینانه درباره ارتباط علوم انسانی و صنعت خودروسازی سخنرانی کرد.



از نظر کاکائی این ارتباط هم‌اکنون نیز برقرار است. کاکائی، کاربرد مستقیم علوم انسانی در صنعت را مربوط به زمینه‌هایی چون «حسابداری، اقتصاد، حقوق، مدیریت (استراتژیک، عمومی، منابع انسانی، پروژه، عملیات و ارتباطات) و روان‌شناسی» دانست و درباره ارتباط غیرمستقیم علوم انسانی در صنعت به «جامعه‌شناسی، تاریخ، اخلاق، فرهنگ و هنر، علوم تربیتی، فلسفه، ادبیات و زبان‌شناسی، سیاست و سیاست‌گذاری» اشاره کرد.

- در ادامه ۴ پنل با عناوین ذیل برگزار شد:
۱. واکاوی نقش فرهنگ در بنگاه‌های صنعتی ایران
 ۲. مدیریت افکار عمومی و صنعت
 ۳. پنل تخصصی کارگروه حقوق، تاریخ، علوم سیاسی و صنعت
 ۴. پنل تخصصی کارگروه اقتصاد، مدیریت، و صنعت

در انتهای این همایش، جایزه دکتر آرانی به تجارب برتر در حوزه ارتباط علوم انسانی و صنعت اهدا شد. این جوایز به طرح‌ها/دستگاه‌های زیر اختصاص داشت:

- طرح اخلاق، ارزش‌های سازمانی و فرهنگ/ هلدینگ مپنا

- طرح دانشنامه رجال اقتصادی تاریخ معاصر ایران/ دانشنامه‌نگاری
- طرح اصلاح و بهبود فرآیندهای سازمانی/ ساطمان اسناد و کتابخانه ملی
- طرح دانشنامه فرش ایران/ پژوهشکده دانشنامه‌نگاری
- طرح بومی‌گزینی/ شرکت ملی گاز
- طرح کاربست سرمایه روانشناختی در ارتقای کیفیت زندگی کاری و رفتار سازمانی برتر/ شرکت ایران‌خودرو دیزل



چهارمین همایش ملی «میثاق علوی»:

پایبندی اعضای خانواده به رعایت حقوق متقابل و نقش آن در تحقق سبک زندگی اسلامی

آسیب‌های مختلفی روبرو بوده و تا زمانی که به یک شناخت جامع از این نهاد نرسند، بررسی علمی آن امکان‌پذیر نخواهد بود. اگر بخواهیم این نهاد را به درستی بشناسیم راه رسیدن به آن شناخت برنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی است که دین اسلام بیان کرده



است.»

دبیر همایش با بیان اینکه عبادالرحمن از منظر قرآن کریم کسانی هستند که نسبت به نهاد خانواده و اصلاح و پیشرفت جامعه اهتمام می‌ورزند، تصریح کرد: «خداوند در قرآن کریم می‌فرماید که آفرینش زوجین از یک حقیقت نشأت گرفته است و جاذبه فوق‌العاده بین آنها قرار داده شده تا در کنار هم آرامش گیرند. مدیر حوزه علمیه حضرت خدیجه (س) با بیان اینکه خانواده در مکتب اسلام بر مبنای غایت‌مداری، خدایاوری و فرجام‌باوری استوار است، گفت: «آنچه نظام حقوقی خانواده در اسلام را از سایر مکاتب جدا می‌کند توجه به حوزه حقوق در پرتو اخلاق‌مداری است که سبب شکل‌گیری رحمت و مودت و ایجاد سکینه بین روابط اعضای خانواده می‌شود و این همان گمشده جوامع مختلف است.»

در ادامه این مراسم دکتر حسینی‌علی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز ضمن خوش‌آمدگویی به حضار اظهار کرد: «امام علی (ع) به واسطه پیامبر (ص) به وحی متصل و بهترین میوه عمر رسول اکرم (ص) بوده و دانش قدسی داشتند، که ثمرات آن برای انسان‌ها در کتاب نهج‌البلاغه عیان است.»

وی نهج‌البلاغه را با تمام عظمت‌هایی که دارد فوق‌العاده عقلانی، واقع بین و جامعه‌نگر دانست و تصریح کرد: «نتوانستیم سرمایه عظیمی همچون امام علی (ع) و نهج‌البلاغه را به مقتضای نیاز جوانان تبیین و میان این دو اتصال برقرار کنیم.»

چهارمین همایش ملی «میثاق علوی» با عنوان «پایبندی اعضای خانواده به رعایت حقوق متقابل و نقش آن در تحقق سبک زندگی اسلامی» با همکاری حوزه علمیه حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مرکز تحقیقات امام علی علیه السلام و حوزه علمیه الغدیر در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در روز چهارشنبه ۹۷/۱۲/۱۵ برگزار شد.

در ابتدای این مراسم حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر سیدسجاد علم‌الهدی رئیس مرکز تحقیقات امام علی (ع) و رئیس همایش به سخنرانی پرداخت و اظهار کرد: «اعضای خانواده باید نسبت به حق و تکالیف خود و طرف مقابلشان آگاه باشند. همچنین، آثار رعایت و تجاوز به حقوق دیگران و عدم پایبندی به تکالیف را بشناسند.»

حجت‌الاسلام علم‌الهدی سطح کیفی مقالات ارائه شده به این همایش را مطلوب ارزیابی و با بیان اینکه این همایش به صورت مشارکتی بین دو نهاد حوزه و دانشگاه برگزار شده، اظهار کرد: «این همراهی و وحدت در ارائه آثار نیز به چشم می‌خورد به طوری که بسیاری از آثار به صورت مشترک با همکاری محققان حوزوی و دانشگاهی نگاشته شده است.»

در ادامه، فضایی مدیر حوزه علمیه حضرت خدیجه (س) و دبیر همایش، ضمن خوش‌آمدگویی به حضار بیان کرد: «دبیرخانه همایش ملی میثاق علوی از سال ۹۰ با هدف دستیابی به الگوی حقیقی سبک زندگی آغاز به کار کرد و پس از هم‌اندیشی با اساتید توانست سه دوره همایش با موضوعات "اخلاق عملی در آئینه کلام علوی"، "صدق در نهج‌البلاغه" و "حقوق در نهج‌البلاغه" را برگزار کند و دستاوردهای عملی همچون تدوین فرهنگ نامه صدق در نهج‌البلاغه را ارائه دهد.»

وی موضوع چهارمین همایش ملی میثاق علوی را پایبندی اعضای خانواده به حقوق متقابل برشمرد و گفت: «این پژوهش با هدف بررسی جایگاه خانواده در اسلام و ضرورت و اهمیت این نهاد در پیشبرد اهداف دینی و اعتلای سلامت جامعه شکل گرفته است.»

وی از جمله محورهای این همایش را پایبندی اعضای خانواده به حقوق متقابل، شناخت حقوق متقابل والدین و فرزندان، شناخت حقوق همسران، چگونگی پایبندی به حقوق و رابطه پایبندی به حقوق متقابل با ارتقای سبک زندگی بیان کرد.

فضایی با بیان اینکه نهاد خانواده بنا به اقتضائات روحی و روانی افراد شکل گرفته است، اظهار کرد: «هنوز کارشناسان نتوانستند تعریف واحدی از این نهاد اجتماعی ارائه دهند؛ بررسی علمی خانواده با

وی با تأکید بر اینکه اگر امام علی (ع) و نهج البلاغه را به‌خوبی به جوانان معرفی کرده بودیم غالباً بهانه‌ای برای بسیاری از ایرادات از سوی این قشر باقی نمی‌ماند. لذا، همکاری و وحدت حوزه و دانشگاه باید به مسئله شناسی و تبیین چنین امور مهمی بیانجامد.

در این همایش اشرف بروجردی رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی طی سخنانی با اشاره به موضوع این همایش گفت: «اگر حقوق متقابل افراد نسبت به یکدیگر رعایت شود می‌توانیم سبک زندگی اسلامی را رعایت کنیم، اندیشمندان از ۱۳۰ سال قبل بحث سبک زندگی را مطرح کردند و این موضوع شامل مؤلفه‌های مختلف از جمله باورها، اعتقادات و بسیاری از مسایل دیگر می‌شد.

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ادامه داد: دو رویکرد در این مورد که سبک زندگی چیست؟ وجود دارد، یکی آنچه که فکر و باور را بر اساس آن شکل می‌دهیم و این مهم تأثیر بر رفتار فرد دارد و رویکرد دیگر آن است که سبک زندگی اختیاری نیست و فرد با الزامات محیطی در آن قرار گرفته است.

بروجردی تصریح کرد: «به نظرم تعریف دوم مطلوب‌تر است چون بسیاری از موارد هست که رفتاری در ما ایجاد می‌شود که متأثر از عادت‌هایی است که در وجود ما شکل گرفته، لذا اگر حقوق یکدیگر را رعایت کنیم سبک زندگی خودمان را ترسیم کرده‌ایم، در نتیجه وقتی با این عنوان مواجه می‌شویم نخستین چیزی که در ذهن می‌آید آن است که ما چه حقی نسبت به دیگران داریم و دیگران چه حقی نسبت به ما دارند، بسیاری از اوقات عادت‌ها شامل آموزشی است که در بستر خانواده به فرد منتقل شده است.» وی ابراز کرد: «روایات متعددی از لحظه تکوین انسان در رحم مادر وجود دارد، و دستورالعمل‌هایی از تولد تا کودکی و بزرگسالی و حق کودک نسبت به والدین و حق والدین به کودک، تا حقوق شهروندی، اجتماعی و حقوقی که انسان به حاکمیت دارد. همه این موارد یک سری حق و تکلیف است که تعیین شده اما سؤال آن است که این حق و تکلیف به زندگی ما معنا می‌بخشد؟»

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی اضافه کرد: «اگر باورها و اعتقادات بتوانند ترسیم کننده رفتار ما باشند، می‌توانیم ادعا کنیم که سبک زندگی داریم، شاید تفاوت سبک زندگی اسلامی و غربی در همین بحث انسانی بودن رفتار انسان‌ها باشد و اینکه انسان بما هو انسان چه غربی و چه مسلمان کرامت دارد.»

در ادامه دکتر حسن رحیم پور ازغدی طی سخنانی در مورد نسبت کرامت و حقوق، گفت: «گاهی دوگانه‌ای ممکن است در ذهن باشد که یا باید کرامت ذاتی برای همه به یک اندازه قائل بود یا حقوقشان را نباید رعایت کرد، که این دوگانه غلط است.»

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی اظهار کرد:

«می‌خواهیم استدلال کسانی را که می‌گویند انسان بما هو انسان، کرامت ذاتی ندارد، بررسی کنیم. آنها می‌گویند اگر کرامت یا هر چیزی ذاتی باشد، قابلیت سلب ندارد در حالی که در قرآن و روایات آمده که کرامت و ارزش‌های انسان مشروط به نوع نسبتی است که با خدا و قرآن برقرار می‌کند، همین قرآنی که می‌فرماید: "وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ" همچنین، می‌فرماید: "أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ". به عبارت دیگر، همواره بین مؤمن و کافر از نظر ارزشی تفاوت وجود دارد و این دو نزد خدا کرامت یکسان ندارند، اصلاً انبیاء آمده‌اند که بگویند کرامت در گروی ایمان و عمل صالح است.»

رحیم پور ازغدی تأکید کرد: «امروز تهدیدهایی که درون خانواده را نشانه رفته است، مطرح می‌شود. خانواده می‌تواند کارکرد درست یا نادرست داشته باشد، احکام خانواده می‌تواند به نحوی چیده شود که تبدیل به سکوی پرش برای والدین و فرزندان شود. خانه یک مکان است و فقط مکان و یک ساختمان نیست، به آن مسکن می‌گویند چون سکنه آرامش می‌دهد. خانواده پمپ بنزین کل جامعه است.»

این استاد حوزه تصریح کرد: «خانواده اگر کارکرد بد داشته باشد، تبدیل به مرکز اضطراب و قفس برای زن و مرد و کودک می‌شود، قتلگاه آنها می‌شود. خانواده‌ای که کارکرد اسلامی ندارد، نفرت و یأس را پمپاژ می‌کند؛ حتی احکام مترقی اسلام اگر درست رعایت نشوند به نام این احکام چه زن و چه مرد له می‌شوند. امروز با فهم و طرح نادرست از احکامی همچون نشوز، نفقه دادن و ... عوامل نفرت علیه خانواده‌ها به این احکام ایجاد شده است.»

وی با بیان اینکه باید هندسه درست فهمیدن نیز برای احکام وجود داشته باشد، گفت: «امروز به بهانه‌های حقوقی و شرعی، زن و مرد به حقوق هم تجاوز می‌کنند، مرد به اسم تمکین و اذن، و زن به این اسم که من هیچ وظیفه‌ای در خانه ندارم و خلاصه همه چیز در خانه به روابط خشک و ظاهراً قانونی تبدیل می‌شود در حالی که هدف خانواده مطلقاً این نبوده است.»

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی تأکید کرد: «در یک طرف با تعریف درست از خانواده مواجهیم و طرف دیگر بیراهه‌ای مقابلمان وجود دارد که به فروپاشی خانواده می‌انجامد و خانواده را مانع رشد و شکوفایی معرفی می‌کند، کاری که در نظام لیبرال و مارکسیست در رابطه با خانواده انجام داده‌اند که همه راه حل‌های آنها غلط بود، لیبرالیسم به نام فردگرایی، خانواده را هدف قرار می‌دهد و مارکسیست‌ها با شعار دفاع از جمع‌گرایی، خانواده را مورد هجمه قرار می‌دهند. چه با نام اصالت فرد و چه با نام اصالت جمع، خانواده و فرد و جامعه را متزلزل کردند، از طرف دیگر باید توجه داشت که کارکرد خانواده فقط کارکرد جنسی نیست، شهوت نعمت الهی است اما شهوت‌زدگی است که نهی شده



پیش خواهد رفت و این در حالی است که خانواده با سکولاریزه کردن دیگر قداست ندارد، حقوق بشر سکولار، مقدس نیست چون اساساً سکولاریسم ضد قداست است. در این میان عده‌ای هم هستند که کلاً اسلام را منهای اجتهاد می‌دانند و قشری و سطحی نگاه می‌کنند. در چله دوم انقلاب باید وارد حوزه تمدن سازی اسلامی شویم و وارد مرحله ای شویم که مسئله مطرح کنیم و دیگران جواب‌ها را بیان کرده و غرب و شرق عالم آن را بررسی کنند. تمامی این موارد دیدگاه‌های متعددی است که در رابطه با خانواده و زن مطرح می‌شود اما آنچه اهمیت دارد، درک هندسه اصلی احکام و آن سبک زندگی است که اسلام مطرح می‌کند تا بتوانیم به هدف خود برسیم».

در ادامه این همایش نفرات برتر به ترتیب به ارائه مقالات خود پرداختند و از آنها تجلیل و قدردانی به عمل آمد که اسامی نفرات برتر از نظر تان می‌گذرد: رتبه اول: دکتر محمد عترت دوست با موضوع "مراحل و مؤلفه‌های بنیادین الگوی سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن کریم"

رتبه دوم: اکرم باسرخا، حکیمه ایزدی، زهرا تقوایی نجیب و راحله مقصود علی با موضوع «نقش و جایگاه اذن زوج در مورد ورود زوجه به فضای مجازی»

رتبه سوم: دکتر محمد جابر قنبری با موضوع «آسیب‌شناسی قانونی حقوق متقابل زوجین در سبک زندگی اسلامی»

در ادامه همایش بعد از اقامه نماز و صرف ناهار پنل‌های تخصصی از ساعت ۱۳ تا ۱۵ در سالن‌های مختلف به شرح ذیل برگزار شد.

پنل ۱: راهکارهای پایبندی به حقوق متقابل در خانواده
پنل ۲: مصادیق حقوق متقابل والدین و فرزندان (تربیت جنس)

پنل ۳: مصادیق حقوق متقابل والدین و فرزندان (پرورش عقلانی - فلسفه کودک)

و مسئله است. اسلام در سبک زندگی انسان، خانواده را به عنوان نهاد آسمانی، الهی و آرامبخش معرفی می‌کند. هر خانه‌ای که عشق و مهربانی و آرامش در آن کمتر باشد، غیراسلامی‌تر است».

وی با بیان اینکه خانواده به عنوان هسته اصلی نهادهای اجتماعی به لحاظ ارزش‌های اخلاقی و احکام ثابتات و متغیراتی دارد، اظهار کرد: «استعدادهای ثابتی در میان زنان و مردان وجود دارد. اگر مرد و زن صد در صد شبیه یکدیگر بودند اصلاً نمی‌توانستند همدیگر را تحمل کنند، گاهی برخی تضادهای ظاهری و باطنی تبدیل به مؤلفه‌هایی برای تفاهم می‌شود؛ برای مثال در جریان‌های سیاسی و انقلاب‌ها معمولاً اولین درگیری‌ها بین گروه‌هایی شکل می‌گیرد که شبیه‌ترین به یکدیگر هستند چون احساس می‌کنند رقیب اصلی‌شان گروهی است که شبیه آنها است. متأسفانه امروز وقتی در مورد خانواده و مسائل زن و مرد بحث می‌کنیم چیزی مستقل از آنچه که در ۱۰۰ تا ۱۵۰ سال قبل در غرب اتفاق افتاد، مطرح نمی‌شود. از مشروطه به این سو همین بوده است تا زمانی که تمدن‌سازی شود یعنی آنها طرح مسئله کردند و ما منفعلانه پاسخ دادیم هر چند که برخی هم در این میان سعی کردند رویکرد منفعل نداشته باشند».

وی با بیان اینکه امروزه تعلیم و تربیت را در حوزه خانواده تقریباً کنار گذاشته‌ایم، گفت: «در جامعه امروز فقط از قانون و احکام صحبت می‌کنیم در حالی که ذیل آن مسئله تعلیم و تربیت اهمیت دارد. کسانی، تحت عنوان شریعت محوری و حفظ احکام هیچ امر متغیری را نمی‌بینند و فکر می‌کنند خانواده امروز باید مثل یک خانواده ۱۴۰۰ سال قبل در حجاز و جزیره العرب باشد تا به او مسلمان بگویند اما این اصلاً عملی نیست، بازگشت به اسلام آری اما بازگشت به گذشته نه».

دکتر رحیم پور ازغدی ابراز کرد: «از طرف دیگر جریانی که همه احکام اسلام را متغیر دانسته و آن را برای ۱۴۰۰ سال قبل می‌داند به سمت مدل‌های سکولار خانواده



همایش «چالش‌های متون تخصصی علوم اجتماعی»

به همت گروه علوم اجتماعی، شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، همایش «چالش‌های متون تخصصی علوم اجتماعی» هجدهم اسفند ۱۳۹۷ در دانشگاه الزهرا برگزار شد.

در ابتدای همایش دکتر خدیجه سفیری، رئیس گروه علوم اجتماعی در شورای نقد متون، با اشاره به آیه شریفه «ن وَالْقَلَمُ وَمَا يَسْطُرُونَ» ناظر بر شرافت قلم و رسالت قلم‌داران، سخنان خود را آغاز کرد. وی در ادامه به اهمیت دانشگاه پایدار در ترقی و توسعه پایدار ملی با اتکاء بر وجوه اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی اشاره نمود. دانشگاهی که می‌تواند با ارجاع به مسئولیت اجتماعی خود به ترویج تفکر انتقادی بپردازد. این عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء خاطر نشان کرد که هدف اصلی برگزاری این همایش



پاسخ‌گویی به این سؤال است که «آیا علوم اجتماعی در

متون تخصصی، آموزش و تربیت دانش‌آموختگان خود به حرمت و رسالت قلم با جان مایه‌ای انتقادی پرداخته است؟»

در پایان این استاد جامعه‌شناسی به اثربخشی بررسی متون تخصصی در جریان ارتباط میان دانشگاه و جامعه اشاره کرده و ابراز امیدواری کرد که چنین محافلی علاوه بر اثربخشی بر روند جاری، بتوانند منشأ ایجاد تغییرات لازم در جهت ایجاد رویکردهای دغدغه‌مند برای دانشجویان، پژوهشگران و اساتید با ایجاد پیوند میان مرزهای دانش قادر به حل مسائل کشور باشند.

دیگر سخنران این همایش، دکتر حسینی‌علی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سخنان خود را با اشاره به خدمات ارزشمند دکتر خدیجه سفیری و کادر فعلی گروه علوم اجتماعی آغاز نمود. وی در ادامه به سابقه ۲۵ ساله این گروه در شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پرداخته و خاطر نشان کرد که شورای متون و نقد کتب علوم انسانی با اتخاذ رویکردی مسئله‌مند در جهت اثربخشی نقد متون تخصصی علوم اجتماعی کارنامه‌ای درخشان دارد.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بیان کرد: «اکنون توشه‌ای ارزشمند از شبکه نخبگانی ۲۵۰۰ نفره علوم انسانی در سراسر کشور با مرکزیت پژوهشگاه علوم انسانی شکل گرفته است». وی اذعان نمود که در جهت استمرار اثربخشی این همایش می‌توان با ارتباط با نهادهای ذیربط در امر آموزش همچون شورای عالی برنامه‌ریزی و معاونت آموزشی وزارت علوم زمینه‌های تحول در کتب آموزشی و تخصصی را فراهم نمود. دکتر قبادی در بیان اهمیت این گردهمایی به عنوان نخستین اقدام عملی در راستای فرمایشات رهبر معظم انقلاب در آستانه پنجمین دهه وقوع انقلاب اسلامی، در خصوص تعالی علوم انسانی به مثابه تضمینی برای صحت آرمان‌های انقلاب تأکید نمود.

سخنران مدعو این همایش، دکتر رضا داوری اردکانی، استاد برجسته فلسفه و عضو فرهنگستان علوم، سخنان ارزشمند خود را با اشاره به نسبت فلسفه با دیگر علوم انسانی در قیاس با دیگر علوم طبیعی ناظر بر نحوه تحقق آن در «تکنیک» دانست. وی علوم اجتماعی را در رقابت با فلسفه دانسته و هر دو را وفادار به زعمای کلاسیک خود معرفی کرد.

دکتر داوری اشتغال درازمدت علمی خود را مسأله علم و اخلاق دانسته و تأکید نمود که با وجود گزاره‌های خبری و غیرارزشی در علم جایی از اخلاق در آن نخواهد ماند. و این در حالی است که انسان برخلاف دیگر موجودات اعم



از حیوان و فرشته، ذاتاً اخلاقی است.

وی در ادامه به طرح این سؤال پرداخت: «که ما کجای علوم اجتماعی قرار گرفته‌ایم؟ در پاسخ به این پرسش باید به نیازهای خود رجوع کنیم، چرا که طلب دانش پیرو ایجاد نیاز برای ما شکل می‌گیرد. به همین ترتیب کتب کانت از آثار ترجمه شده و پرتعداد در ایران هستند، چرا که با وجود برون‌زاد بودن، نیاز به آن‌ها در خصوص مسائلی چون تجدید ایران احساس می‌شد.»

این استاد فلسفه در ادامه افزود: «برای ادامه این سلسله، ما به علوم و خاصه علوم اجتماعی نیاز داشتیم و به دنبال انتشار آثاری چون: مدینه قدیمه، قرارداد اجتماعی روسو، روح القوانين مونتسکیو، علم الاجتماع مهدوی و جزوه دکتر صدیقی رفتیم. در زمان دانشجویی من، علوم اجتماعی علمی مستقل نمی‌شد، بلکه درسی در زیرمجموعه فلسفه و علوم تربیتی محسوب می‌شد. این روند ادامه پیدا کرد تا دهه ۴۰ ترجمه و تألیف آغاز شده و تا امروز ادامه دارد.»



دکتر داوری اردکانی در خصوص شأن و جایگاه علوم اجتماعی، گفت: «در اینجا باید دو وظیفه دانشمند را از یکدیگر تمییز داد. اول آنکه دانشمند به عنوان پژوهشگر در نقش فردی امین به گزارش آنچه دیده و یافته می‌پردازد. اما دانشمند علوم انسانی باید وضعیت

با راهنمایی مسائل خود سنجیده و بشناسد. امروزه شاید مشکل علوم اجتماعی در ایران این باشد که معضلات اجتماعی برای اصحاب علوم اجتماعی تبدیل به مسأله نمی‌شود.»

عضو فرهنگستان علوم در پایان گفت: «ما به همه علوم نیاز داریم، اما علوم را بازاری طبقه‌بندی کرده‌ایم. این نکته منجر به ایجاد رابطه‌ای سلسله‌مراتبی میان علوم مختلف و صدرنشینی علوم مهندسی و پزشکی و جفا به علوم انسانی شده است. بنده به حکم اخلاق در علم می‌گویم که این درست نیست! علوم انسانی علوم «اینجایی» هستند. همان‌طور که می‌بینیم نه جامعه‌شناس، نه ادیب و نه حتی وکیل را نمی‌توان استخدام کرد. لازمه پیشرفت کشور رشد همه‌جانبه تمام علوم است.»

همایش «بررسی چالش‌های متون تخصصی علوم اجتماعی» از ساعت ۱۰ صبح الی ۱۹ در قالب چهار پنل با مشارکت اساتید برجسته علوم اجتماعی از دانشگاه‌های سراسر کشور به شرح ذیل ادامه یافت:

- چالش‌های ترجمه متون تخصصی علوم اجتماعی
- علوم اجتماعی بومی
- علوم اجتماعی و مطالعات بین رشته‌ای
- متون مدرسه‌ای در علوم اجتماعی



امضای تفاهم‌نامه با دانشگاه ساینزای رم (ایتالیا)

و گسترش بیشتری پیدا کند و چشم‌اندازی دورتر و روشن‌تر در آینده ترسیم شود که بتواند حوزه‌های مختلف علوم انسانی را دربرگیرد. دکتر قبادی تأکید کرد: روابط بین‌الملل پژوهشگاه این آمادگی را دارد که شما را با پژوهشکده‌ها و گروه‌های علمی پژوهشگاه آشنا کند تا شما را رابط خودمان با مراکز ایرانشناسی در اروپا تلقی کنیم و جمله آخر اینکه دنیا، به ویژه فرهیختگان و تحصیلکردگان به این نتیجه

روز دوشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۹۷، پروفسور کارلو چرتی، (استاد زبان‌شناسی و ایران‌شناسی، مدیر گروه مطالعات جهان کهن و معاون رئیس دانشگاه ساینزای رم، رئیس انجمن ایرانشناسی اروپا و رایزن فرهنگی سابق ایتالیا در ایران) و خانم گراتسیه لا گلیونه (مدیر روابط بین‌الملل دانشگاه ساینزای رم) در امور تبادل استاد و دانشجو) با رئیس و اعضای هیأت علمی پژوهشگاه نشست‌ی برگزار کردند.



رسیده‌اند که گفتگو، مکالمه و پایبند بودن به قواعد دیالوگ برای بشریت بسیار نافع‌تر خواهد بود و به قول حافظ: «ای نور دیده صلح به از جنگ و داوری». پروفسور چرتی که به خاطر سال‌ها اقامت در ایران و بیش از آن، پژوهش در حوزه ایران‌شناسی و زبان‌های باستانی، به زبان شیرین فارسی سخن می‌گفت نیز از فرصتی که پژوهشگاه در اختیار او قرار داده بود، تشکر و به همکاری چند ساله خود با دکتر نصرالله زاده اشاره کرد. وی بر این نکته تأکید کرد که دیدارش از پژوهشگاه اولاً اعتبار بخشیدن به این همکاری در چارچوب امضای تفاهم‌نامه است و ثانیاً بررسی اینکه افزون بر آن چه زمینه‌های برای همکاری وجود دارد. در ادامه دکتر سیروس نصرالله زاده، دانشیار گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی نیز با اشاره به اینکه پروفسور چرتی یکی از چهره‌های سرشناس جهانی در

در ابتدای جلسه، دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پس از تعارفات رسمی، بر اراده پژوهشگاه نسبت به استمرار مراودات علمی با دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های دیگر کشورها تأکید کرد و گفت: «برای ما همکاری با جهان به عنوان کشوری میراث‌دار تمدنی بزرگ و کهن، امری بسیار لازم و پسندیده است. دریافت ما این است که هر چه رابطه ما با دنیا بیشتر باشد می‌توانیم ابعاد بیشتر و گسترده‌تری از فرهنگ و تمدن ایران را به جهانیان عرضه کنیم. لذا پژوهشگاه به شدت علاقه‌مند است که روابط علمی و فرهنگی خود را با دنیا گسترش دهد، به‌ویژه در حوزه ایران‌شناسی آن هم با متخصصانی که با آن آشنایی دارند و عمر علمی خود را صرف شناخت این فرهنگ کرده‌اند. امیدوارم با همت شما و همکاران ما این همکاری‌ها رسمیت



و میان‌مدت، انجام طرح‌های تحقیقاتی مشترک، فرصت‌های مطالعاتی در قالب k۲ و طرح پترو دلاورده که تفاهم‌نامه‌ای میان وزارت علوم ایران و ایتالیاست و دو سال آن باقی‌مانده، تشریح کرد.

هم‌چنین مواردی که برای همکاری مشترک در این جلسه مورد بحث قرار

گرفت، عبارت بود از:

- ارائه پیشنهاداتی دربارهٔ ادبیات و فرهنگ معاصر ایران، پایگاه داده‌های زبان فارسی و گسترش آن به دوره‌های فارسی میانه و فارسی باستان و فرهنگ برخط (آنلاین) فارسی میانه و فارسی نو؛

- ایجاد پیکره زبانی برای دوره‌های میانه و باستان در این پایگاه و تبادل اطلاعات و متون؛

- همکاری در زمینهٔ مجلات علمی؛

- تبادل اطلاعات دربارهٔ مجموعه‌هایی نظیر آنچه سفیر ایتالیا (چرولی) در حدود صد سال پیش دربارهٔ تعزیه جمع‌آوری کرده و به کتابخانه واتیکان تقدیم نموده و اکنون یکی از مجموعه‌های غنی جهان است، - طرح‌های مشترک در زمینهٔ دوران روم باستان و نیز آیین میتراپیسم در ایران،

- بررسی زمینه‌های مشترک در آیین‌های عزاداری ایران و اروپا یا اسلامی و مسیحی، کتابشناسی‌های توصیفی فارسی و ترجمه آنها به زبان انگلیسی.

این جلسه با امضای تفاهم‌نامه میان پژوهشگاه علوم انسانی و دانشگاه ساپینزا پایان یافت.

حوزهٔ مطالعات ایران‌شناسی است، به پیشنهاد همکاری ده ساله علمی خود با وی و دو کار مشترک چاپ شده در زمینه آثار مکتوب دوره ساسانی اشاره کرد و تأکید نمود که به رغم وجود امکان برقراری ارتباط علمی با دیگر مراکز دانشگاهی و فرهنگی ایران، ترجیح پروفیسور

چرتی بر امضای تفاهم‌نامه با پژوهشگاه علوم انسانی بوده است.

دکتر چرتی در پاسخ به حاضران دربارهٔ گروه‌های مختلف دانشگاه ساپینزا که مربوط به موضوع ایران‌شناسی هستند، از گروه‌های زبان‌شناسی که به مطالعه فارسی میانه و فارسی دورهٔ هخامنشی

می‌پردازد، گروه‌های باستان‌شناسی و زبان‌های کهن که به کتیبه‌های فارسی میانه می‌پردازد و گروه شرق‌شناسی که به زبان‌شناسی فارسی و ادبیات فارسی کهن می‌پردازد، اشاره کرد و گروه‌هایی نظیر مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی را هم به لحاظ متدلوژی بستر مناسبی برای همکاری دانست. وی اشاره کرد: «ما در دانشگاه ساپینزا تقریباً تمامی زبان‌های کشورهای آسیایی از ترکیه تا اندونزی را تدریس و تحقیق می‌کنیم و به‌طور کلی، در حوزهٔ علوم انسانی این دانشگاه بسیار فعال و مهم است و در دو سال گذشته در کیو اس رنکینگ نخست را در جهان کسب کرده است».

وی در پاسخ به پرسش‌های حاضران در زمینه فعالیت دانشگاه متبوعش در طرح اراسموس و اراسموس پلاس توضیحات مفصلی ارائه داد و زمینه‌های همکاری را در تبادل استاد و دانشجو برای دوره‌های کوتاه



همایش ملی «سفرنامه‌های فارسی در هندوستان (صفویه تا قاجار)»

این نهاد است. پژوهشگاه مکان طرح اندیشه‌ها و افکار خلاقانه و انتقال دانش فرهنگیان و نخبگان کشور است. به نظر دکتر قبادی، وظیفه پژوهشگاه حرکت با برنامه ومسئله‌مندانه در سپهر اندیشه جامعه ایرانی است. دکتر قبادی در خاتمه سخنان خود نام و یاد زنده‌یاد دکتر آئینه‌وند گرامی داشت که نگاه برنامه محور و مسئله‌مندانه را در پژوهشگاه باب کردند و زمینه برنامه راهبردی پنج ساله پژوهشگاه را فراهم شد که در سال

نخستین همایش ملی «سفرنامه‌های فارسی در هندوستان (صفویه تا قاجار)» روز شنبه ۱۲ اسفند ماه ۱۳۹۷ طی سه پنل مختلف در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. بخش نخست همایش، مراسم افتتاحیه بود. سخنرانان این بخش به ترتیب دکتر سیده مریم عاملی رضایی، رئیس مرکز اسناد فرهنگی آسیا؛ دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات



۱۳۹۸ نیز ادامه خواهد داشت. در ادامه دکتر محمدعلی ربانی، رئیس مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، در مقام سومین سخنران همایش به قدمت تاریخی سفرنامه‌نویسی پرداخت و گفت: «با سفرنامه بسیاری از افکاری و اندیشه‌ها از سرزمینی به سرزمین دیگر منتقل شده و زمینه تبادل فرهنگی میان ملت‌ها فراهم می‌شود. در دوره صفویه و قاجاریه به سبب گسترش ارتباط میان ایران وجوامع به ویژه هند، سفرنامه‌نویسی به یکی از محبوب‌ترین گونه‌های فارسی در ادبیات بدل شد. سفرنامه‌ها در مطالعات روابط و مناسبات دو کشور ایران و هند حائز اهمیت بسیار است چرا که زمینه تبادل دوسویه بین دو کشور را ایجاد کرده است». دکتر الهام ملک‌زاده، دبیر علمی همایش نیز از اهداف و انگیزه‌های این همایش ملی چنین یاد کرد: «این همایش به همت مرکز اسناد فرهنگی آسیا برگزار می‌شود و با رویکرد تقارب فرهنگی و پاسداشت میراث‌های مشترک ایران و هندوستان از نسخه‌پژوهان، استادان و پژوهشگرانی که دل در گروی میراث‌های تمدنی این دو ملت بزرگ دارند، دعوت می‌کند با تداوم پژوهش در این موضوع، مرکز اسناد را یاری رسانند. به گفته دکتر ملک‌زاده، در حالی که تعداد زیادی از سفرنامه‌های فارسی در هندوستان نگهداری

فرهنگی؛ دکتر محمدعلی ربانی، رئیس مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی؛ دکتر بهمن نامور مطلق، معاون مطالعاتی و مدیر گروه فرهنگ کمیسیون ملی یونسکو - ایران؛ دکتر الهام ملک زاده، دبیر علمی همایش و دکتر ابوالقاسم رادفر، استاد پیشکسوت زبان وادبیات فارسی و هندشناس بودند. دکتر سیده مریم عاملی رضایی، در مقام اولین سخنران ضمن خوش آمدگویی به معرفی اجمالی مرکز اسناد فرهنگی آسیا پرداخت و برگزاری این همایش را در راستای اهداف مرکز اسناد دانست. وی تقارب میان فرهنگ‌ها و تأکید بر میراث‌های مشترک فرهنگی ایران و هند و تثبیت جایگاه ایران در روابط میان ملل آسیایی را از اهداف برپایی این همایش دانست. سخنران دوم، دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بود. وی ضمن قدردانی از دکتر ابوالقاسم رادفر و خدمات فرهنگی وی به موقعیت و جایگاه تمدنی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اشاره کرد و از این نهاد به عنوان مرکزی بسیار فراتر از یک نهاد آکادمیک و به عنوان «نهاد تمدنی در ایران معاصر» یاد کرد که خالق ارزش‌های تمدنی، تاریخی و فرهنگی است. قبادی تأکید کرد: پژوهشگاه همچون یک خانه فکر بزرگ در کل ایران است و دلیل آن نیز راه‌اندازی شبکه نخبگان کشور در



چهاردهم به هندوستان سفر کرده، گزارش هر دو سفر خود را مکتوب ساخته است. سفرنامه‌های نایب‌الصدر در دوران استیلای انگلیسی‌ها بر هند نوشته شده و حاوی نکات مهمی در خصوص شرایط سیاسی و اجتماعی این کشور در آن روزگار است. او در هر دو گزارش سفر خود به هند، با علاقه‌ای خاص و در حد امکان به شرح تاریخچه و وجه تسمیه شهرها و توصیف نقاط دیدنی آنها پرداخته و نیز برخی مشاهیر هندی و ایرانی گذشته و حال هر شهر و دیار را معرفی کرده است...

دکتر علی دهگاهی، راین فرهنگی ایران در دهلی نو تحقیقی پیرامون معرفی و مضمون سفرنامه‌های فارسی در هند انجام داده بود که از سوی خانم دکتر ملک‌زاد قرائت شد.

دکتر احسان ا... شکراللهی، رئیس مرکز تحقیقات زبان فارسی در دهلی نو، نیز در تحقیق خود به معرفی سفرنامه‌های فارسی موجود در هند پرداخت. تحقیق نامبرده در قالب فایل صوتی به حضار ارائه شد.

بخش سوم همایش با سخنان استاد جمشید کیان‌فر، مصحح متون تاریخی با عنوان «سرزمین هند از نگاه یک دیپلمات فرهنگی» آغاز شد. او در تحقیق خود به سفرنامه مرحوم علی اصغر حکمت پرداخت و گفت: شادروان علی‌اصغر حکمت سه سفر به هندوستان داشت. حاصل این سفرها سفرنامه‌ای است که در چهار بخش نگاشته شده است. بخش اول: جغرافیای هند، بخش دوم در مجموعه عقاید و آداب و رسوم و هنرهای زیبا، بخش سوم سرگذشت موجز از دوره استعمار که زمان نشر و بسط تمدن جدید فرنگستان در آن دیار بود؛ و بخش چهارم وصفی از حکومت هند پس از رهایی از چنگ استعمار.

دکتر فریبا افکاری، مدرس دانشگاه و متخصص نسخ خطی سخنران بعدی بود که در تحقیق خود با عنوان «آیین عبرت، سفرنامه شیراز به هند الفت اصفهانی در عصر قاجار» به معرفی یک سفرنامه از الفت اصفهانی پرداخت. محمد کاظم بن‌زین‌العابدین اصفهانی متخلص به الفت (۱۲۵۳-۱۲۹۹ تا ۱۳۰۶ ق) در عصر قاجار در قالب شعر به شرح سفرهای خود به شیراز، اصفهان، هند و نیز دیدار خود با هندوان و معرفی معابد مستقر در هند پرداخته است. نسخه خطی این سفرنامه منتشر نشده و فقط به خط فرزندش علی‌بن محمد کاظم الفت اصفهانی نگاشته شده است.

دکتر احمد رضوان دوست، پژوهشگر مطالعات فرهنگی و متن پژوهشی دیگر سخنران همایش بود. او در تحقیق خود با عنوان «بمبئی روزگار استعمار در سفرنامه ایرانیان» به پیوند میان کشورهای ایران و هند اشاره کرد و گفت: «جذابیت سرزمین هند همواره در درازنای تاریخ، ایرانیان بسیاری را در هیأت فاتح، تاجر و... به سوی خود کشانده است. در دوران استعمار هند به دست بریتانیای کبیر - همزمان با

می‌شوند، تعداد قابل توجهی از سفرنامه‌های فارسی در خصوص هند نیز در کتابخانه‌ها و مخازن مخطوطات دانشگاه‌ها و مراکز اسنادی و تحقیقی ایران وجود دارند. همایش «سفرنامه‌های فارسی در هندوستان»، با تأکید بر سفرنامه‌هایی که طی دوره‌های صفویه تا قاجار به نگارش درآمده‌اند، با هدف بازنمایی ضرورت حفظ و احیای میراث کهن ایران در هندوستان، تلاش می‌کند علاوه بر شناسایی و بررسی سفرنامه‌های مذکور، به ساختارهای روشی، محتوایی، مضمونی، شیوه‌های ثبت و ضبط این آثار نیز بپردازد و راهکارهای مناسب بقای این مواریت را جستجو و معرفی کند.

همچنین دکتر بهمن نامور مطلق، معاون مطالعاتی و مدیر گروه فرهنگ کمیسیون ملی یونسکو - ایران در سخنان خود با موضوع «سفرنامه‌ها: دیگرشناسی یا خودشناسی؟ سفر به هندوستان: دیگری نزدیک» نیز گفت: «هیچ شناختی بدون دیگری ممکن نیست. همواره برای گذار از خودفروماندگی (solipsism) و خوددرماندگی (autism) فرهنگی باید به دیگری نگریست و امکان نگرستن دیگری را پذیرفت. این ارتباط بینافرهنگی است که می‌تواند جامعه را به شناخت بهتری از خود رهنمون گردد. سفرنامه‌ها یکی از گونه‌های هنری هستند که به بهترین شکل ممکن می‌توانند موجب شناخت خود در آینه دیگری را فراهم آورند و با ارائه نقطه دید بیرونی ما را از خودگرایی فرهنگی رهایی بخشند. سفرنامه‌های فارسی ایرانیان در هندوستان نه فقط نگاه ایرانیان به هندوستان را در دوره‌ای خاص به تصویر می‌کشد، بلکه نوع نگاه سفرنامه‌نویس را نیز به نمایش می‌گذارد. زیرا هر سفرنامه‌ای همواره دو نوع اطلاعات را در خود می‌پروراند: وضعیت دیده‌شده و نگاه بیننده».

پس از سخنرانی‌های انجام شده، نوبت دکتر ابوالقاسم رادفر، استاد پیش‌کسوت زبان و ادبیات فارسی و هندشناس بود تا در مقام آخرین سخنران بخش اول همایش بر دو محور تأکید کند: اول اهمیت بررسی منابع خطی به زبان فارسی در هندوستان به دلیل حضور طولانی این زبان در هندوستان و دوم معرفی منابع اساسی که پیش‌نیاز مطالعه و بررسی سفرنامه‌های مربوط است.

در خاتمه بخش اول همایش از دکتر ابوالقاسم رادفر استاد پیش‌کسوت زبان و ادبیات فارسی و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به واسطه خدمات فرهنگی و علمی شان تقدیر و قدردانی شد.

بخش دوم (پنل دوم) همایش با سخنان دکتر هومن یوسفدهی، مدیر موزه خوشنویسی ایران با عنوان «گزارش‌های نایب‌الصدر شیرازی از سفر هند» آغاز شد. براساس تحقیق دکتر یوسفدهی، میرزا محمدمعصوم نایب‌الصدر شیرازی صوفی، ادیب و سیاح صاحب‌نام که یک‌بار در اواخر قرن سیزدهم و یک‌بار در اوایل قرن



دریافت‌های فارسی‌زبانان شبه قاره هند از تمدن غرب، مطالعه موردی سفرنامه «شگرف نامه ولایت» به معرفی سفرنامه اعتصام‌الدین جونپوری پرداخت. به نظر دکتر سپهری‌راد فارسی‌گویان شبه‌قاره هند از قرن ۱۸م/۱۲ هـ.ق، پس از نبرد پلاسی، به گونه‌ای مستمر در پیوند با اروپا قرار گرفتند. فتح بنگال باعث برقراری روابط نزدیک‌تر و رفت‌وآمدهای بیشتر بین هندی‌ها و انگلیسی‌ها شد. در این میان، بعضی از سیاحان هندی که به انگلستان سفر کردند نوشته‌هایی درباره اروپائیان برجای نهادند. یکی از اولین سفرنامه‌های موجود به زبان فارسی درباره انگلستان کتاب «شگرف نامه ولایت» است و مؤلف آن منشی اعتصام‌الدین جونپوری، نخستین سیاح فارسی‌نگار محسوب می‌شود. مسافرت او به انگلیس از ۱۱۸۰هـ تا ۱۱۸۳هـ ق به طول انجامید. شگرف‌نامه، حاوی اطلاعات مهمی درباره تکاپوهای کمپانی هند شرقی در شبه‌قاره، جایگاه زبان فارسی در انگلیس، اقدامات غربیان جهت اسکان در قاره آمریکا و ذکر فعالیت‌های استعماری دول اروپایی در هند است. اعتصام‌الدین همچنین آگاهی‌های دست‌اولی از مشاهدات خود از جامعه انگلستان در خصوص شیوه حکومت‌داری، رویه قضایی، ساختار پارلمانی، نظام تعلیم و تربیت و... ارائه داده است.

در پایان همایش ضمن جمع‌بندی از مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده توسط دکتر ملک‌زاده، دبیر علمی همایش، در اختتامیه با حضور دکتر رحیم ربانی‌زاده، معاون اداری، مالی و مدیریت منابع پژوهشگاه و دکتر

عاملی رضایی، رئیس مرکز اسناد فرهنگی آسیا و رئیس همایش، هدایایی به رسم یادبود به سخنرانان اهدا شد.



حکومت سلسله قاجار در ایران- سفرنامه‌نویسان ایرانی که به هند سفر می‌کردند، با مظاهر تمدن غرب در آن کشور مواجه شدند که واکنش آنها در این زمینه قابل مطالعه است. این تحقیق پس از انتخاب چند سفرنامه چاپ شده دوره قاجار و شهر بمبئی (مومبای) - یکی از مهم‌ترین شهرهای هند در آن روزگار و اکنون- به عنوان نمونه، واکنش سفرنامه‌نویسان ایرانی را در برخورد با مظاهر غرب در این شهر، بررسی می‌کند. به نظر می‌رسد که این سفرنامه‌نویسان در برخورد با تغییرات بر ساخته انگلیسی‌ها در آن شهر دچار شگفتی و شیفتگی شده‌اند و خواسته‌ناخواسته، با مقایسه بین وضعیت شهرهای ایران در دوران قاجار با هندوستان (بمبئی) در ایجاد ذهنیت سازی دوگانه شرقی-غربی ایرانیان نقش داشته‌اند و یکی از زمینه‌سازان گرایش به غرب بوده‌اند».

دکتر ماندانا منگلی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب و خانم دکتر آسیه ذبیح‌نیا عمران، دانشیار دانشگاه پیام نور در مقاله مشترک خود با عنوان «بدر و سفر به هندوستان و تاثیر هندوستان بر اشعار» به معرفی بدرالدین محمد چاچی (متوفی به سال ۷۴۸ ه.ق) از شاعران قرن هشتم هجری پرداختند که در هندوستان شهرت، اما اشعارش در ایران رواجی نداشته است. بدرالدین در هند مقامی شامخ و اشعارش را باید نقطه تحولی در سبک هندی به‌شمار آورد. در اشعار «بدر» می‌توان انعکاس اوضاع اجتماعی، تاریخی، سیاسی و... هندوستان را مشاهده کرد. وی در زمره شاعرانی است که بعد از نابسامانی‌های فتنه مغول وارد کشور هندوستان شد. هند در آن ایام از رفاه بیش‌تری برخوردار بوده و «محمد تغلق» (ممدوح بدر) به مهاجران روی خوش نشان می‌داد. لذا تصویری که بدرالدین از هند در اشعار خود ارائه می‌دهد، «آرمان شهر» رؤیایی است که حکومت آن برتر از ملک «جم» و «دارا» است و از پادشاهی «زنگ»، «حجاز»، «چین»، «روم» و «ترک» بهتر و بالاتر است.

آخرین سخنران این همایش دکتر امید سپهری‌راد، استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنورد بود که در سخنان خود با عنوان «نخستین



همایش «انسان، پرسش‌های امروز»

در ادامه همایش دکتر خسرو باقری به ایراد سخنرانی پرداخت. وی در ابتدای سخنان خود بین رفتار و عمل انسانی تفکیک قائل شد. مسئولیت انسانی در مورد عمل صدق دارد نه در برابر رفتار. مراد از رفتار کاری است که از روی اراده نباشد مانند پلک زدن. اما عمل انسان از روی اراده و با آگاهی صورت می‌گیرد. برخی متفکران معتقدند مسئولیت دلیل بر عاملیت نیست و

همایش «انسان، پرسش‌های امروز» به همت گروه انسان‌شناسی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در روز پنج‌شنبه دوم اسفند ماه سال ۱۳۹۷ برگزار شد.

نخستین سخنران این همایش، دکتر علی متولی‌زاده اردکانی، صحبت‌های خود را با موضوع ژنتیک و علوم انسانی آغاز کرد. وی در سخنان خود ابتدا به تشریح

چیستی علم ژنتیک پرداخت و مروری بر برخی از یافته‌های اصلی و محوری در این علم کرد. بخش عمده‌ای از سخنان دکتر متولی‌زاده درباره شباهت‌های ژنتیکی میان انسان‌ها و سایر موجودات بود. به بیان او تکیه گاه و رویکرد علم ژنتیک مبتنی بر شباهت‌هاست. در علم ژنتیک آنچه اهمیت محوری دارد شباهت‌هاست و نه تفاوت‌ها. برای مثال انسان‌های روی زمین حدود ۹۹,۹ درصد شباهت ژنتیکی دارند. بنابراین از

منظر یک ژنتیست تفاوت‌های فرهنگی میان کشورها و جوامع مختلف در درجه اول اهمیت قرار ندارد. زیرا در نگاه او مهمترین مسئله برای همه انسان‌ها بقاست. بر اساس سخنان دکتر متولی‌زاده، یافته‌های علم ژنتیک نشان می‌دهد بخش قابل‌توجهی از رفتار انسانی نشأت گرفته از تأثیرات ژنتیکی است. این مسأله در علوم انسانی به این جهت اهمیت دارد که می‌تواند در شاخه‌های مختلف علوم انسانی تأثیرات مبنایی داشته باشد. مثلاً با پذیرش سهم امور ژنتیکی در رفتار انسانی لازم است تغییراتی در نظام حقوق و جزا صورت بگیرد. همچنین در حوزه تعلیم و تربیت نیز توجه به یافته‌های علم ژنتیک موجب تغییرات اساسی خواهد شد. بر همین اساس در سایر رشته‌های علوم انسانی نیز شرایط مشابهی وجود دارد.

سخنران دوم همایش دکتر ایمان ایرانمنش بود که صحبت‌های خود را با تشریح ابعاد مختلف انسان در نگاه کلان و کل‌گرا به انسان شروع کرد. از نظر وی انسان دارای ابعاد زیستی، روانی، اجتماعی، فرهنگی و معنوی است و در مطالعه چپستی انسان ضرورتاً باید به همه ابعاد توجه داشت تا یک نگاه جامع و یکپارچه صورت بگیرد. دکتر ایرانمنش در صحبت‌های خود به پدیده «قلدری اینترنتی» به عنوان نمونه‌ای از پدیده‌های جدید اشاره کرد. وی در تبیین این مسئله به دیدگاه پرفسور زیمناردو اشاره و رابطه گمنامی و زورگویی مجازی استفاده کرد. وی همچنین در ادامه صحبت‌های خود به سه فاکتور تکاملی در رفتارهای اجتماعی اشاره کردند که عبارتند از: (۱) ژن خود خواه (۲) نوع دوستی (تقابلی و ۳) نوع دوستی گروهی.



می‌توان فردی را بدون داشتن عاملیت مجازات کرد. بنا بر نظر دکتر باقری ما صرفاً برای انسان استحقاق مجازات قائل هستیم. استحقاق مجازات زمانی موجه خواهد بود که مسئولیت وجود داشته باشند. از این رو، ما برای حیوانات به این دلیل که مسئولیت قائل نیستیم استحقاق مجازات هم قائل نیستیم. از نظر ایشان، برای عاملیت و مسئولیت چند لازمه وجود دارد. یکی از این لوازم شناختی بودن و هدفمند بودن است. لازمه دیگر وجود نیاز، گرایش و تمایل است. آخرین لازمه عاملیت اراده است. این لوازم هستند که رفتار را به عمل تبدیل می‌کنند و اگر کاری از این لوازم برخوردار نباشد، مصداق عمل نخواهد بود و رفتار قلمداد خواهد شد.

آخرین سخنران در پنل اول همایش دکتر هادی وکیلی بود که سخنان خود را با طرح این بحث آغاز کرد که اساسی‌ترین پرسش‌های انسان عبارتند از: سؤال از هویت، سبک زندگی، و معنای زندگی از حیث مبدا و هدف. از نظر دکتر وکیلی انسان همواره به دنبال رهایی است؛ رهایی از گم‌گشتگی هویتی، رهایی از بی‌معنایی می‌دانشناختی، رهایی از سرگشتگی زندگی و رهایی از بی‌معنایی غایت‌شناختی. وی در ادامه به این نکته اشاره کردند که براساس تعلیم عرفان اسلامی، انسان می‌تواند سه موقعیت مختلف در جهان داشته باشد: رهاشدگی یا همان اختیار، اسیرشدگی یا جبر و خلافت الهی که با حالت امر بین الامرین. دکتر وکیلی راه رهایی انسان را در معنویت می‌دانند. در مقایسه با دیگر رویکردها، ماده‌گرایی معتقد به رهایی مطلق از روح است؛ ماده‌انکاری معتقد به تعلق

مطلق به روح است؛ اما معنویت عبارت است از تعلق به روح و رهایی از ماده به صورت همزمان. در واقع، در تلقی دکتر وکیلی، این وضعیت مبتنی بر یک نگاه فازی به مقوله نسبت روح و جسم است. در این نگاه هم بعد مادی انسان حائز اهمیت است و هم بعد روحانی انسان. آن نگاه به معنویت وحدت‌گرایی را در عین کثرت‌گرایی ممکن می‌سازد، البته وحدت‌گرایی وجودشناختی و کثرت‌انگاری جهان‌شناختی. در نگاه دکتر وکیلی این معنویت موجب ایجاد نتایج مثبتی در انسان معنوی می‌شود که عبارتند از: آرامش، امید، معناداری، شادی، رضایت، و تعادل.

پس از سخنرانی دکتر وکیلی نقد و گفتگو میان شرکت‌کنندگان در جلسه و سخنرانان آغاز شد و به مدت ۳۰ دقیقه ادامه یافت.

پس از استراحت و پذیرایی، پنل دوم همایش با سخنرانی دکتر یاسر پوراسماعیل آغاز به کار کرد. وی سخنرانی خود را با موضوع رابطه نفس و بدن در تفکر شیعی ارائه کردند. بنابر نظر وی رابطه نفس و بدن و ساحات جسمی و غیرجسمی انسان در طول تاریخ تفکر شیعی دارای تحولات و تطوراتی بوده است. سید مرتضی از نخستین متکلمان شیعی انسان را صرفاً مادی می‌دانست. وی معتقد بود لازمه «حی» دانستن انسان این است که او را مادی در نظر بگیریم. شیخ طوسی و برخی دیگر از متکلمان هم عصر وی نیز از همین دیدگاه پیروی می‌کردند. این دیدگاه تا حدود قرن ششم هجری دیدگاه غالب در تفکر شیعی است. بعد از این دوره و با رایج شدن تفکر یونانی در میان متفکران شیعی دو ساحتی بودن انسان غلبه یافت و انسان دارای دو ساحت جسمانی و غیرجسمانی در نظر گرفته شد. پس از دوره صفویه با ظهور علامه مجلسی و غلبه یافتن رویکردهای اخباری و حدیثی نقل‌گرا متفکران شیعی به موضع تک ساحتی بودن انسان بازگشت پیدا کردند. تفاوت این رویکرد با رویکرد اولیه این بود که علامه مجلسی و هم‌عصران وی انسان را به دو ساحت بدن و نفس تقسیم می‌کردند ولی هر دو ساحت را مادی می‌دانستند؛ یک ساحت جسم لطیف و یک ساحت جسم غلیظ. این دیدگاه تا حدود ۸۰ سال پیش غلبه داشت. در دوره معاصر تحت تاثیر تفکر علامه طباطبایی، امام خمینی و مرتضی مطهری دو ساحتی بودن انسان رایج شد. این گرایش ریشه در تفکر صدرایی داشت اما با توجه به این‌که فلسفه صدرایی تا قبل از علامه طباطبایی در تفکر شیعی رایج نشده بود در این دوره نقش پررنگ تری پیدا کرد. این دیدگاه انسان را دارای دو ساحت مادی و غیر مادی می‌دانست اما اهمیت بیشتر را به ساحت غیرمادی می‌داد.

دومین سخنران در پنل دوم همایش دکتر سیدحسین حسینی بود که سخنرانی خود را با موضوع

«انسان‌شناسی ساحتی» ارائه کرد. از نظر دکتر حسینی، حل مسئله علم دینی وابسته به مطالعات انسان‌شناسی ساحتی است. وی در سخنان خود دو ادعا را مطرح ساختند. (۱) کلید حل بسیاری از مسائل علوم انسانی به



انسان‌شناسی بازمی‌گردد. (۲) نقطه شروع انسان‌شناسی، عبارت است از انسان‌شناسی ساحتی.

در نگاه دکتر حسینی، انسان‌شناسی ساحتی دارای سه سوال اصلی است: (۱) ساحت‌های وجودی انسان چیست؟ (۲) مرز بین این ساحت‌ها چیست؟ و (۳) نسبت تاثیر و تاجر و ارتباط میان این ساحت‌ها چیست؟ یکی از انتقادات دکتر حسینی در این جلسه معطوف به محدود شدن مطالعات انسان‌شناسی به انسان‌شناسی فرهنگی بود. از نظر او برای رفع مشکلات موجود در حوزه انسان‌شناسی باید مسائل روش‌شناختی را در اولویت قرار داد.

آخرین سخنران این همایش، دکتر نعمت‌الله فاضلی بود. دکتر فاضلی در ابتدای سخنان خود به این پرسش پرداخت که با در نظر گرفتن شرایط امروز جامعه ایرانی پرسش‌هایی پیش می‌آید. برای مثال باید از خود پرسیم چرا برخی پدیده‌ها شایع می‌شوند. یکی از نمونه‌های آن فروش بسیار زیاد کتاب‌های انسان خردمند و انسان خداگونه نوشته یوال نوح هراری در سال گذشته است. ما لازم است از خود پرسیم چرا این کتاب تا این اندازه در ایران مورد استقبال قرار می‌گیرد؟

از نظر دکتر فاضلی آنچه باید در مطالعات معطوف به انسان مورد توجه قرار بگیرد تفاوت‌های انسانی است که خود را در مطالعات فرهنگی بیشتر آشکار می‌کند. وی در نقد رویکرد ژنتیکی به مسائل انسانی، غلبه یافتن این نگاه را دارای آفات دانستند که موجب نادیده‌گرفتن تفاوت‌های انسانی می‌شود. این در حالی است که مسئله اصلی انسان نه مشابهت‌ها، بلکه تفاوت‌هاست. ما می‌خواهیم بدانیم تفاوت‌های جامعه بشری از کجا آمده، و این سوالی است که علم ژنتیک توانایی پاسخ به آن را ندارد. از این رو باید از سیطره یافتن این رویکرد در مطالعات انسانی پرهیز کرد.

پنل دوم همایش «انسان» پرسش‌های امروز» با نقد و گفتگو میان حاضران در سالن و سخنرانان به پایان رسید.



اجتماعی شد؟ از همان زمانی که کاربردشناسی به حوزه مطالعات نشانه و معنا نفوذ کرد. از همان زمانی که مطالعه موقعیت شرکای گفتمانی جای مطالعه جمله و ساختارهای بسته زبانی را گرفت. به همین ترتیب، به تدریج شرایط تولید گفتمان، کنش‌های

همایش بین‌المللی نشانه‌شناسی مسائل و کنش‌های اجتماعی به همت انجمن زبان‌شناسی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و حلقه نشانه‌شناسی تهران در روزهای هفتم و هشتم اسفند ماه در پژوهشگاه علوم انسانی برگزار شد.



گفتاری، تعاملات نشانه - معنایی، نیت گفتمانی، ارزش‌های اخلاقی، نگرش‌های بین‌رسانه‌ای، حایل‌های گفتمانی و نشانه‌های حایلی هر روز بیشتر در مطالعات جهان نشانه‌ها وارد شدند تا اینکه ما امروز بتوانیم ادعا کنیم که نشانه‌شناسی به بلوغ رسیده است.

در ادامه پروفسور اریک لاندوفسکی، سخنران کلیدی همایش، سخنرانی خود را با عنوان «نشانه-معناشناسی کنش و تعاملات اجتماعی» ارائه کرد. لاندوفسکی نشانه‌شناس و جامعه‌شناس مطرح فرانسوی و سردبیر سابق مجله بین‌المللی نشانه‌شناسی حقوقی و مدیر مرکز تحقیقات نشانه‌شناسی اجتماعی در سائوپائولو برزیل است. وی در حال حاضر استاد دوره‌های نشانه‌شناسی در دانشگاه ویلنیوس لیتوانی است. آرا لاندوفسکی در ایران با آثار دکتر مرتضی بابک معین معرفی شده است.

لاندوفسکی که به نشانه‌شناس پساگراماسی معروف است در ابتدا ضمن ابراز خرسندی از اولین سفر خود به تهران گفت: «بسیاری از جامعه‌شناسان و فلاسفه، نشانه‌شناسی را تنها در متن می‌دیدند. وی ضمن مروری بر سیر تحول نشانه‌شناسی که از گرماس آغاز شد به جایگاه نشانه‌شناسی امروز و تبیین چهار

نشانه‌شناسی به عنوان علمی که به مطالعه نظام مند شرایط تولید و دریافت نشانه‌ها و معنای آنها می‌پردازد، از توجه به مسائل اجتماعی و کنش‌های دخیل در بهبود آنها غافل نمانده است. دکتر حمیدرضا شعیری، دبیر علمی همایش، در آغاز این همایش گفت: نشانه‌شناسی اجتماعی را باید نتیجه گفت‌وگو بین نظریه‌هایی دانست که در طول یک

قرن جهان نشانه و معنا را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. در نشانه‌شناسی اجتماعی همواره با این پرسش اصلی مواجه هستیم که شرایط تعامل گفتمان‌ها و کنش‌های اجتماعی چیست؟ چگونه معنا از طریق کنش‌های اجتماعی تولید، دریافت و بازپردازی می‌شود؟ چگونه نشانه‌شناسی ما را از آسیب‌های اجتماعی آگاه نموده و راه‌های تعامل برای بهبود شرایط را مطالعه می‌کند؟ چگونه کنش‌های اجتماعی از طریق گفتمان‌ها بازبایی گشته و قابل تفسیر معنایی هستند؟ یا اینکه گفتمان‌ها چگونه کنش‌های اجتماعی را اصلاح کرده و در خدمت توسعه اجتماعی قرار می‌دهند. به این ترتیب و با توجه به این پرسش‌ها، من اعتقاد راسخ دارم که نشانه‌شناسی اجتماعی دلالت بر بلوغ نشانه‌شناسی دارد. اما از چه زمانی نشانه‌شناسی وارد مطالعات

نشانه‌شناسی مورد نظر ما ابعاد سیاسی و فلسفی دارد و وسیله‌ای برای تحلیل مسائل سیاسی در اختیار ما قرار می‌دهد.

نظام معنایی خود پرداخت. الگوی نظام‌های معنایی و تعاملی مورد نظر لاندوفسکی عبارتند از: برنامه‌مداری، مجاب‌سازی، تصادف و تطبیق».

وی گفت: «نظام معنایی نخست کنش است که نشانه شروع آن و معنا هدفش است. نظام دوم نظام تعامل اثرگذار است که مجاب‌سازی در آن صورت می‌گیرد». لاندوفسکی ادامه داد: «نشانه‌شناسی مورد نظر ما ابعاد سیاسی و فلسفی دارد و وسیله‌ای برای تحلیل مسائل سیاسی در اختیار ما قرار می‌دهد. سپس بعد حسی وارد می‌شود. در اینجا معنا قابل پیش‌بینی نیست. در نظام چهارم تجربه زیسته و حضور وارد می‌شود و در شکل‌گیری معنی دخالت می‌کند».

در این همایش دو روزه در مجموع ۵۶ مقاله به شکل

سخنرانی و ۶ مقاله به شکل پوستر ارائه شد. موضوع مقالات ارائه شده در حوزه‌های مختلف نشانه‌شناسی اجتماعی از جمله آداب اجتماعی، مهاجرت، هویت، تعاملات فرهنگی، فضای شهری، محیط زیست، بحران‌های اجتماعی و مد و پوشاک بود. حضور پژوهشگران رشته‌های مختلف از معماری گرفته تا ادبیات و ترجمه و عکاسی در این همایش قابل توجه بود. کتاب چکیده مقالات همایش نیز همزمان در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت.

در اختتامیه این همایش نیز که روز دوم در سالن حکمت پژوهشگاه برگزار شد، ضمن پخش کلیپی از فعالیت‌های پانزده ساله حلقه نشانه‌شناسی تهران، پانزده سالگی این حلقه علمی جشن گرفته شد.



اسفند ۱۳۹۷



پنجمین هم‌اندیشی «جایگاه مطالعات قرآنی در اعتلای علوم انسانی»: میان‌رشتگی و کاربردی‌سازی؛ مطالعه موردی صلح و مدارا

شود. دوگانه «کتاب و حکمت» بیش از ده بار در قرآن به کار رفته و به نظر من در سیاق این ده آیه قوانین عادلانه الزام‌آور است. تفاوت‌های ناگزیر افراد بشر با اجتماعی بودن سرشت او، عامل اختلاف است و چاره‌ای نیست جز آن که نقش «کتاب» عامل فیصله دادن تنازعات به سمت عدالتی که مقبول همگانی است، باشد. قرآن کریم هر جا که دوگانه «کتاب و حکمت»

به همت پژوهشکده مطالعات قرآنی و با همکاری انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی در روز چهارشنبه اول اسفند ماه ۱۳۹۷، پنجمین هم‌اندیشی «جایگاه مطالعات قرآنی در اعتلای علوم انسانی» با موضوع «میان‌رشتگی و کاربردی‌سازی؛ مطالعه موردی صلح و مدارا» در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.



را به کار برده؛ به ویژه در آیه ۲۱۳ بقره، به اختلافات میان مردم اشاره کرده و از نزول انبیا برای رفع آن سخن گفته است. پس شأن کتاب رفع اختلاف است تا به نزاع منجر نشود. حکمت نیز باید در کنار کتاب دیده شود زیرا قانون شرط لازم ولی ناکافی برای رفع اختلافات است. حکمت کفایت لازم برای قانون را فراهم می‌کند. حکمت از حکم به معنای منع است و وزن حکمه نوع خاصی از منع را می‌رساند که بازدارنده از هرج و مرج و در جهت دفع فساد و ایجاد اصلاح باشد. پس ما صرفاً مأمور به کتاب - قانون - نیستیم، بلکه باید در کنار آن حکمت نیز به کار گرفته شود. چنان که قصاص به منزله‌ی قانون، با عفو که حکمت است، تلطیف می‌شود. این مبنای عبور از قانون، قابل گسترش است. وضع قوانین قطعاً بر پایه‌ی حکمت بوده، اما همراهی حکمت در کنار کتاب، با رجوع به خرد جمعی بیانگر دفع فساد است به ویژه زمانی که اجرای یک قانون خود فساد آور شده است.

در ادامه نشست دکتر سیدرضا مؤدب سخنان خود با عنوان «قرآن کریم و پرهیز از قتال» را با این سؤال آغاز کردند که براساس آموزه‌های قرآنی جایگاه جهاد و به ویژه جهاد ابتدایی کیجاست؟ و گفت: شبهات فراوانی از سوی مستشرقان بر این بحث وارد شده و فایرستون در کتاب «خاستگاه جنگ مقدس» اسلام را عامل تغییر نرم در کل جامعه صلح‌طلب و تبدیل آن به جامعه‌ای

برنامه با تلاوت قرآن و پخش سرود ملی آغاز شد و در ادامه دکتر فروغ پارسا (دبیر علمی هم‌اندیشی) به مهمانان خیر مقدم گفتند و به ارائه گزارشی از هم‌اندیشی‌های برگزار شده در سال‌های قبل و تشریح اهداف برگزاری هم‌اندیشی پرداختند.

سپس دکتر سید روح الله شفیعی (دبیر اجرایی هم‌اندیشی) از سخنرانان نشست اول دعوت کردند تا سخنان خود را آغاز کنند. نشست اول هم‌اندیشی با عنوان: صلح و مدارا از منظری قرآنی با حضور سخنرانان: دکتر شاکر (عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی)، دکتر مؤدب (عضو هیات علمی دانشگاه قم) و دکتر نگوام (عضو هیات علمی دانشگاه قم) برگزار شد.

دکتر محمدکاظم شاکر در سخنرانی خود با عنوان «با «کتاب» و «حکمت» در مسیر صلح و مدارای پایدار»، گفت: «مدارا در برابر جنگ و ستیزه است که ریشه در اختلاف دارد؛ و خاستگاه اختلاف نیز تفاوت‌های اجتناب‌ناپذیری است که باید در عین پذیرش از تهدید به فرصت تبدیل شوند. تأکید قرآن کریم بر واژه‌هایی همچون تعلیم، کتاب و حکمت در همین راستا قابل توجه است. تصور عمومی و برداشت بسیاری از مفسران از کتاب و حکمت، کتب آسمانی و سنت است. اما کاربرد این عبارات در دو سوره‌ی آل عمران و مائده باید بیش از این مورد توجه قرار گیرد و مفهوم کتاب گسترده‌تر از مفهوم رایج آن و فرائد از کتاب آسمانی در نظر گرفته

به شدت خشن و جنگ طلب معرفی می‌کند؛ و از آیات قتال چنین برداشتی دارد. جنگ از نظر وی نوعی تخلیه انرژی و جایگزین ماجراجویی‌های اعراب پیش از اسلام تلقی شده است. در دوره‌های معاصر نیز هویت مسلمانان با چنین تعریفی همراه شده، و اسلام‌هراسی غالباً نتیجه‌ی چنین برداشت‌هایی است. حال اگر به آیه ۱۹۰ بقره -که مورد توجه دو دیدگاه متفاوت "صلح/جنگ طلب دانستن" اسلام است- بنگریم؛ می‌بینیم که این آیه ضمن امر به جنگ، قتال را محدود به جنگ با متجاوزان کرده و در همان محدوده نیز هشدار می‌دهد تا مسلمانان مرتکب تعدی و تجاوز نشوند. شبیه این مضمون در سوره انفال نیز به کار رفته و آیه ۲۰۸ بقره امر به ورود به سلم همگانی کرده و اصل در تعاملات را، مسالمت دانسته است و حتی در سوره توبه گستره‌ی این مسالمت به مشرکینی می‌رسد که می‌توانند برای شنیدن کلام خدا در پناه امن باشند و به دلیل نادانی نسبت به آنان سختگیری نمی‌شود. بعضی مصادر غیرشیعی حاوی احکامی است که شاید به دلیل انتقالی بودن روایات مرتبط، بر برداشت‌های نادرست و جنگ طلبانه از قرآن دامن زده؛ مانند حکم قتل کسی که از سر بی‌میلی ترک نماز کرده باشد! در حالی که به تعبیر جناب جوادی آملی در تفسیر تنسیم، اساس آموزه‌های الهی بر مبنای سلم و مداراست. و صرف‌نظر از تاریخ و ضرورات سنت، هرگز از مجموع نگاه آیات جنگ ابتدایی قابل برداشت نیست». در ادامه نشست دکتر جعفر نکونام سخنرانی خود با عنوان «قرآن‌کریم و مدارا در عرصه اندیشه» را ارائه داد و گفت: «با توجه به مخاطبان عصر نزول، قرآن حتی در تقابل به مثل نیز توصیه به رعایت عدالت و مدارا و عفو داشته است. قرآن در سال ششم و در جریان صلح حدیبیه نیز توصیه می‌کند که سابقه‌ی عداوت‌های قبلی مانع از برّ و نیکی و عدالت نگردد. کافران محارب نیز چنان که به گفتگو بازگردند، باید پذیرفته شوند و حتی در صورت ادامه مخالفت، به صورت ایمن به جایگاه خود بازگردانده شوند. در گفتمان مشترک بین ادیان از نظر قرآن، باور به وحدانیت خداوند و روز رستاخیز برای پیروان آیین یهود و مسیحیت، زمینه‌ساز نجات تلقی می‌شود. لا اکراه فی الدین در دوران قدرتمندی اسلام نازل شده که هرگونه تحمیل و اکراهی را منع می‌کند».

وی ادامه داد: «در شرایط کنونی نگاه‌های متفاوت درون دینی برتابیده نمی‌شود و گاه افراد دارای نظرات شاذ از حقوق اجتماعی خود- به صرف داشتن افکار متفاوت- محروم می‌شوند. در حالی که دانشگاه که محل تولید علم و نوآوری است باید خاستگاه نظریه‌پردازی باشد و این امر با مدارا و نیز رشد عقلی و تنقیح اندیشه‌های خودمان حاصل خواهد شد».

دکتر نکونام در پاسخ به این سؤال که چرا آیات جنگ را در سخنان خود مورد بررسی قرار نمی‌دهید،

گفت: «ما امروز باید خرد جمعی را در نظر بگیریم و اگر بخواهیم احکامی را که در مواقع خاص اجرا شده تعمیم دهیم، مردم دین‌گریز میشوند. آیا دین یک مساله عقلایی است یا یک امر که باید به صورت موردی به آن بپردازیم».

پس از پایان نشست اول جلسه پرسش و پاسخ برگزار شد.

نشست دوم با عنوان «صلح و مدارا از منظری ادبی- زبان‌شناختی» و با مدیریت دکتر مریم قبادی آغاز شد. دکتر حسینعلی قبادی (ریاست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر شهرام پازوکی (عضو هیات علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه) و دکتر سعیدنیا (پژوهشگر و مترجم) به ارائه سخنرانی پرداختند.

در ابتدا دکتر حسینعلی قبادی، گزارشی از «تأثیر قرآن کریم بر صلح‌اندیشی مولوی» ارائه داد. وی شالوده و بنیان مثنوی را در ۱۴ عنوان، تحت تأثیر قرآن برشمرد و عنوان کرد: «تأثیر شبکه‌ای موجود در مثنوی، همانند آیه نور، همچون تصاویر شبکه‌ای به کار رفته در قرآن است. مولانا در مورد «صلح» نوآوری کرده و از صلح درون سخن گفته و آن را بسیار پرورانده و در سایر اشعارش نیز مؤثر بوده است. هفت محور را در اشعار مولانا درباره‌ی صلح می‌توان تشخیص داد که آن‌ها را بدین ترتیب می‌توان برشمرد: ۱. زیست جهان شهودی؛ ۲. عبور از خود؛ ۳. نگاه عاشقانه به هستی؛ ۴. هم ذات‌پنداری با اجزای طبیعت؛ ۵. درک درست اولویت‌های زندگی؛ ۶. گفتگو‌مندی و مداراجویی و ۷. درک ضررهای خشونت و خشونت‌طلبی».

در ادامه دکتر شهرام پازوکی سخنرانی خود با عنوان «مبانی عرفانی صلح و مدارا» آغاز کردند. دکتر پازوکی گفت: «صلح از منظر عرفانی مربوط به کل نظام هستی است ولی صلح از منظر حقوقی، فقط یک راهبرد برای حفظ دولت و قانون است و لذا شکننده است، بنابراین در عرفان اسلامی بیش از صلح به "سلام" توجه شده و خداوند همه را به سلام دعوت کرده است. تا به صلح درونی نرسیم، نمی‌توانیم به صلح با اطراف خود برسیم و در عرفان، کمال صلح سلام است و سلام نهایت آرامش درونی است. در نگرش عرفان به صلح و مدارا، جهاد اصغر کنار گذاشته می‌شود و به جهاد اکبر پرداخته می‌شود که مقدمه سلام است. قصاص در قرآن و تورات ذکر شده؛ ولی کظم غیظ و احسان در مراتب بالاتر هستند. چون انسان‌ها در مراتب مختلف وجودی هستند و قصاص، کظم غیظ و احسان، هر کدام در مرتبه وجودی برخی انسان‌ها وجود دارند. صلح و مدارا تا وقتی نگاه توحید بینی و رحمت بینی روشن نشود، از لحاظ عرفانی قابل اجرا نیست. عرفان می‌گوید، همدمی از هم‌زبانی بهتر است. تفسیر به رای خدا را گرفتار اوهام نموده و اگر سالک به آن مقید نشود، مجازی است که وی را به کمال می‌رساند. عرفا دین را راه می‌دانند و مذهب از ذهاب به معنای راه و رهرو



است. در نگاه عرفا مذهب گویی معنایی ندارد و پیامبر (ص) نگاه جامع بین داشت. عرفا از واژه فرقه استفاده نمی‌کنند و صلح را مربوط به نظام کل هستی می‌دانند. از نظر حقوقی صلح یک راهبرد برای سکون قانون است و در عرفان اسلامی به سلام؛ و خداوند همه را به دارالسلام دعوت می‌کند و تا به صلح درونی نرسیم به صلح بیرونی نمی‌رسیم. صلح بهتر از جنگ است و کمال صلح سلام و آرامش با دیگری و از جهاد اکبر به جهاد اصغر رسیدن است. در روایت احسان حضرت علی (ع) و خدو انداختن خصم بر ایشان، حضرت علی (ع) مقام معبود را می‌دید.

سخنران دیگر نشست دوم دکتر گلرخ سعیدنیا بود که به ایراد سخن با عنوان «گفتمان‌شناسی انتقادی و گفتمان صلح و مدارا» پرداخت و گفت: «گفتمان‌شناسی

تحلیل آن است. نقطه اشتراک پژوهشگران این حوزه آن است که زبان را شکلی از کنش اجتماعی فرض می‌کنند که می‌بایست در بافت کاربردی خودش بررسی شود. زبان این قدرت را دارد که به اهداف سیاسی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شکل دهد، تغییرات این روندها را نشان دهد و خود به گونه ای عامل این تغییرات شود. امروزه سیاستمداران غربی در سخنان خود به فرآیند "جهانی شدن" اشاره بسیار دارند، و آن را پدیده‌ای ضروری می‌دانند که به هر حال اتفاق می‌افتد. در کتاب زبان و جهانی شدن، فرکلاف ادعا می‌کند: بعد از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ جرج بوش رئیس جمهور وقت، تغییری در ادبیات گفتمان جنگ به وجود آورد که استفاده از عبارت "جنگ علیه تروریسم" می‌باشد که از آن پس در ادبیات امریکا و



انتقادی، رویکردی میان‌رشته‌ای به کاربرد زبان است که هدفش بهتر کردن درک ما از چگونگی شکل‌گیری گفتمان در فرایندهای اجتماعی، ساختارهای اجتماعی و تغییرات اجتماعی است. این رویکرد مجموعه‌ای از رویکردهای دیگر را در بر می‌گیرد که معروفترین آنها تحلیل گفتمان انتقادی است. می‌توان با بهره‌گیری از گفتمان‌شناسی انتقادی از نگاه صاحب‌نظرانی مانند نورمن فرکلاف، تئو ون دایک ... به تحلیل گفتمان‌های صلح مدارا پرداخت و نشان داد که ساختارهای گفتمانی نقش بسیار مهمی در تولیدات اجتماعی، نظیر نابرابری، قدرت و ایدئولوژی بازی می‌کنند.

وی ادامه داد: «گفتمان‌شناسی انتقادی تکیه زیادی بر نظریه‌های اجتماعی دارد و در پی توسعه آن چنان رویکرد بافت محور نقدانه‌ای در زبان‌شناسی است که مسائل ایدئولوژی، قدرت و نابرابری را به عنوان محور حوزه مطالعاتی ما شناسایی کند. گستره فعالیت مطالعات گفتمان‌شناسی انتقادی نه محدود به مطالعات زبان‌شناسی است و نه محدود به کارهایی که اساساً تجربی یا تحلیلی هستند. اما نظیر دیگر رویکردها به حوزه تحلیل گفتمان، پای بند به اصل واکاوی نمونه‌های واقعی کاربرد زبان از طریق «متن»، به عنوان واحد اصلی

متحدانش وارد شد. و یا در خلال جنگ‌های کوزوو، تونی بلر برای توجیه دخالت کشورهای غربی ادعا کرد که: «این جنگی است عادلانه و نه بر پایه قدرت طلبی، بلکه بر سر ارزش‌هاست».

نشست سوم هم‌اندیشی در بخش بعد از ظهر با مدیریت دکتر فروغ پارسا با عنوان: صلح و مدارا از منظری حقوقی- جامعه‌شناختی آغاز شد. در این نشست دکتر فراستخواه (عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی)، دکتر صفاری‌نیا (عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق ع)، دکتر مجاهدی (محقق و مدرس نظریه‌ی سیاسی مقایسه‌ای) و دکتر پاکتچی (هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) حضور داشتند.

دکتر مقصود فراستخواه به عنوان اولین سخنران، نشست سوم را با سخنرانی خود با عنوان «تأمل در متن مقدس و امکان‌های صلح و مدارا» آغاز کرد و گفت: «مطالعه متن قرآن نشان می‌دهد که این متن نه تنها نسبت به صلح و مدارا لاقضااست، بلکه حتی می‌تواند بر نه صلح و نه مدارا نیز دلالت کند. اما وقتی خواننده متن در افق صلح و مدارا و نیازمند صلح و مداراست، همین متن می‌تواند به او یاری‌های

مؤثری برای صلح‌جویی و حتی رواداری بدهد. در آیه ۹۰ سوره نساء آمده: مگر کسانی که به قومی که بین شما با آنها عهد و پیمانی است در پیوسته باشند یا که از جنگ با شما و با قوم خودشان (که دشمنان شما هستند) هر دو خودداری کنند و از جنگ دلتنگ باشند، و اگر خدا می‌خواست آنها را بر شما مسلط می‌کرد تا با شما قتال می‌کردند، پس هر گاه از شما کناره گرفتند و با شما نجنگیدند و تسلیم شما شدند خدا برای شما راهی بر علیه آنها نگشوده است. "و تأکید دارد که حتی اگر نیرنگ کردند، به حقایق اعتماد کنید؛ زیرا ما متولی اسلام و سخنگوی اسلام شده ایم».

در ادامه دکتر محیا صفاری‌نیا با عنوان «رویکرد کشورهای اسلامی در مجامع جهانی به موضوع صلح و مدارا» سخنرانی کرد و گفت:

«۹۰ درصد از قطعنامه‌های سازمان ملل در مورد صلح و مداراست که هر کدام می‌تواند یک رساله دکتر باشد. موضع کشورهای اسلامی در قبال قطعنامه‌های سازمان حقوق بشر مختلف است. بطور مثال کشورهای عربستان و یمن در ابتدای امر به این قطعنامه‌ها نپیوستند ولی کشوری مثل ایران مساله گفتگوی تمدن‌ها را مطرح کرد که متأسفانه این

ابتکار عمل با عدم پیگیری ایران، به دست عربستان افتاد و به نام آنان و با نام دیگری ثبت شد. در سال ۲۰۱۲ عبدالله بن یمن توسط عربستان مرکزی ایجاد کرد و این ابتکار را دست ایران خارج کرد. بعدها وزارت مدارا را در امارت ایجاد کردند و تلاش‌های زیادی در این زمینه انجام شد. اما ایران نیز در سال ۲۰۱۳ طرح جهان علیه خشونت را مطرح کرد».

مفهوم صلح منفی یعنی عدم جنگ و خشونت در نظام بین‌الملل و صلح مثبت به معنای سنت‌های احترام به تمامی ابعاد آزادی و عدالت و مدارا و ... است. و در اسناد بین‌المللی این کلید واژه‌ها قابل تأمل است.

در منشور ملل، صلح چیزی بیش از فقدان جنگ است و هدف بشر محو کردن جنگ است و اسناد متعددی وجود دارند که رویکرد توسعه‌نگر دارند و موضوعاتی مثل فقر و صلح، آموزش و صلح، زنان و صلح و ... را با اصول مدارا را طرح می‌کند. مدارا تنوع فرهنگی و آزادی و الزام سیاسی است و در قرن بیست و یک گسترش جدی اتفاق می‌افتد و اعلامیه صلح و مدارا در ۲۰۱۰ یونسکو انسان‌گرایی جدید را طرح می‌کند. این نگاه جدید همه فرهنگ‌ها را در صلح پوشش می‌دهد و مسلمانان هم در گفتگوهای جهانی وارد می‌شوند. اگر از منظر بیرونی به این موضوع نگاهی داشته باشیم،

می‌بینیم که رسانه‌های جهانی رابطه معنا داری بین تروریسم و اسلام ایجاد نموده‌اند و تا چالشهای جهان اسلام رفع نشود، وادار به رویکردهای واکنشی و تقلیدی می‌شود. جامعه مدنی یکی از راه حل‌هایی است که در حل این مشکلات کمک شایانی خواهد کرد».

سخنران سوم این نشست دکتر محمدمهدی مجاهدی بود که سخنرانی خود را با عنوان «درنگی در مسأله قرآن کریم و مدارا از چشم‌انداز نظریه سیاسی» مقایسه‌ای ارائه کرد. به اعتقاد دکتر مجاهدی در نظریه‌های سیاسی سه مفهوم صلح و مدارا و رواداری متباین هستند و حتی متضادند یکی از شقاق‌های مسلمانان در منشا ارزش‌های اخلاقی و حسن و قبح، به اراده خداوند در جهان بر می‌گردد. امروزه دو جریان جدید بازتولید شده: نو معتزله و نو اشعریان. برخی نو معتزله هستند و برخی نو اشعری هستند. در رنسانس

هرچه در جامعه‌ای مدارا بیشتر باشد ظرفیت شکوفایی آن نیز بیشتر می‌شود و تاریخ معاصر ایران مملو از اتفاقاتی است که اگر مدارا در همه حوزه‌های آن صورت می‌گرفت، ظرفیت شکوفایی و رشد آن بیشتر می‌شد.

علوم انسانی، سنت یکپارچه نیست و دو گونه دارد: روشنگری ریشه‌ای تند که به اسپینوزا نسبت می‌دهند و دیگری با رویکرد ملایم‌تر و مرتبط با جان لاک. از منظر روشنگری بنیادین، اعراض از وجوه دینی سنت‌های سیاسی و اجتماعی و دین‌زدایی حداکثری از فکر و اندیشه سیاسی و اجتماعی رکن رکن روشن‌گری است. مدرنیته نیز مشتقی از همین روند تند

روشن‌گری است. تبار این سنت روشنگری خصوصاً به آرا و اندیشه‌های باروخ اسپینوزا، فیلسوف و روشنگر هلندی، باز می‌گردد که در قرن هفدهم میلادی می‌زیست. در برابر، رویکرد روشنگری ملایم، که به کوشش‌های جان لاک و شارل لویی د مونتسکیو بهای بیش‌تری می‌دهد، مدرنیته هر سنت را مدرنیته همان سنت می‌شمارد، میان سنت و مدرنیته، نه شکاف و اختلاف، بلکه تداوم و استمرار می‌بیند، و سازوکارهای نقد هر سنت و فرا روی از آن را درون همان سنت جستجو می‌کند».

دکتر پاکتچی به عنوان آخرین سخنران پنل سوم بحث خود با عنوان «گذار از مدارا به هم‌افزایی: پی‌جویی زمینه‌های همبستگی اجتماعی در قرآن کریم را با یکی از مفاهیم قرآنی» شروع کرد و گفت: «در جایی من ایمان را از باب افعال یعنی امنیت در جامعه بیان کردم، اما در اینجا در مورد تنازع و اخلاف سخن می‌گویم و اینکه اختلاف مثلاً در زبان در قرآن مطرح شده است. اما این اختلاف در یک امر وجودی است. این اختلافات که از آنها در قرآن آمده است، ممکن است امروزه هم باشد. مثل اختلاف در الوان و شعوب و غیره. اما از نگاه قرآن این اختلافات یک امر نگران‌کننده نیست. این اختلاف در قرآن در جهت تعارف یعنی شناختن است



و جمله معروف انسان گرگ انسان است، ناظر به این وضعیت است. قرآن راه برون رفت از این ترس و حزن ناشی از هبوط را تبعیت از هدایت الهی دانسته است. اخوت و برادری نیز به عنوان راه نجات دیگری است که پیامبر (ص) در بین مسلمانان برقرار کرد تا از عدوات و دشمنی دوری کنند.

دکتر سیدمحمد مهدی گرامی به عنوان آخرین سخنران پنل چهارم با موضوع «مطالعات اسلامی، تاریخ‌گرایی و رواداری مذهبی در ایران معاصر» سخنان خود را آغاز کرد و گفت: نقطه تلاقی جامعه معاصر ایران با تعددگرایی مذهبی هنگامی بود که برای نخستین بار مفاهیمی همچون «پلورالیزم دینی» توسط دگراندیشانی همچون عبدالکریم سروش و مجتهد شبستری و غیر آنها وارد گفتمان سیاسی و علوم اجتماعی ایران شد. به مرور این مفاهیم نیز مانند شمار دیگری از مفاهیم غربی نوظهور در ایران همچون هرمنوتیک، لیبرالیسم، آزادی بیان و ... وجهه سیاسی و تقابلی آن تشدید شد

اما نوع اختلاف در جامعه ما در این جهت است که بطور مثال اگر چه باید طبقه نخبگان در خدمت عامه مردم باشد اما این طبقه در جهت تخریب طبقه عامه گاهی گام برمی‌دارد.

پس از استراحتی کوتاه پنل چهارم با موضوع «صلح و مدارا از منظر تاریخی» آغاز شد و دکتر نکونام به عنوان مدیر نشست از دکتر حسنی فر، دکتر فتح الهی و دکتر گرامی (اعضای هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) دعوت کرد تا به ایراد سخن بپردازند.

دکتر عبدالرحمن حسنی فر به عنوان اولین سخنران پنل چهارم سخنرانی خود را با عنوان «مسأله‌مندی مدارا با عطف نظر به قرآن کریم و تجربه تاریخ معاصر ایران» آغاز کرد و گفت: «با توجه به علوم متفاوت قرانی مسلماً هرچه به حوزه شریعت و فقه نزدیک می‌شویم مدارا کمتر می‌شود و هرچه به حوزه اخلاق و عرفان نزدیک می‌شویم مدارا بیشتر می‌شود. در رد و پذیرش



و به ابزار و برچسبی برای دسته‌بندی‌های عقایدی، سیاسی و حزبی بدل گشت. به دلیل غلبه رویکرد دگراندیشانه پیش‌گفته به مفهوم پلورالیزم مذهبی، بررسی سایر گرایش‌ها به تعددگرایی و پلورالیزم دینی در ایران مورد توجه قرار نگرفته است. شمار دیگری از اندیشمندان معاصر ایران نیز - در حوزه مطالعات اسلامی - به ایجاد یک نوع رواداری و تعددگرایی مذهبی براساس یک گفتمان تاریخی گرایش دارند. این اندیشمندان رشته‌های مختلف مطالعات اسلامی در نوشته‌ها و سخنان خود با ارجاع تاریخی به رویدادها و اندیشه‌های قرآنی، شیعی و اسلامی در ادوار مختلف، تلویحاً یا تصریحاً در راستای ایجاد گفتمانی در راستای تعددگرایی و رواداری مذهبی براساس داده‌های تاریخی حرکت کرده‌اند. این اندیشمندان در عرصه‌های مختلف کلامی، سیاسی، فقهی، اجتماعی، اخلاقی، عقایدی و ... با ارجاع به انگاره‌های اسلامی - قرآنی و دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی، تلاش می‌کنند در راستای رواداری و تعددگرایی مذهبی نظریه‌پردازی کنند.

مدارا دیدگاه‌های زیادی وجود دارد و عناوین مختلف دارد. که حوزه گسترده‌ای را دربر می‌گیرد. اتفاقات مهمی که از مشروطه تا کنون صورت گرفته و تجربه‌ای از آزادی و ملی‌طلبی بود، نشان می‌دهد فرهنگ حذف و تخریب و نداشتن روحیه صلح و مدارا وجود داشته و دارد. به‌طور کلی می‌توان گفت هرچه در جامعه‌ای مدارا بیشتر باشد ظرفیت شکوفایی آن نیز بیشتر می‌شود و تاریخ معاصر ایران مملو از اتفاقاتی است که اگر مدارا در همه حوزه‌های آن صورت می‌گرفت، ظرفیت شکوفایی و رشد آن بیشتر می‌شد.

در ادامه سخنرانی دکتر محمدعلی فتح الهی با عنوان «عداوت، وصف وضعیت هبوط و راه برون رفت از آن از منظر قرآن» آغاز شد. وی به دشمنی شیطان با انسان از ابتدای خلقت اشاره کرد و با اشاره به آیه هبوط انسان، گفت: «در قرآن هبوط انسان در زمین مدنظر نیست؛ بلکه منظور هبوط در یک وضعیت اخلاقی و اجتماعی است که در قرآن هم اشاره شده که با یکدیگر دشمنی می‌کنید و بعضی با بعضی دشمنی و عداوت می‌کنید.

نشانه‌ها و رموز در آوانگاری و ثبت قرائات گوناگون در نسخ خطی قرآن

پژوهشکده مطالعات قرآنی با همکاری انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی در روز پنجم اسفندماه ۱۳۹۷، نشست با عنوان «نشانه‌ها و رموز در آوانگاری و ثبت قرائات گوناگون در نسخ خطی قرآن» برگزار کرد.



در این نشست دکتر آلاء وحیدنیا (عضو هیات علمی پژوهشکده مطالعات قرآنی) به بررسی آوانگاری و افزودن علائم و نشانه‌ها به مصاحف قرآنی طی دو دوره اصلی پرداخت و گفت: «این دو دوره را می‌وان بدین صورت دسته‌بندی کرد: دوره نخستین که منظور از آن همان سده‌های نخست اسلامی یعنی زمانی که هنوز قرائات رسمی از دیگر قرائات مجزا نشده؛ زمانی که هنوز از نقطه‌های ابتدایی برای اعراب استفاده می‌شده یعنی همان شیوه‌ای که به شیوه ابوالاسود دؤلی معروف است. و دوره پسین یعنی دوره کامل شدن علائم اعراب و تجوید و غیره و شبیه به آن چیزی که امروزه همچنان همین علائم رو در قرآن‌ها می‌بینیم و همچنین دوره پس از جا افتادن قرائات رسمی و متمایز شدن آنها با دیگر قرائات، که قرائات شاذ خوانده می‌شدند».

وحیدنیا ادامه داد: «بررسی دوره نخست با استفاده از مقایسه میان اطلاعات موجود در نخستین منابع مسلمانان و نسخه‌های خطی باقی مانده از سده‌های نخست اسلامی صورت می‌پذیرد. در این دوره می‌توان دو گونه آوانگاری ۱- عراق و مشرق و دیگری ۲- مدینه و مغرب را به تفصیل بررسی نمود. در بررسی دوره پسین از آوانگاری مصاحف نیز: الف: نشانه‌های سجاوندی، ب: رموز قرائی نام قاریان و راویان آنها؛ ج: علائم مربوط به اتفاق قاریان یا قرائت مناطق مختلف؛ د: علائم مربوط به عدالای یا شمارش آیات که در نسخه‌های خطی دوران دوم قابل مشاهده است و با نشان دادن نمونه‌های مختلف از نسخه‌های خطی، می‌توان آن دوران را تبیین کرد».

در پایان، جلسه پرسش و پاسخی برگزار شد و به سوالات حضار پاسخ داده شد.

اسفند ۱۳۹۷



برگزاری سومین انتخابات هیأت مدیره مجمع صنفی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه

سومین انتخابات هیأت مدیره مجمع صنفی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه و بازرس مجمع صنفی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه روز چهارم اسفند ماه ۹۷ در سالن حکمت با حضور اکثریت اعضا برگزار شد. در این دوره از انتخابات، مشارکت خوبی از سوی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی صورت گرفت و حدود ۸۵ درصد واجدین شرایط در انتخابات مشارکت داشتند که نتایج آن به شرح زیر است:



۱. دکتر علی رضا شعبانلو، ۶۵ رأی
۲. دکتر زهرا محققیان گورتانی، ۶۰ رأی
۳. دکتر اسماعیل ناصری، ۶۰ رأی
۴. دکتر حوریه احدی، ۵۸ رأی
۵. دکتر محمدمیر احمدزاده، ۴۱ رأی

اعضای علی البدل:

۱. دکتر منصور ساعی، ۳۱ رأی
۲. دکتر شروین مقیمی زنجان، ۲۷ رأی

بازرس: دکتر سپیده میرمجیدی
هشجین



انتصاب

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طی حکمی؛
دکتر امید طیب زاده قمصری را به سمت سرپرست گروه پژوهشی زبان‌شناسی
کاربردی پژوهشگاه منصوب کرد.



مسأله ایران‌شهر؛ رویکردی متفاوت به خواجه نظام‌الملک و سیرالملوک

گفت: «برخلاف باور گذشته‌ام که در تمجید و تأیید کارنامه عملی خواجه سخن رانده‌ام اما امروز باوری دیگری دارم و در نقد اقدامات خواجه و تأثیرات مخرب در جامعه ایرانی سخن خواهم گفت». وی اقدامات خواجه را حول سه محور دانستند که عبارتند از: نهادسازی و اصلاح محدود، اصلاحات تحمیلی و همچنین اقدامات مشکل‌زا. او شرح این بحث را به مقاله خود با عنوان «ثبات و بی‌ثباتی در دوره سلجوقی» ارجاع دادند که به تفصیل در مورد اقدامات خواجه نظام‌الملک سخن



گفته است.

دکتر حسن‌زاده در نقد اساسی عملکرد خواجه نظام‌الملک در زمینه نظام اقطاع‌داری بیان کرد: «نظام اقطاع‌داری در پیش از دوره سلجوقی مرسوم بوده اما در این دوره شاهد گسترده‌گی آن هستیم و آن هم به این دلیل است که خواجه اقطاع‌داری را از نظر حقوقی و نهادی به افراد و مناصب انتقال داد و یک مشکل بزرگ در جامعه ایران به وجود آورد. وی مشکل بزرگ حاصل از اقدام خواجه را، ایجاد یک نوع زمین‌داری وراثتی در میان نظامیان عنوان داشتند که نتیجه‌ای جزء شکل‌گیری و ظهور نیروهای گریز از مرکز اتابکان نداشت. حسن‌زاده در نقد اقدام خواجه در بحث اقطاع، توضیح بیشتری داد که اخذ مالیات تا دوره سلجوقی بر عهده نیروهای محلی بوده اما اقدام خواجه باعث شد یک گروه نظامی ده هزار نفری (غلامان اغلب ترک نظامیه وابسته به خواجه) مأمور گردآوری مالیات‌ها شوند که از این نظر درآمد دولت را به دست نظامیان سپرد و باعث شد تا نظامیان به منبع اقتصادی و مالیاتی دست یابند. به طوریکه درآمد بسیاری از نظامیان عصر سلجوقی از سلاطین سلجوقی بیشتر شد و قدرت نظامیان را برتر از دستگاه سلطان و دربار برد».

دکتر حسن‌زاده در پایان سخنان خود، در نقد اقدامات خواجه، گفت: «خواجه با اقدامات خود دو ضربه اساسی

گروه تاریخ سیاسی پژوهشکده علوم تاریخی، نشست از سلسله نشست‌های مسأله ایران، در راستای بزرگداشت هزاره خواجه نظام‌الملک با موضوع «مسأله ایران‌شهر؛ رویکردی متفاوت به خواجه نظام‌الملک و سیرالملوک» در تاریخ ۱۹ اسفند ۹۷ برگزار کرد. در این نشست که با استقبال علاقه‌مندان مواجه شده بود، توسط دو تن از محققان پیرامون خواجه نظام‌الملک، دکتر اسماعیل حسن‌زاده و دکتر نیره دلیر و دبیر نشست دکتر علیرضا ملایی‌توانی ارائه بحث شد.

دبیر نشست، دکتر ملایی‌توانی در اهمیت و ضرورت مسأله ایران‌شهر و نسبت خواجه نظام‌الملک با آن سخنانی را در مقدمه بیان کرد و سپس سخنران نخست، دکتر حسن‌زاده را به ایراد سخنرانی خود فراخواند.

دکتر حسن‌زاده در مقدمه و پیش از آغاز بحث اصلی خود درباره تشکیکات پیرامون انتساب سیرالملوک به خواجه نظام‌الملک صحبت کرد. وی اشاره کرد، تاکنون بحث‌هایی که پیرامون خواجه عنوان شده بیشتر در جهت افراط در بحث ملی‌گرایی بوده که سردمدار این افراد عباس اقبال در کتاب «وزارت در

عهد سلاطین بزرگ سلجوقی» و تا امروز دنبال شده است. او بحث خود را متفاوت و نقیض این برداشت‌های افراطی عنوان داشت و در همین راستا بیان کرد: «هیچکدام از منابع دوره سلجوقی به اثر سیرالملوک اشاره نمی‌کنند و تنها در این میان دو اثر عوفی و تجارب السلف به این اثر اشاره کرده‌اند که بیشتر ما را به این نتیجه می‌رسانند که اثر سیرالملوک نوشته خواجه نظام‌الملک نیست. دکتر حسن‌زاده ادامه داد که به عقیده من اثر سیرالملوک در قرن ۸ و ۹ هجری در هند به رشته نگارش درآمده و بعدها در ایران کتابت شده و نسخه‌های قابل دسترس ما از قرن ۱۰ ه.ق به بعد است. وی اشاره کرد که صحبت‌های ایشان از جنبه سلبی است و از منظر ایجابی نیست».

عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء اضافه کرد: «سوار کردن اندیشه ایران‌شهری بر تفکر خواجه نظام‌الملک دیدگاهی جعلی - از لحاظ موضوعی و تفسیری - است و اندیشه ایران‌شهری نوعی تحریفی از نگاه شاهی - آرمانی دوره باستان است و از این نظر اندیشه ایران‌شهری هیچ ارتباطی با اندیشه‌های خواجه ندارد و چون اندیشه شاه آرمانی با قرائت‌های امروزی‌ن مطابقت ندارد لذا در لوای ایران‌شهری ظهور کرده است».

این استاد تاریخ بخش دوم و اصلی سخنان خود را به اقدامات و عملکرد خواجه نظام‌الملک معطوف کرد و



- خداوند است که در عالم ماوراء به وقوع خواهد پیوست. از آنجا که قدرت ماهیت سلسله مراتبی دارد و قدرت اعطا شده به سلطان از سوی خداوند بوده و پس بازخواست سلطان نیز به خداوند سپرده شده است که در این مرحله نیز عقوبت‌های سخت و سنگینی برای سلطان ظالم به تصویر کشیده شده است».

دکتر دلیر ادامه داد: «سیرالملوک بر اساس محور «عدالت» نگاشته شده و تا بدانجا عدالت برای مولف از اهمیت برخوردار بوده که جمله معروف «الملک یبقی مع الظلم و لایبقی مع الکفر» را برخلاف فضای اندیشه‌ای دنیای سنت بیان می‌کند. همچنین در بخشی از سخنان خود به استناد حکایت پادشاه ساسانی و موبد موبدان به نقد این روایت و این که توزیع قدرت در این روایت چگونه صورت گرفته و در کل این اثر بحث توزیع قدرت بوده یا خیر اشاره کرد. در نتیجه گیری نهایی نیز اشاره داشت، از آنجا که خواجه نظام الملک به توزیع قدرت بنا به دلایل متعدد که ناشی از مسائل زمانه‌اش بوده است نپرداخته بنابراین به توزیع صحیح مناسبات عدالت نیز نتوانسته دست یابد از این رو در اثر مرتب گلایه خود را از ظلم و ستم بیان می‌کند. و این همان معمای بزرگ تاریخ ایران است».

در ادامه نشست، دکتر علیرضا ملایی توانی نکاتی در مورد مطالب مطرح شده در تشکیک به روایت‌ها و مؤلف سیرالملوک پاسخ داد و گفت: «اینکه چرا مورخان در مورد اثر خواجه سخن نگفته اند بسیار طبیعی است همچنانکه که تا به امروز نیز این سنت پنهان بودن و مغفول ماندن آثار رواج داشته است. وی افزود: در مورد اینکه صاحب اثر سیرالملوک، خواجه نظام الملک بوده، کمتر تشکیکی شده است و بهتر است به جای شک در نویسنده به تحلیل فکری نویسنده بپردازیم».

دکتر ملایی توانی ماحصل کلام را این نکته عنوان کرد که برخلاف نظرات دکتر حسن‌زاده، اندیشه خواجه نظام‌الملک در سیرالملوک در راستای شاه - آرمانی و اندیشه ایران‌شهری استمرار و قابل فهم است».

در ادامه پرسش و پاسخ‌ها، دکتر کسرائی توضیحاتی در مورد ایران‌شهری و دلالت‌های معنایی آن و این که آن را باید گفت‌مانی دید و فلسفه آن را روشن ساخت اشاره داشت همچنین سایر حضار از جمله نسخه پژوهی از دانشجویان دکتری ادبیات به اشکالات نسخه‌ای که بر این اثر گرفته شد، پاسخ‌های مبسوطی ارائه کرد. در پایان با توجه به اهمیت اثر و منحصر به فرد بودن سیرالملوک نسبت به آثار اندرزی پیش و پس از خود همه حضار ابراز علاقه کردند که در جلسه دیگری این بحث بشکل تخصصی ادامه یابد.

به نظام حاکمیت و جامعه ایرانی وارد کرد؛ نخست، با افزایش اختیارات نظامیان به ویژه در بحث گردآوری مالیات، بی‌ثباتی را در کشور افزایش داد. دوم، با دادن زمین به غلامان، قدرت نیروهای نظامی را بیشتر کرد و حکومت مرکزی را ضعیف ساخت و باعث شد تا سلاطین به عنوان حاکمان تحت انقیاد امرا حکمرانی ظاهرگونه ای داشته باشند».

سخنران دوم نشست دکتر نیره دلیر بود که با توجه به تخصصشان بحث خود را در ارتباط فضای اندیشگانی که در سیرالملوک در انتساب به خواجه نظام الملک وجود دارد طرح کرد. عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بحث خود را با در نظر گرفتن صحت انتساب سیرالملوک به خواجه نظام الملک آغاز کرد و گفت: «از منظر تحلیلی و اندیشه‌ای اصالت با متن است و نه مؤلف. ضمن آن که این اثر، یک کار منحصر بفرد در تاریخ اندرنامه‌های ایران است که آثار فکری و اندرزی متقدم و متاخر سنخیتی با آن ندارد و نشان دهنده مسائل عصر خواجه نظام الملک است، و با توجه به تحقیقاتی که در زمینه ظل‌اللهی در دوره مغول انجام داده‌ام باید اذعان کرد فضای اندیشگانی سیرالملوک به دور از فضای قدسی‌سازی و ظل‌اللهی که در سده‌های ۸ به بعد رواج می‌یابد، نگاشته شده است و همچنین مسأله و مسائلی که در این اثر بدان پرداخته شده متفاوت از مسائلی است که در آثار سده‌های ۸ و ۹ به بعد به نگارش درآمده است. از این منظر سیرالملوک را نمی‌توان محصول دوره مغول به بعد دانست بلکه با توجه به فضای اندیشه‌ای و مسائل مطرح شده و دغدغه‌هایی که مولف بیان می‌کند نگارش آن در همین دوره خواجه نظام الملک باید باشد و نه در سده‌های بعد».

وی سپس به بحث اصلی خود پرداخت که بررسی سه گانه (خداوند - سلطان - مردم) و مناسباتی که به شکل دو به دو میان این سه حوزه برقرار خواهد شد و با بررسی این مناسبات سه‌گانه در سیرالملوک اشاره کرد: «در سطح نخست دوگانه خداوند - سلطان مطرح است که باید گفت در این سطح طبق نظرات مؤلف و از همان سطور ابتدایی کتاب برگزیدگی از سوی خداوند است. اما به دور از قدسی‌سازی رایج در دوره سنت که برای حاکمان به تصویر درآمده است. با بررسی سطح دوم؛ یعنی دو گانه سلطان - مردم دلالت‌های معنایی عدم تصویر سازی قدسی برای سلطان آشکار می‌شود. خواجه نظام‌الملک سلطان را مسئول مردم/ رعیت معرفی کرده که باید پاسخگوی اعمال و رفتار خود در قبال مردم باشد. مؤلف اثر هیچگونه مصونیت و قدسیتی به سلطان نداده است از این منظر از اندیشه ایران‌شهری به عنوان گفتمان شاه آرمانی فاصله می‌گیرد. البته در توضیح خود اشاره کرد، منظور از اندیشه ایران‌شهری در معنای گفتمان فکری دوره باستان است و نه اطلاق معنا و عنوان در همان دوره. سطح سوم نیز رابطه سلطان

بحران در تاریخ‌شناسی؛ توهم یا واقعیت

گروه تاریخ سیاسی پژوهشکده علوم تاریخی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری گروه روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری پژوهشکده تاریخ اسلام، دومین نشست از سلسله نشست‌های روش‌شناسی را در روز دهم بهمن ماه ۱۳۹۷ با عنوان «بحران در تاریخ‌شناسی؛ توهم یا واقعیت» با سخنرانی استادان اسماعیل حسن زاده، حسن حضرتی و علیرضا ملایی توانی برگزار کرد.

در ابتدای نشست دکتر حسن زاده گفت: «ریشه این بحث مربوط به این مسأله است که آیا ما در تاریخ‌نگاری

دچار پیشرفت شده‌ایم یا دچار بحران؟ اگر بحرانی هست این بحران چه وجوهی دارد؟ و اگر پیشرفتی در دانش تاریخ اتفاق افتاده است در چه ابعاد و حیطه‌ها و عرصه‌هایی است؟ بیشتر بحث، روش‌شناسی و نظری خواهد بود، شاید هم به صورت محدود داده‌هایی ارائه شود. دکتر حضرتی در مورد اینکه آیا بحران داریم یا خیر، اگر بحران است ذاتی و ماهوی معرفت تاریخی است و یا عرضی است؟ اگر بر عدم بحران اعتقاد دارند بحث پیشرفت یا ترقی دانش تاریخی را بحث خواهند کرد».

در ادامه نشست دکتر حضرتی گفت: «در جلسه اول برخی از همکاران معتقد بودند

که در رشته تاریخ، ما در وضعیت اسفناکی هستیم؛ از حیث مطالعات، تحقیقات و پژوهش‌های تاریخی و از نظر آنها رشته تاریخ وضعیتی بحرانی دارد و به تعبیر دکتر نورایی دچار انسداد تاریخی شده‌ایم. دکتر منصور بخت هم معتقد بودند ما در دوره مدرن فهم درستی از تاریخ نداریم. اما من معتقدم: اطلاق واژه بحران به نظر من اطلاق درستی نیست، از نظر من به وضعیتی که مطالعات و تحقیقات و آموزش تاریخ در کشور ما در حال حاضر داریم. بحران یک تعبیر پزشکی است برای یک انسان در حال احتضار و من فکر نمی‌کنم مطالعات تاریخی در کشور ما چنین وضعیتی داشته باشد. بنابراین حرف اصلی من این است که ما در دانش تاریخ دچار بحران نیستیم چه از حیث آموزش و چه از حیث پژوهش و تحقیق. اما مشکلاتی وجود دارد که ما اطلاق واژه بحران را برای آن به کار نمی‌بریم. در کنار مشکلاتی که وجود دارد ما یک دوره مطلوبی هم داریم سپری می‌کنیم از حیث مطالعات و تحقیقات و آموزشی تاریخ. یعنی وضعیتی که در حال حاضر در کشور ما هست، وضعیت مطلوبی است به جهت اینکه در تاریخ وقتی یک مرور می‌کنیم بعد از هر جنگی دو علم یا معرفت رشد پیدا کرد؛ یکی فلسفه و دیگری تاریخ. اگر از یونان باستان تا جنگ جهانی اول و دوم مرور کنیم به نظر من بعد از این چنگ‌ها توجه به تاریخ رشد داشته است. در ایران بعد از حمله مغول، یکی از دوره‌های درخشان تاریخ‌نگاری است».

حضرتی اضافه کرد: «بعد از جنگ هشت ساله و قبل از آن وقوع انقلاب، این دو اتفاق مهم به رشد دانش تاریخ در کشور کمک زیادی کرد. هم انقلاب و هم جنگ چون اساساً این دو اتفاق مهم، سوژه خوبی برای محققان بود و مورخان می‌توانستند به آن بپردازند. در دوره بعد از انقلاب آگاهی اجتماعی بالا رفت و تحولات علمی را تحت تأثیر خود قرار داد. ما در دوره بعد از انقلاب و جنگ توجه ویژه‌ای به تاریخ کرده‌ایم. البته باید بدانیم انتظار ما از دانش تاریخ چیست؟ به نظر می‌آید که انتظار معقول و منطقی و علمی از دانش تاریخ ندارند و از دانش تاریخ مطالباتی دارند که در توانش نیست که آنها را برآورده کند. اگر تعریف درستی از این داشته باشیم که وظیفه دانش تاریخ چیست، کار مهم آن چیست؟ آن وقت می‌توانیم بپرسیم آیا وظیفه‌اش را به درستی انجام داده است یا خیر؟ من وظیفه اصلی دانش تاریخ را توصیف فربه می‌دانم، ارائه فکت می‌دانم و براین اساس فکر می‌کنم که کارهای خیلی خوبی در کشور در حال انجام شدن است در حوزه‌های مختلف علمی و وضعیت رشته تاریخ وضعیت قابل قبولی است».

دکتر ملایی توانی دیگر سخنران این نشست بود که سخنانش را این چنین آغاز کرد: «من از سطح دیگری وارد بحث می‌شوم و رویکرد من مفهومی‌تر است و وارد مصادیق تاریخی نمی‌شوم. مفهوم بحران یکی از مفاهیم بسیار پرکاربرد و مصطلح است که از دوره مشروطه کاربرد داشته است. بحران کارکرد معنایی و مفهومی گسترده‌ای دارد، ما هنگامی که از بحران سخن می‌گوییم به این معناست که در یک شرایط بحرانی در یک وضعیت غیرمتعارف قرار گرفته‌ایم و به همین خاطر آن حوزه‌ای که دچار بحران شده است، کارکردهای متعارف و پیشینی خود را ندارد. بنابراین بحران



یک بن‌بست را ایجاد می‌کند. اگر در ساحت دانش از بحران سخن بگوییم در چه وضعیتی یک دانش دچار بحران می‌شود؟ چگونه می‌توانیم از یک وضعیت بحرانی سخن بگوییم؟ هرگاه در یک دانش وضعیت بن‌بست گونه‌ای پیش بیاید و زاینده‌گی فکری از میان برود، امکان تکاپو و کنش علمی فعالانه و طرح افق‌های علمی جدید از میان می‌رود، ما دچار وضعیت بحرانی شده‌ایم. البته وضعیت بحرانی بد هم نیست چون بحران‌ها مقدمه بازاندیشی‌های عمیق، مقدمه گذار از وضعیت‌های نامطلوب است. وقتی از وضعیت بحرانی در دانش تاریخ سخن می‌گوییم مبادی معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه و اصول کارکردی و مخاطبان دانش و... دچار اختلال اساسی بشود در این وضعیت بحران پدید آمده است».

ملایی‌توانی افزود: «وقتی بحران پدید می‌آید به گفته تامس کوئن یعنی شرایطی که علم کارکرد خود را از دست می‌دهد و باید در چنین وضعیتی دچار یک انقلاب علمی شد. انقلاب‌های علمی زمانی رخ می‌دهد که در یک دانش بحران پدید آید. یعنی علم قادر نیست مسائل متعارف خودش را حل کند. بنابراین ما نیاز به یک انقلاب علمی داریم که وضعیت مطلوبی را ایجاد کند. یکی از مهمترین بحران‌هایی که در تاریخ اتفاق افتاد در دوره مشروطه و پس از آن بود. زمانی که ما از گفتار تاریخ‌نگاری رسمی سنتی خودمان گذر کردیم و به سمت تاریخ‌نگاری نوین آمدیم، این یکی از بحران‌های بزرگ بود که منجر به یک انقلاب علمی در حوزه دانش تاریخ شد و ما هنوز در داخل آن پارادایم هستیم که پس از آن گسست از بحران سنتی اولیه رخ داد. در غرب هم با ظهور ویلیام دیلتای از مناقشات علم انسانی و روش‌شناسی و علوم انسانی و علوم غیرانسانی (طبیعی) سخن گفت. من فکر می‌کنم یک خطای معرفتی رخ داده است و آن این است که ما با قرار گرفتن در یک وضعیت بحرانی (یک بحران تاریخی) را با بحران در دانش تاریخی یکی دانسته‌ایم. این مشکلی بود که در گفتگوهای گذشته پدید آمده است. اینکه ما در یک وضعیت بحرانی تاریخی قرار گرفته‌ایم یک شرایط حاد است. این بحران در حوزه‌های مختلف دانشی و معرفتی سرریز می‌شود که ما با آن درگیر هستیم و همه حوزه‌های زیستی را در برمی‌گیرد. این ناشی از رویارویی تمدن سنتی ما با تمدن مدرن بود. این بحران ممکن است آثار خود را در دانش تاریخ هم گذاشته باشد، اما این را به معنای بحران در دانش تاریخ گرفتن خطای معرفت‌شناسانه است که باید از آن پرهیز کرد.

سپس دکتر حسن‌زاده گفت: «اگر بخواهیم درباره بحران صحبت شود باید تعریفی ارائه شود از مفهوم بحران به عنوان یک مفهوم عام. من معتقدم بحران یعنی انحراف از معیار. یعنی اگر ما یک نگاه ایده‌آلیستی داشته باشیم در مورد معرفت تاریخی و تمام معرفت‌ها، سه مسئله مهم موضوع، روش و غایت علم وجود دارد. اگر این سه تا را ما به عنوان معیار درست برای پیشبرد دانش تاریخ در نظر بگیریم، هرگاه از این سه مورد دچار ابهام و انحراف بشود، می‌گوییم بحران رخ داده است». وی در ادامه ضمن بیان انواع بحران‌ها، گفت: «بحران معرفتی یعنی اینکه دانش تاریخی یک معرفت جزءنگر است، خود یک مشکل مهم است. تا چه حد ما باید این جزئی‌نگری را ادامه دهیم. چرا در نگاه جزء نگارانه تمام پدیده‌های تاریخی پدیده‌هایی منفک در نظر گرفته می‌شود؟ و همبستگی فرایندی در آنها دیده نمی‌شود؟ بنابراین در بحران معرفتی نگاه جزءنگرانه و عدم تعمیم وجود دارد. این باعث شده دانش تاریخ نتواند در عالم علوم انسانی حرفی برای گفتن داشته باشد. بحث بعدی این است که ما نمی‌دانیم چه دانش‌هایی به تاریخ کمک می‌کند؟ این نشان می‌دهد که ثبات یا استقرار معرفتی در تاریخ اتفاق نیفتاده است».

وی در خصوص بحث روش در تاریخ، گفت: «روشی تاریخی را جامعه‌شناسان برای تاریخ گذاشته‌اند و روشی تاریخی



را به عنوان روش برون دانشی خودشان گذاشته‌اند در برابر روش‌های جامعه‌شناختی. ما نمی‌دانیم با چه روش‌هایی توصیف را انجام دهیم، مگر اینکه در دانش معرفتی بیابیم، بگوییم تحلیل محتوا یا تحلیل گفتمان استفاده کرده ایم که این روش‌ها برون دانشی است و ربطی به تاریخ ندارد. ما در این بحث روش‌شناسی هم دچار مشکل شده‌ایم. من اعتقادی به وضعیت بحرانی در دانش تاریخ امروز ندارم، اما بر برخی از ساحت‌های آن چرا وقتی ما از بحران در یک دانش سخن می‌گوییم از مجموعه دانش به صورت یک سیستم سخن می‌گوییم. من به صورت سیستمی به دانش تاریخ نگاه می‌کنم. اجزای این سیستم کارکردهای مختلفی دارند و در یک فرایند همدیگر را تکمیل می‌کنند. برخی از اجزای این سیستم دچار کج کارکردی، نارسایی، ابهام و حتی بحران هستند، تردیدی نداریم. اما بحرانی که یک دانش را فلج کند چنین بحرانی هنوز حادث نشده است و این بحران نیاز به خودآگاهی از بحران دارد. بحث امروز هم نوعی خودآگاهی است و در گذر از بحران یا جلوگیری از آن به ما کمک می‌کند. وی در پایان مؤلفه‌های دانش تاریخ را برشمرد.

در ادامه دکتر حضری نیز توضیح داد: «در حوزه سیاست‌گذاری تاریخی انتقاداتی وارد است و مشکلاتی وجود دارد، اما چون ما متولی آن نیستیم کاری هم نمی‌توانیم انجام دهیم و این مسئله مشکلاتی را ایجاد می‌کند. در صدا و سیما نقالان به جای متخصصان میدان‌دار هستند. اگر تاریخ‌نگاری رسمی هم مشکل دارد به این دلیل است که متولی آن حکومت است. تاریخ‌ورزان چه مشکلاتی دارند؟ اینها مشکل جامعه است، اما اینکه بنده در حوزه تاریخ تولید علم می‌کنم، کتاب می‌نویسم، در این خصوص ما اگر کارمان را درست انجام دهیم بحران وجود ندارد. آیا فهم معرفتی ما درباره دانش تاریخ درست است؟ ما تا حدودی دچار کج‌فهمی شده‌ایم. قدرت دانش تاریخ و رسات آن در چیست؟ کار اساسی مورخان چیست؟ به همین دلیل دچار کج‌فهمی هستیم و گاهی به سمت جامعه‌شناسی، گاهی علوم سیاسی و... می‌رویم. قدرت دانش تاریخ در توصیف عمیق و گسترده است، در ارائه فکت و داده است. ما نباید نظریه آزمایی را مبنا قرار دهیم برای اصل تاریخ. این خطایی است که ما انجام می‌دهیم. اشکال دیگر این است که مهارت‌های ارائه این داده‌ها را به آنها یاد نداده‌ایم این کار اول است. سؤال اصلی این است که ما مورخان چه کار مهمی را باید در اولویت خودمان قرار دهیم؟ به نظر من در این زمینه دچار مشکلاتی هستیم».

دکتر حسن زاده نیز در خاتمه نشست گفت: «بحران در روش‌شناسی: توصیف فربه یا اشباع پذیری یک توصیف در چه مرحله‌ای است؟ اشباع‌پذیری یعنی ما چقدر از داده‌ها، اسناد و شواهد را بررسی کنیم می‌گوییم به مرحله اشباع رسیده‌ایم (اشباع روشی). یعنی ما اگر موارد دیگر را بنینیم کفایت کند. این نشان می‌دهد معرفت تاریخی یک ویژگی اشباع‌پذیری ندارد بحث بعدی حجیت است. ما در تاریخ به داده‌ها حجیت مطلق نمی‌دهیم. هرگاه داده‌های تاریخی با عقل انسان سازگار نباشد ما می‌گوییم این داده‌ها ممکن است خلاف واقعیت باشد. وقتی عقل انسان در مرحله تکامل است، اما داده‌ها ثابت است ما ناگزیر باید داده‌ها را تفسیر کنیم. بنابراین تاریخ می‌شود تفسیر زمانه. داده‌ها مدام بازخوانی و بازنمایی می‌شوند. مشکل دیگر این است که معرفت تاریخی نتوانسته است برای خود معرفت‌سازی کند، در حالی که جامعه‌شناسی و علوم دیگر مفهوم‌سازی کرده‌اند. آیا این در ذات علم تاریخ است یا ما مورخان کوتاهی کرده‌ایم. به نظر من رابطه هر دو رابطه‌ای رفت و برگشتی است یعنی اگر علمی توانایی مفهوم‌سازی ذات برای خود ایجاد کند، چنین مشکلاتی وجود نداشت. مشکل دیگر این است که اگر توصیف به نظریه پردازی نرسد ناقص است. ما باید معرفت‌سازی کنیم و در این مرحله حتما باید نظریه‌سازی شود. ما چقدر در تاریخ‌نگاری دچار اجماع مورخانه هستیم، برای صحت یک روایت؟ دلایل روشی، اجماع‌ناپذیری همه مورخان، اشباع‌ناپذیری داده‌ها مشکل معرفت تاریخی است.



شایعه و پادشایعه در گفتمان ادبی

یا مغلوب آن واقع شود و شایعه «نیت‌مند» که در این جا از ترکیب «شایعه‌سازی» باید استفاده کرد. در اینجا شایعه یک «عمل» است چون نیت‌مند است. با این همه گفتمان ادبی چنان که در هر دو متن مشاهده



می شود قائل به این است که شایعه در نهایت ارزش خود را از متنی می گیرد که در آن به کار رفته است. وی در خاتمه توضیح داد: «در رمان شایعه، اجبار و عشق می بینیم شایعه ای که به طور خودبخود رخ داده در فرایند رمان از طریق قاعده‌مند ساختن آن، با تن دادن به «تعهد» و «معیارهای انسانی» به عشق تبدیل شده است و ارزش والا یافته است».

در ادامه جلسه، پرسش و پاسخ و بحث‌هایی در گرفت و در نهایت با این نتیجه که زمینه بحث باز است و می‌توان کماکان در این زمینه به چالش پرداخت به اتمام رسید.

پژوهشکده زبان و ادبیات روز ۱۲ اسفندماه ۱۳۹۷، سخنرانی با عنوان «شایعه و پادشایعه در گفتمان ادبی» برگزار کرد که دکتر محمد هاتفی، عضو هیأت علمی پژوهشکده زبان و ادبیات پس از خوشامدگویی به حضار، ابتدا ضرورت طرح مسأله شایعه را تشریح کرد. وی گفت: «شایعه نیز همچون شبهه دارای کارکرد تمایزدایی و ایجاد شبهه گفتمانی است. این موضوع را در راستای نظریه وضعیت شبهه گفتمانی که در رساله خود در سال ۱۳۸۸ طرح کرده بود و مقاله آن با عنوان وضعیت شبهه گفتمانی چاپ شده پی می‌گیرد. شایعه به مثابه یکی از وقایع نشانه شناختی که مراجع حقیقت و نظام تمایزگذاری را که مبنای شکل‌گیری گفتمان است از بین می‌برد و باعث شکل‌گیری شبهه گفتمانی می‌شود».

هاتفی در ادامه با تشریح مبانی نظری گفتمان بر اساس نظریه زبان‌شناسی سوسور، افزود: «شایعه در مبنای خود از یک تمایزگذاری زبانشناختی با یک نشانه دیگر که خبر یا حقیقت باشد معنادار می‌شود و سپس در بستر گفتمان ارزش معنایی متناسب با بافت را به خود می‌گیرد».

وی اظهار داشت: «گفتمان‌های علمی مختلفی از روایای دید گوناگون به بحث شایعه می‌پردازند چنانکه روانشناسی از منظر فرد و ویژگی‌های فردی سازوکار تولید و بازتولید شایعه را تبیین می‌کند، علم جامعه‌شناسی وضعیت نهادین و علم سیاست کارکرد آن را در نسبت با قدرت بررسی می‌کند. اما گفتمان ادبی در نظر می‌گیرد که چگونه شایعه به مثابه یک نشانه در دستان متن ادبی می‌تواند به ابزاری برای تولید ارزش زیباشناختی تبدیل شود».

هاتفی سپس با استناد به یک داستان و یک رمان ادبی توضیح داد: «در این متن‌ها شایعه در یک متن کارکرد تعلیمی دارد و در متنی دیگر کارکرد رمانتیک.

همان طور که گفته پرداز متن رمان «شایعه، اجبار و عشق» در متن نیز تصریح کرده از منظر این رمان، شایعه فی‌نفسه فاقد ارزش است و می‌تواند در راستای نیت و اغراض کاربران زبان در نهایت مفید هم باشد. اما از منظر گفتمانی، شایعه به دو صورت است: شایعه به مثابه یک «واقعیه» که سوژه گفتمانی با آن روبرو می‌شود و می‌تواند آن را مدیریت کند



سواد رسانه‌ای و کودکان

وی با اشاره به نظریه‌های یادگیری درباره سواد رسانه‌ای ۱. رفتارگرایی (قانون آمادگی، اثر، تمرین و تکرار) ۲. شناختی (تأکید بر فرایندهای ذهنی، توجه به تفکر انتقادی، حل مساله و تصمیم‌گیری) ۳. برساختگرایی (یادگیری ناشی از شناخت، ادراک و بصیرت)؛ لازمه



یادگیری در فضای رسانه‌ای را مدیریت اطلاعات، تسلط یافتن بر محتوای اطلاعات و استفاده از اطلاعات برای حل مسائل جهان واقعی دانست و تصریح کرد: سه رویکرد در آموزش پیش دبستانی وجود دارد ۱. رویکرد مونته‌سوری که اصول مهم آن پیوند دادن کودک با موضوعات یادگیری؛ تأکید بر حواس، هدفمندی، خود تصحیحی، خود اظهاری هستند؛ ۲. رویکرد های - اسکوپ که براساس مراحل رشد؛ طراحی کن - انجام بده - بررسی کن؛ کار مستقیم با اشیاء، بازتاب فعالیت‌ها، خلاقیت، حل مسئله تنظیم شده؛ ۳. رویکرد رجویامیلیا که وسعت بخشیدن به شبکه‌های ارتباطی، ارتباط و تبادل نظر میان کنشگران، تأکید بر همکاری و همیاری از اهداف آن است.

در ادامه وی با استفاده از نظرات فیث رو و رویکرد رجویامیلیو تلاش کرد تا شاخص‌هایی را برای آموزش سواد رسانه‌ای به خردسالان معرفی کند. براساس توضیح وی فیث روگو سه عنصر سواد رسانه‌ای برای کودکان را عبارت می‌داند از شناخت قصه‌گو (این داستان رو کی می‌گه) - فهم داستان (تولید رسانه‌ای) - یادگیری زبان رسانه (ماهیت ساختگی بودن فیلم). رویکرد رجویامیلیو هم بر روحیه کندوکاو - پرسش متقابل یادگیرنده و یاددهنده - گسترش شبکه‌های ارتباطی تأکید دارد که قابل اعمال در اندیشه‌های روگو است.

دکتر اجاق در پایان سخنانش سواد رسانه‌ای را تفکر انتقادی، توانایی بیان رسا، به اشتراک گذاری افکار و نظرات تعریف کرد.

در ادامه نشست، دکتر بهاره نصیری، عضو هیأت علمی

نشست «سواد رسانه‌ای و کودکان» به همت پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات با سخنرانی دکتر زهرا اجاق، دکتر بهاره نصیری و آمنه بختیاری در مورخ ۷ اسفند ۱۳۹۷ در سالن ادب برگزار شد.

خانم دکتر زهرا اجاق عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در این نشست درباره اینکه پنج یا شش سال اول زندگی کودک برای کسب مهارت‌های اجتماعی و سواد کلیدی هست؛ نقش والدین را بسیار مهم دانستند. به گفته وی کودکان دریافت‌کنندگان منفعل پیام‌های رسانه‌ای نیستند بلکه توانایی پردازش و تصمیم‌گیری دارند. کودک انسانی است با حقوق مشخص که آموزش یکی از اساسی‌ترین حقوق آنان است و لازم است حق آزادی فکر و اطلاعات برای کودکان را رسمیت بخشید.

وی افزود: «هدف از آموزش سواد رسانه‌ای آگاه کردن مصرف‌کنندگان رسانه از محیط‌های رسانه‌ای و رشد تفکر انتقادی درباره بازنمایی‌های رسانه‌ای است؛ ضرورت توجه به سواد رسانه‌ای نیز ناشی از صرف زمان زیاد کودکان با رسانه‌ها، جایگزین شدن مصرف رسانه‌ها با فعالیت‌های لازم برای رشد و یادگیری، تأثیر فناوری رسانه مانند صفحات موبایل و کامپیوتر بر مغز، و برخی از محتواهای رسانه مانند محتواهای خشن است. دو رویکرد کلی درباره رسانه و کودک وجود دارد که عبارتند از ۱. رویکرد رسانه محور که بر مصرف و آثار منفی و آسیب‌پذیری کودکان توجه دارد ۲. رویکرد کودک محور که بر کاربرد محتوا و تولید فعالانه معنا توسط کودک تمرکز دارد. به گفته وی اثر رسانه بر کودک، غنا بخشیدن به بازی، نمایش و داستان است که در ایجاد تخیل (فرضیه‌های تقلیل و انگیزش) موثر است».

دکتر اجاق ادامه داد: «مطالعات مربوط به آموزش سواد رسانه‌ای در ایران (از سال ۱۳۸۰) نشان می‌دهد که به نقش محافظتی سواد رسانه‌ای با رویکرد حمایت‌گرانه و انتقادی متأثر از جیمز پاتر (شناختی) و لن ماسترمن (رهیافت انتقادی) توجه بیشتری شده است. در افق بلندمدت نیز چشم‌اندازهای آموزش سواد رسانه‌ای بر بعد زیباشناسانه (آموزش مهارت تشخیص هنر خوب از بد)؛ بعد تعلیمی (نقش کمکی رسانه‌ها در تعلیم و آموزش مفاهیم درسی)؛ بعد حمایت‌گرانه (سانسور برای محافظت کودکان)؛ بعد توانمندسازی (فهم و کاربرد زبان‌های بصری، توسعه مهارت تفکر انتقادی، مرتبط کردن افکار در طرح‌های مختلف، احساس مسئولیت)؛ بعد همدلی دیجیتالی (توانایی تحلیل و ارزیابی وضعیت روحی دیگران، احساس هویت و ...) متمرکز است».



و نگرش‌های فرزندان، تضعیف استانداردهای خانواده و اجتماع، تضعیف اقتدار و مسئولیت والدین، کمبود اطلاعات مناسب و کافی و نیز الگویی از اطلاعات همراه‌کننده، هدایت رسانه‌ها بر محتوای مهیج و بی‌معنی و نادیده‌گرفتن تحلیل‌ها و سایر فرایندهای تفکر سطح بالا می‌باشد.

بختیاری با اشاره به سه سبک فرزندپروری مقتدرانه، سهل‌انگارانه و مستبدانه، گفت: «والدین مقتدری که پاسخ‌دهنده‌اند و کنترل متوسطی را اعمال می‌کنند در مقایسه با سبک‌های مستبدانه و سهل‌انگارانه در تحول شایستگی اجتماعی فرزندان مؤثر دانستند. از این رو رابطه مستقیمی میان کیفیت روابط خانوادگی بر اعتیاد به انواع رسانه‌ها وجود دارد».

وی با توجه به جنبه‌های منفی و مثبت رسانه‌ها آن را هم فرصت و هم تهدید دانست که مفید یا مضر بودن آن به ظرفیت فکری افراد و قابلیت تصمیم‌گیری و مدیریتی کسانی بستگی دارد که اطلاعات دریافتی را سازماندهی و پردازش می‌کنند که این همان سواد رسانه‌ای است.

به گفته وی در راستای آموزش سواد رسانه‌ای به فرزندان در ابتدای امر، والدین باید پنج نیاز حیاتی را در خانواده مدنظر قراردهند: ۱. داشتن روابط عاطفی عمیق والد فرزند (اجازه گفتگو به فرزندان در خانواده برای به اشتراک گذاشتن ارزش‌های خود)؛ ۲. برخورداری از یک زندگی غنی درونی (تلاش آگاهانه والدین برای آماده کردن محیط خانه برای رسیدن فرزندان از خودشناسی به خودتنظیمی)؛ ۳. تصویرسازی یا تخیل (انجام بازی وانمودی به عنوان روشی برای تبدیل تصاویر درونی کودکان به رفتار)؛ ۴. بیان خلاقانه (قرارگرفتن زیاد فرزندان در معرض انواع رسانه‌ها مانع از ابداع راه و روش‌های جدید و خلاقانه می‌شود)؛ ۵. همکاری و مشارکت (در مشارکت والدین با فرزندان شیوه انتخاب برای تفسیر پیام‌ها آگاهانه‌تر است و فرزندان فرامی‌گیرند چطور تعاملات منفی را مدیریت کنند).

در پایان این نشست دانشجویان و شرکت‌کنندگان پرسش‌های خود را مطرح کردند که سخنرانان به آنها پاسخ دادند

پژوهشکده مطالعات اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی درباره چپستی مفهوم سواد رسانه‌ای، آسیب‌شناسی رسانه و کودک و آموزش سواد رسانه‌ای به کودکان مقطع سنی ۲ تا ۱۱ سال سخنرانی کرد. وی سواد رسانه‌ای را دعوت به اندیشیدن دقیق، عمیق و جدی درباره آنچه می‌بینیم، می‌خوانیم و می‌شنویم دانست و در ادامه به آسیب‌شناسی رسانه و کودک پرداخت.

دکتر نصیری گفت: «کودکان امروز به واسطه کارتون‌ها و بازی‌های کامپیوتری از درک زیبایی‌ها و روابط انسانی دور شده‌اند. همچنین تماس طولانی با رسانه‌ها منجر به کاهش روابط عاطفی و مخدوش شدن مرز میان واقعیت و مجاز شده است. از این رو کودکان قربانیان منفعل تأثیرات فضای مجازی و مظلوم‌ترین و بی‌دفاع‌ترین مخاطبان این فضا هستند. ضمن آن که کودکان از جمله اهداف ارزشمند صنایع رسانه‌ای و صنعت سرگرمی هستند، بازاری که به شدت رقابتی است و نسلی را بوجود آورده‌اند که به عنوان نسل الکترونیک یا دیجیتال از آن یاد می‌شود، نسلی که از نظر اجتماعی و فناوری آگاه‌تر از نسل والدین خود هستند».

وی درباره آموزش سواد رسانه‌ای به کودکان مقطع سنی ۲ تا ۱۱ سال، چهار مهارت حیاتی و کلیدی را نام بردند: ۱- مهارت خوب دیدن: والدین باید با کودکان همراهی کنند تا از سنن پایین رسانه‌های بصری را رمزگشایی کنند و بتوانند لغات مورد استفاده در تصویرسازی‌های ثابت (تصاویر کتاب، مجله، عکس و...) و متحرک (انیمیشن‌ها، کارتون‌ها، بازی‌های کامپیوتری و...) را تشخیص دهند؛ ۲- مهارت خوب شنیدن: شنیدن دقیق و عمیق به قوه تخیل کودکان کمک می‌کند و به آنها قدرت خلاقیت و تصویرسازی ذهنی می‌دهد؛ ۳- مهارت خوب خواندن: از طریق فن فکرکردن با صدای بلند و بیان کردن افکار و احساساتشان در مورد تصاویر، فن پرکردن جاهای خالی و دریافت مطالب بینامتنی و معناسازی شخصی از پیام‌ها و تکنیک معمای صدا برای سنن پیش از مدرسه. ۴- مهارت خوب نوشتن: خلاصه داستان، کارتون و وقایع روزمره و... را بتوانند با استفاده از دامنه و گنجینه لغاتشان بر روی کاغذ بیاورند. برای کودکان زیر سن مدرسه نیز از طریق کشیدن نقاشی از شخصیتی جذاب در کارتونی که می‌بینند یا داستانی که گوش داده‌اند.

در بخش دیگری از این نشست، آمنه بختیاری، کارشناس گروه بررسی مسائل زنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به شیوه فرزندپروری و روانشناسی رسانه پرداخت و گفت: «در عصر رسانه، والدین با چالش‌های شکننده‌ای مواجه هستند؛ از جمله این چالش‌ها: تأثیر رسانه‌ها بر رفتار



ایده ایران؛

ایران‌شهر و نظریه تمدنی ایران آزاد و جوان

«این یک غلط فاحش تاریخی است که با یک گزاره بسیار تاریخی ساده، قابل رد شدن است و آن هم اینکه در در دوره قبل از رضاشاه یعنی دوره قاجار، همه جا سخن بر دال ایران است نه پارسی و... او در همین راستا عنوان



کرد در بسیاری از متون تاریخی و ادبی در سلسله‌های درون قلمرو ایران، سخن از ایران و فرهنگ ایرانی است. این سلسله‌ها در برهه‌هایی از تاریخ در بخشی از قلمرو فرهنگی ایران زمین زیست کرده و با فرهنگ ایرانی خود را خوی داده و یک مدتی به حکمرانی پرداخته‌اند و از این نظر اینکه بگویند، تاریخ ایران در دوره آل‌بویه یا تاریخ ایران در دوره عزنوی و... یک غلط مصطلح است و در عوض بایست از قلمرو آل‌بویه و غزنویان و... در ایران سخن به میان آورد. چون واقعیت ایران زمین به عنوان یک واحد فرهنگی همیشگی زنده و پویا، حال حکمرانان محلی در قلمروهایی در این جغرافیای سرزمینی بر قسمت‌های گوناگون با فرهنگ ایرانی به زیست کوتاه و تاریخی خود ادامه داده‌اند».

وی در بخش دوم سخنان خود، مؤلفه‌های اساسی نظام ایران‌شهری یا ایرانیتیه را برشمرد و عنوان کرد این ایران‌شهر یا ایرانیتیه ما، با مؤلفه‌های کانونی چون: سرزمین وسیع یا جغرافیای ایران زمین، تاریخی مشترک و پیوسته، مرزهای درهم‌تنیده فرهنگی، زبان و ادبیاتی درخشانده، معماری زیبا و رفتار و کردارهای مردم ایران‌شهر، مذاهب و اسطوره‌ها و در نهایت با خمیرمایه اصلی، «فرهنگ ایرانی» زیست و تداوم معنایی و فرهنگی داشته است.

استاد تکمیل همایون پایان‌بخش سخنان خود را در پیوند با مسائل امروز جهان ایرانی اختصاص داد. به زعم این مورخ و جامعه‌شناس آکادمیک، امروز ایران بزرگ فرهنگی در کشورها و سرزمین فرا مرزی ایران امروز امتداد و گسترانده شده است. دلیل این جدایی سرزمین را هم دو عامل، تقصیری خودی و امپریالیزم

نشست «ایده ایران؛ ایران‌شهر و نظریه تمدنی ایران آزاد و جوان» در تاریخ ۱۳ اسفند ۹۷ از سوی گروه تاریخ سیاسی پژوهشکده علوم تاریخی در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. این نشست با سخنان دبیر علمی نشست، دکتر حسینی‌فر (ریاست محترم پژوهشکده تاریخ) آغاز شد. دکتر حسینی‌فر در ابتدا به اهمیت و ضرورت مسائل ایران و حوزه‌های پیرامون آن پرداخت. وی مزیت نشست‌های مسأله ایران را وجه پرابلماتیک بودن آن‌ها، عنوان کرد که با تداوم این مسائل می‌توان به نتایج علمی از جنبه‌های گوناگون دست یافت.

سخنران نخست نشست دکتر ناصر تکمیل همایون بود که با تحقیق‌ها و دغدغه‌های ایران‌گرایی، بسیار بجا بود که در این نشست، دعوت و سخنرانی کند. این استاد صاحب‌نام تاریخ و جامعه‌شناس ایرانی، سخنان خود را به ایده ایران اختصاص داد.

استاد تکمیل همایون با سخنانی از سیر تاریخی و زیستی جهان ایرانی در دوره‌های گوناگون تاریخی، بحث خود را شروع کرد و عنوان داشت که جهان ایرانی یا ایرانیتیه یک ایده تاریخی و فرهنگی است که از مفهوم ایران‌ویج و ایران‌شهر دوره ساسانی و تا سلسله‌های محلی نظیر سامانیان، غزنویان، آل‌بویه در قلمرو ایران زمین و تا به امروز به عنوان یک ایده زنده و فرهنگی به زیست فرهنگی خود ادامه داده است. او در توضیح بیشتر این مطلب اذعان داشت: «در دوره باستان، ایران‌ویج و ایران‌شهر یک شهر به دلالت معنای امروز نبود بلکه «شهر» به معنای کشور بود و ایران‌شهر به معنای کشور ایران بوده است. او بر خلاف نظریه‌های غیرعلمی در این حوزه، نظام ایران‌شهر را یکی از مترقی‌ترین نظام‌ها حاکم توصیف کرد که در درون خود جامعه ایرانی دارای یک «نظام مراتب» و نظام‌مند و مترقی بوده و نظریه‌های ایدئولوگ‌های چپ مبنی بر کاستی بودن و بسته بودن نظام ایران‌شهری در دوره ساسانی را غیر مستند و غیر علمی خواند. تکمیل همایون، ایران‌شهر را یک کشور با یک خصلت و یک فرهنگ و اندیشه برجسته و مستقل عنوان کرد که حتی با وجود حکومت‌های محلی اسلامی و حاکمان ترک بعدی، هیچگاه خصلت و فرهنگ ایران‌شهری از میان نرفت و در عوض حکومت‌های محلی در قلمرو ایران بزرگ به یک تعریف، گونه‌های کوچکی از نظام ایران‌شهری را در حکومت‌های خود پیاده می‌کردند و تقلید از مرکز خلافت و نظام خلافتی را در عرصه عمل در قلمرو ایران زمین پیشه راه خود نکردند».

تکمیل همایون همچنین در نقد کسانی که ایده ایران را مربوط به دوره رضاشاه عنوان می‌کنند، بیان کرد:



جوان در برابر ایران پیر برخی از روشنفکران مطرح شد و ایران آزاد در برابر بندهایی که از سوی استبدادگران داخلی و استعمارگران خارجی و همه‌های تمدن غرب مطرح می‌شد. دکتر ملایی در توضیح این سوال که کدام ایرانی در منظومه نظری کاظم-زاده ایرانشهر جای می‌گرفت؟ پاسخ داد: هر ایرانی که در قلمرو فرهنگی و تمدنی ایران زمین، خود را ایرانی بداند. در واقع این ایده در برابر دو ایده شیفتگی و تسلیم در برابر غرب برخی از روشنفکران به ویژه مجله کاوه تقی‌زاده، طرح شده بود و به طور مشخص در برابر دو ایده رقیب موضع می‌گرفت: نخست، در برابر ایدئولوژی پان‌اسلامی که به عقیده وی در جریان خلافت عثمانی امتحان خود را پس داده بود و برای ایران ناکارآمد و موجب پراکندگی آنها شده بود. اما در منظومه فکری ایرانشهر، مذهب تشیع به عنوان یک پایگاه و مؤلفه هویتی ایرانی پذیرفته شده بود اما نه در معنای سیاسی و حکومتی آن بلکه در معنای سکولاریزم و در راستای ایرانیت. دوم، در تبیین تقابل تمدنی ایران با تمدن غرب. برخورد ایرانشهری‌ها با تمدن غرب به نوعی نگاه گزینشی بود به این معنا که ایران باید قهراً تمدن غرب را قبول نماید اما نباید روحاً و جسماً بلاقید و شرط یک فرنگی شود. دکتر ملایی‌توانی در بحث توضیح نظریه ایرانشهری‌ها در باب راه‌حل برون‌رفت از وضعیت حاضر، را انقلاب‌های سه‌گانه عنوان کرد که عبارت بودند از: انقلاب در تشکیلات سیاسی، انقلاب در عقاید و افکار و انقلاب در قلمرو ادبیات.

ملایی‌توانی در ادامه در بیان راه و شیوه پیاده‌سازی این انقلاب‌ها سه عامل «تخریب، تعمیر و ایجاد» را ضروری و عملی عنوان کرد. بنابراین ایرانشهر با فاصله از نگاه تمدنی با مجله کاوه تقی‌زاده، ایران آزاد و جوان را با انقلاب‌های سه‌گانه آرمانی برای جامعه ایرانی مطرح ساخت وی سرانجام ویژگی‌های تمدن مطلوب «ایران جوان و آزاد» را برشمرد.

جلسه با پرسش و پاسخ و تشکر از سخنرانان و گروه تاریخ سیاسی دست‌اندرکار برگزاری این سلسله نشست‌ها به اتمام رسید.

کشورهای بیگانه دانست. او یکی از کارهای مهمی را که امروز بایست در این کشورهای مشترک‌المنافع جهان فرهنگی ایران زمین انجام شود تشکیل «اتحادیه فرهنگی ایرانشهر» عنوان داشت که به زعم ایشان پتانسیل قدرت و توسعه این اتحادیه فراتر از اتحادیه اروپا امروزی است. در این اتحادیه با احترام و در نظر گرفتن خرده‌فرهنگ‌های کشوری و قومیتی و زبانی و... ولی در کلیت بحث برای یکرنگی و دیدن اشتراکات فرهنگی و پیوندهای تاریخی و فرهنگی این ایرانشهر واقعی و تاریخی به وجود بیاید. به باور استاد تکمیل همایون، این اتحادیه قرار بر اختلاف و یا توسعه سرزمینی و تشکیل امپراطوری ایران و... نیست این اتحادیه به معنای واقعی کلمه یک اتحادیه فرهنگی و تاریخی توسعه‌مند است. که در قالب‌های چون جشن‌های ایرانی مثل نوروز می‌تواند یک آغازی برای به‌هم پیوستن این اتحادیه باشد.

سخنران دوم این نشست، دکتر علیرضا ملایی‌توانی بود که بحث خود را در ذیل یک ایده تمدنی درباره ایران با عنوان «ایران آزاد و جوان» مطرح کرد. دکتر ملایی گفت: این ایده از مجله ایرانشهر حسین کاظم‌زاده ابراز شده است که به عقیده من، می‌توان ادعا کرد ایده «ایران جوان و آزاد» ایرانشهر، یک نظریه تمدنی است که در یک دوره بحرانی از تاریخ ایران برای «آینده مطلوب تمدنی ایران» پردازش شده بود.

دکتر ملایی‌توانی برای اینکه بحث را واکاوانه پیش ببرد، به طرح پرسش پرداخت که اساساً نظریه‌های تمدنی در تاریخ ایران در پاسخ به یک «بحران تمدنی» شکل می‌یافتند. از بحران فرهنگ هلنی با سقوط هخامنشیان گرفته تا بحران سقوط ساسانیان، تمدن ایرانی هربار در برابر این بحران‌ها به تجدید حیات می‌پرداخت و مخاطره‌های تمدنی را با مستحیل کردن مهاجمان و متجاوزان در تمدن و فرهنگ خود، پشت سر می‌گذاشت. اما، بزرگترین بحران تمدن ایرانی که با آن مواجه شد، بحران تمدن غرب بود که به باور برخی از دوره صفوی با جنگ چالدران و به باور برخی از صدر قاجار با جنگ‌های ایران رو روس آغاز شد که نظر من به نظر دوم نزدیک‌تر است.

در هر حال، بحران تمدن غرب بسیاری از روشنفکران و متفکران ایرانی را برای راه برون‌رفت به اندیشیدن واداشت. در این میان یکی از ایده‌های تمدنی در برابر تمدن غرب، ایده «ایران جوان و آزاد» مجله ایرانشهر بود که توسط حلقه‌ای از روشنفکران برلنی‌ها با سردبیری کاظم‌زاده ایرانشهر مطرح گشت. مفهوم ایران



نقد رویکردهای سنتی در باب نظام‌های اقتصادی و ارائه ایده جایگزین

به سرمایه داری بررسی می شود و متون نظام‌های اقتصادی دچار تغییر اساسی شده است. با فروپاشی اقتصاد سوسیالیستی، به جز چند استثناء، تقریباً تمام اقتصادهای موجود، اقتصاد بازاری هستند، اقتصادهای سوسیالیستی سابق نیز "اقتصادهای در حال گذار به اقتصاد بازار" هستند. در واقع افول نظام‌های اقتصادی، در نتیجه فروپاشی اقتصاد سوسیالیستی مبتنی بر برنامه ریزی بود که تنها یک نظام اقتصادی بازاری به جای گذاشت. بنابراین نظام‌های اقتصادی با این تعریف که به مقایسه نظام سرمایه داری و نظام سوسیالیسم می‌پردازد، در واقع مرده است. ب) از دست دادن انسجام

سی و سومین کرسی ترویجی با عنوان «نقد رویکردهای سنتی در باب نظام‌های اقتصادی و ارائه ایده جایگزین» در تاریخ دوشنبه ۹۷/۱۲/۱۳ توسط دفتر کرسی‌های نقد، نوآوری و نظریه پردازی پژوهشگاه برگزار شد. در ابتدای جلسه دکتر ایشانی ضمن عرض خیرمقدم به حاضرین و معرفی ناقدین جلسه دکتر حسین عیوضلو و دکتر داوود منظور، مدیریت علمی جلسه را به دکتر امیری تهرانی زاده سپردند. دکتر امیری تهرانی زاده به اهمیت موضوع اشاره کرد و گفت: «جمهوری اسلامی ایران با توجه به آرمان‌های انقلاب اسلامی داعیه طرح نظامی متفاوت از نظام‌های اقتصادی جهان دارد



نظام‌ها: سیستم به معنای مجموعه منسجمی است که تمام اجزای آن با یکدیگر مرتبط است. اما در عمل نظام‌های اقتصادی، تغییرات زیادی کرده و انسجام ندارد. از این رو واقعیت نظام‌های اقتصادی باعث می‌شود که در عمل، اقتصادها به صورت مختلط باشند و در آن صورت دیگر کاربرد نظریه منسجم سیستم‌ها، معنا ندارد. ج) افول کاربرد نظریه سیستم‌ها در علوم: نظریه عمومی سیستم‌ها توسط لودویگ ون برتalanفی در سال ۱۹۳۷ در دانشگاه شیکاگو ارائه شد. بعد از جنگ جهانی دوم کاربرد آن در علوم به سرعت گسترش یافت و در دهه ۱۹۵۰ در علم اقتصاد به کاربرده شد. سیستم‌های اقتصادی توسط اقتصاددانی به نام کالوین بریس هوور پایه‌گذاری شده است. کاربرد نظریه سیستم‌ها در علوم به تدریج افول کرده است و در مقایسه با چند دهه گذشته، امروزه به ندرت از نظریه سیستم‌ها در علوم مختلف استفاده می‌شود. علم اقتصاد نیز از این رویه، مستثنا نیست. به دلیل مشاهده رفتارها و شواهد غیرسیستماتیک و غیرمنسجم در اقتصادها، کاربرد نظریه سیستم‌ها برای مقایسه اقتصادها افول کرده است.» میرجلیلی افزود: «براساس آنچه گفته شد، دوران نظام‌های اقتصادی به سر آمده و دوران ساختارهای

و در این زمینه تلاش‌هایی را هم انجام داده است. لذا این مبحث مهمی است و امیدوارم در این جلسه برخی ابهام‌ها روشن شود.» در ادامه دکتر میرجلیلی به طرح این پرسش قدیمی در علم اقتصاد پرداختند که چگونه می‌توان اقتصادها را با یکدیگر مقایسه کرد؟ با ظهور اقتصاد سوسیالیستی و برنامه‌ریزی مرکزی و ظهور نظریه سیستم‌ها و کاربرد آن در علوم طبیعی و سپس در علوم اجتماعی، بر اساس نظریه سیستم‌ها، اقتصادها به سه دسته تقسیم شدند: ۱- سیستم اقتصاد سرمایه‌داری. ۲- سیستم اقتصاد سوسیالیستی. ۳- اقتصادهای مختلط. اقتصاد اسلامی بعداً توسط مسلمانان اضافه شد. دو رقیب اصلی، اقتصادهای سرمایه‌داری در مقابل اقتصادهای سوسیالیستی بودند. مباحث نظام‌های اقتصادی، شناخت اقتصادها به صورت یک سیستم و مقایسه طرز کار سیستم‌های اقتصادی بود. رویکرد سیستمی در نظام‌های اقتصادی با نقدهای زیر مواجه است: الف) ضرورت مقایسه سیستم اقتصاد سرمایه‌داری و نظام اقتصاد سوسیالیسم، با فروپاشی اقتصادهای سوسیالیستی در سال ۱۹۸۹ منتفی شده است. پس از سال ۱۹۸۹ در مورد اقتصادهای سوسیالیستی، اثرات اقتصادی تجربه گذار از سوسیالیسم



اقتصادهای آمریکای لاتین و کارائیب، اقتصادهای اروپایی و آسیای میانه، اقتصادهای زیر صحرای آفریقا، اقتصاد ایالات متحده آمریکا، اقتصاد اتحادیه اروپا، اقتصادهای بازاری نوظهور بریکس (برزیل - روسیه - هند - چین) در واقع دوران رویکرد سیستمی مقایسه اقتصادها به سر آمده و دوران ساختارهای اقتصادی و اقتصاد تطبیقی، آغاز شده است. نظامهای اقتصادی متکی به نظریه سیستم ها است. مقایسه ساختارهای اقتصادی، متکی به نهادگرایی است. مجلات علمی، متون درسی و انجمن های علمی در زمینه اقتصاد تطبیقی در حال افزایش است که نشان دهنده بالندگی رشته مطالعاتی جدید است. مباحث پیشنهادی برای اقتصاد تطبیقی می تواند جایگزین مباحث نظام های اقتصادی شود».

دکتر عیوضلو ناقد اول جلسه عنوان کرد، در این بحث به نکاتی مناقشه برانگیز اشاره شد از جمله اینکه نظام اقتصاد بازاری نظام مسلط است، که اینطور نیست. این الگوهای ایده آل وقتی مطرح می شوند جنبه راهنما دارند چون هیچ وقت نمی شود به الگوی ایده آل رسید. آنچه من بعد از ۲۰۱۲ دیدم سرفصل هایی است که نظام های غیرمتمرکز را مورد توجه قرار داده بود. فرض شما این بوده که نظام های موجود انسجام درونی ندارند ولی باید بگویم هر نظامی انسجام درونی دارد. همچنین اشاره کردید که کاربرد نظریه سیستم ها به افول گراییده است ولی باید بگویم امروزه نظریه سیستم ها به مراتب پیچیده تر شده است. اینکه باید تنوع ایجاد کنیم و سرفصل های جدید بیاوریم مثل فساد، رشد، سیستم های اقتصادی اروپایی، حقوق، نظریه های جدید اقتصادی، نقش فرهنگ و ... موافقم. به نظرم بهتر است دقت بیشتری در فرضیه ها یان داشته باشید و از همه مهم تر نظام اقتصادی صدر اسلام، نظام اقتصادی در تمدن اسلامی و بعد هم نظام اقتصادی اسلامی در جهان معاصر».

دکتر داوود منظور به عنوان ناقد دوم ضمن تشکر از اعضای جلسه به اهمیت موضوع طرح شده پرداخت و گفت: «آموزش یک مسئله پویاست و باید سرفصل های سنتی متناسب با تغییرات جامعه، تغییر کند. کشور ما در بخش آموزش عمدتاً اقتصاد را تبدیل کرده به جعبه ابزار که عمدتاً با کمک روش های آماری و اقتصادسنجی کار می کند. دانشجو یاد می گیرد دیتا جمع کند و آن را بریزد در داخل جعبه ابزار بعد الگو بگیرد و سپس مقاله چاپ کند. آنچه که شاکله اصلی اقتصاد است اختلاف نظر مبنایی است بین اندیشمندان اقتصاد. از طرفی منابع استفاده شده عمدتاً منابع خارجی است لذا حتماً منابع فارسی را ببینند چون ما در داخل کشور هم حتماً یک ادبیاتی داریم که می تواند مفید باشد. نکته دوم اینکه فرض شما این است که موضوعات نظام های اقتصادی امروز دارد از ادبیات اقتصادی دنیا خارج می شود و به جای آن مفهوم جدیدی شکل می گیرد به نام اقتصاد

اقتصادی آغاز شده است. ساختار اقتصادی بنا به تعریف، ترکیب اجزای مختلف اقتصاد از قبیل تولید، اشتغال، مصرف، تجارت و محصول ناخالص داخلی است. تحول ساختاری، تغییر در اهمیت نسبی بخش های اقتصاد است. می توان ساختار تولیدی دو اقتصاد را با یکدیگر مقایسه کرد. در مقایسه ساختار اقتصادی کشورها، تفاوت ها و شباهت های ساختارها بررسی می شود. بنابراین به جای بررسی نظام های اقتصادی، ساختارها و نهادهای اقتصادی بررسی می شود. بدین منظور ساختار اقتصادها در طیفی از درجه بازاری بودن قرار می گیرد. با توجه به ضرورت تدوین متون درسی جدید در زمینه اقتصاد تطبیقی، چهارچوب زیر برای تدوین متون درسی ارائه گردید:

۱- زمینه های جایگزینی "اقتصاد تطبیقی" به جای "نظام های اقتصادی". جایگزینی مقایسه "اقتصاد سرمایه داری"، "اقتصاد اسلامی" و "اقتصاد سوسیالیستی" با مقایسه اقتصادهای بازاری از طریق مقایسه طیف اقتصادهای بازاری در اقتصاد جهانی: اقتصادهای بازاری پیشرفته صنعتی، اقتصادهای در حال گذار به اقتصاد بازار (سوسیالیستی سابق)، اقتصادهای بازاری نوظهور (بریکس)، اقتصادهای بازاری متأثر از اقتصاد اسلامی (کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی) و سایر اقتصادهای بازاری

۲- "نهادگرایی" و "ساختار اقتصادی" در "اقتصاد تطبیقی"، جایگزین "نظریه سیستم ها" در "نظام های اقتصادی". تعریف ساختار در اقتصاد ساختاری و مفهوم نهاد در اقتصاد نهادی. نقش و عملکرد نهادها، انواع نهادها، نقش نهادها در رشد اقتصادی.

۳- ساختارهای مورد مقایسه میان اقتصادها؛ الف) ساختار درآمدی: مقایسه اقتصادهای جهان بر اساس سطح درآمد. (کم درآمد، درآمد متوسط پایین، درآمد متوسط بالا، پردرآمد). ب) مقایسه ساختار تولید ناخالص داخلی (کشاورزی-صنعت-خدمات) ج) ویژگی های ساختارهای اقتصادی وابسته به منابع (نفت و گاز و ...). ۴- نهادهای مورد مقایسه میان اقتصادها: نهاد مالکیت (خصوصی-دولتی)، سیاست های اقتصادی (پولی-مالی-تجاری-صنعتی-رقابتی-درآمدی-حمایتی-خصوصی سازی-...)، نهاد دولت، قوانین اقتصادی (حقوق و اقتصاد) و مقایسه کارایی و اثربخشی نهادهای مختلف، از طریق مقایسه توان رقابت میان اقتصادها، فضای کسب و کار، فضای سرمایه گذاری، بهره وری عوامل تولید.

۵- عملکرد تطبیقی توسعه اقتصادی کشورها و شناسایی نقش نهاد فرهنگ در ساختار، رفتار و عملکرد اقتصادها. ۶- بررسی تطبیقی نهادهای اقتصاد اسلامی مانند، نهاد مالکیت، دولت، بازار و ... با نهادهای سایر اقتصادهای بازاری در اقتصادهای مرسوم دنیا.

۷- مقایسه ساختارها، نهادها و عملکرد توسعه مناطق جهان: اقتصادهای خاورمیانه و شمال آفریقا، اقتصادهای شرق آسیا و پاسیفیک، اقتصادهای جنوب آسیا،

تطبیقی. اقتصاد تطبیقی عمدتاً بررسی مصادیق است نه جایگزین نظام‌های اقتصادی. به هر صورت نظام‌های اقتصادی ما تلفیقی است از کاپیتالیسم و سوسیالیسم و اخیراً دیدگاه‌های دینی و به‌طور خاص اسلامی. در دنیا امروزه نهضتی درست شده به طرف اقتصاد دینی که مسیحی‌ها دارند کار می‌کنند. اروپا هم به این باور رسیده که باید ملاحظات ارزشی را در تغییر رفتارهای اقتصادی یا ساماندهی آن وارد کنیم. اینکه بخواهیم بگوییم نظام‌های اقتصادی را کنار بگذاریم و به جایش نظام تطبیقی می‌آوریم، اشتباه است. نظام تطبیقی در واقع واکنشی است به نظام سرمایه‌داری گذشته و حتی اقتصاد نهادگرایی. اقتصاد نهادگرایی که بسیار هم گسترش پیدا کرد یک واکنش بود به نظام کاپیتالیسم چون شاهد شدت گرفتن شکاف طبقاتی شدند و عنوان کردند که باید برگردیم به اصلاح نهادها. همانطور که سوسیالیسم هم واکنشی بود به کاپیتالیسم. کمونیست‌ها آمدند و گفتند نظام سرمایه‌داری یک نظام نابرابر است بنابراین ما با حاکم کردن طبقه کارگر آن نظام را فرومی‌پاشیم و نظام دیگری قرار می‌دهیم. نکته دیگر اینکه آقای بندیکت کهلر کتابی را منتشر کرده و اعتقاد دارد صدر اسلام زایش سرمایه‌داری بوده است و بسیار مستدل عنوان می‌کند پیامبر اسلام برخلاف پیامبرهای پیشین یک تاجر بوده و اقتصاد بازار را ترویج کرده است. لذا ما باید به آموزه‌های پیامبر و معصومین و آنچه متفکرین اسلام به آن اضافه کردند. جان مارانگوس در ۲۰۱۳ کتابی دارد در رابطه با پایداری و سازگاری نظام اقتصادی اسلام و معتقد است نظام اقتصادی اسلام از انسجامی برخوردار است و می‌تواند بدیلی باشد برای پرداختن به آن. که می‌تواند رفرنس مفیدی برای شما باشد. در آخر می‌خواستم بگویم از آنجا که شما می‌خواهید پیشنهاد سیلابس کنید به جز کتاب‌های درسی که مرور کردید سیلابس کتاب‌هایی که الان در دانشگاه‌های دیگر تدریس می‌شود را هم ببینید و به مقاله‌تان اضافه کنید».

دکتر میرجلیلی در پاسخ به نقدهای ارائه شده گفت: «آنچه تحت عنوان سوسیالیسم بازار می‌بینیم آنها تخصیص منابع شان همچنان مارکت است و چون هدف مقایسه اقتصاد هاست آنچه در عمل هست را می‌بینیم که آنچه در ایده‌آل بوده است. در نظریه سیستم‌ها این مطرح است که تا چه حد می‌توان استفاده کرد و به خاطر همین به عدم انسجام درونی اشاره کردم چون اساس این تئوری بر انسجام است چرا که سیستم تعریف مشخص دارد. آنهایی که این اسم را حفظ کردند سعی کردند همچنان آن را حفظ کنند. واقعیت این است که اگر به ۳ یا ۴ کتاب بخواهید اشاره کنید که بگوید تئوری سیستم انسجام دارد من می‌توانم ۳۰ کتاب نام ببرم که می‌گوید خیر نمی‌تواند. آنچه من در مورد افول گفتم در مورد افول نظریه سیستم‌ها برای توضیح مقایسه نظام‌ها بود که در واقع کاهش پیدا کرده است. استناد من سرفصل‌های وزارت علوم است: نظام اقتصاد سرمایه‌داری، نظام اقتصاد سوسیالیسم و نظام اقتصاد اسلامی که در اینجا به قانون اساسی جمهوری اسلامی اشاره می‌شود. در مورد اینکه آیا این اقتصاد تطبیقی جایگزین است یا توسعه باید بگویم توسعه‌ای است که جایش را می‌گیرد. قبلاً می‌گفتند همه اقتصادهای دنیا دو نوع‌اند یا سرمایه‌داری یا سوسیالیستی. الان می‌گویند تمام اقتصادها در یک طیف قرار گرفته‌اند و الان ۵۶ کشور اسلامی ۵۶ نوع اقتصاد دارند. خوشبختانه در حرکت از سیستم‌ها به سمت کاربرد نهادها و ساختارها تمام اقتصادها را میتوان باهم مقایسه کرد و دیگر به دونه‌دونه محدود نمی‌شود. در مورد صحبت دکتر عیوضلو در مورد اقتصاد اسلامی باید بگویم، اگر کلمه نظام را بردارید و به جای آن ساختار بگذارید این درست می‌شود چون در ساختار ما به تولید بخش کشاورزی، سیاست پولی و ... اشاره می‌کنیم».

پس از چند پرسش و پاسخ کوتاه از سوی حضار دکتر امیری ضمن با اهمیت دانستن این مناقشه از حاضرین در نشست تشکر و پایان جلسه را اعلام کرد.



نمایش و نقد فیلم مستند «اشرف پهلوی، همزاد شاه»

است، از این جناح گیری های سیاسی و اجتماعی که بماند. ما دو تا مرکز اسناد معتبر داریم یکی مرکز اسناد انقلاب اسلامی و دیگری مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر که به نظر می آید در وهله اول باید دو نهادی باشند که به لحاظ اسناد نوشتاری و تصاویری و آرشیوهای ویدئویی در این خصوص باید ما را همراهی کند ولی عملاً این اتفاق نیافتاد نه برای من و نه برای دوستانی که در این زمینه کار کردند».

پژوهشکده علوم تاریخی، گروه تاریخ سیاسی در تاریخ ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۷، برنامه فیلم تاریخی را با عنوان «نمایش و نقد فیلم «اشرف پهلوی، همزاد شاه» در سالن اجتماعات حکمت به نمایش گذاشت.

در این نشست سعیده نیک اختر (کارگردان فیلم)، احسان ناظم بکایی (فیلمنامه نویس)، دکتر سیدمصطفی تقوی مهر از مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و فائزه توکلی (کارشناس ارشد گروه تاریخ سیاسی) به عنوان



در ادامه نشست فائزه توکلی دبیر نشست و کارشناس ارشد تحقیقات تاریخی فیلم مستند اشرف از ناظم بکایی فیلمنامه نویس، خواستند از مسائل و مشکلاتی که با آن مواجه بودند، توضیح دهند؟ ناظم بکایی گفت: «خوشحالم که بالاخره موفق شدم از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بازدید کنم. من همیشه وقتی از بزرگراه کردستان رد می شدم از بچگی می گفتم اینجا چه جای هیجان انگیزی هست که آنقدر گل و گیاه از آن آویزان است خوشحالم هم اکنون اینجا هستم و از خانم توکلی بابت همراهی شان تشکر می کنم و ممنونم بعد از یک سال از اینکه این مستند در محاق قرار گرفته بود یک بار دیگر مستند را با همه کاستی هایی که داشت برای دوستان نمایش دادند. طبیعتاً دیکته نوشته هست که غلط ندارد، این کار هم مثل همه کارها که تولید مستند هست، خالی از ایراد نیست. ایرادهایی دارد ما خودمان روزنامه نگار و منتقد سینما هستیم و به همان نسبت ایرادهایش را هم درک می کنیم. این مجموعه ای که نمایش داده شد در سه قسمت بیست دقیقه ای برای تلویزیون تهیه شده بود، قرار نبود نسخه سینمایی داشته باشد».

دبیر نشست شرکت داشتند. بعد از نمایش فیلم ابتدا نیک اختر، کارگردان فیلم در مورد موانع و مشکلاتی که با آن در حین تدوین فیلم مواجه بود چنین گفت: «من و همسرم به تاریخ معاصر علاقه داشتیم و دوست داشتیم درمورد خانم های خاندان پهلوی کار کنم زیرا که درباره آنها کمتر صحبت شده است، تاریخ را که مطالعه می کردیم به اشرف پهلوی رسیدیم و دیدیم که در موردش مستندی ساخته نشده است یعنی بعد از چهل سال نه در داخل کشور و نه آنطرف آبی ها به این سوژه توجه نکردند. با اینکه فیلم های متعددی راجع به خود رضاشاه، محمدرضا و فرح ساخته شده است. در مورد اشرف به لحاظ سیاسی و اجتماعی فیلمی ساخته نشده بود این بود که تقریباً یک دوسالی زمان برد تا راجع به زندگی و فعالیت های سیاسی و اجتماعی وی تحقیق کردیم و خواستیم که فقط به روایت تاریخ بسنده نکنیم و یک مقدار هم از بحث هایی مثل روانکاوی روانشناسی و تحلیل شخصیت استفاده کردیم و نتیجه این شد که با تمام حسن ها و معایبش چیزی است که در فیلم عیان است».

نیک اختر افزود: «نکته خیلی منتقدانه نسبت به ساخت مستند در کشور ما وجود دارد که واقعاً دشوار

بکائی در مورد نقاط اوج و فرود مستند توضیح داد: «راجع به این مستند دو نوع آثار داریم، آثار افندی و آثار پدافندی، همزمان که داشتیم این مستند را می‌نوشتیم، کار بزرگ و عظیم‌تری را در حوزه هنری به اسم روزگار رضاخانی انجام می‌دادیم که پارسال همزمان روی آنتن رفت. مجموعه شانزده قسمتی به کارگردانی مهدی فارسی که نویسندگی آن کار با من بود و کار به مراتب عظیم‌تری از این کار بود اما همزمان پخش شد. واکنش‌ها نسبت به مستند اشر ف چه بر له و چه علیه‌اش بیشتر از مستند رضاخان بود. چرا که تا شما می‌گویید مستند رضا خان همه یاد مستند رضاشاه سیمای «من و تو» می‌افتند. اما ما پشیمان نشدیم. واقعیت این است که چهل سال از انقلاب گذشته و دوازده سال است که در صدا و سیما کار می‌کنم و ده سال در معاونت سیاسی بخش اخبار و دبیر خبر بودم. بارها انتقاد کردم که نوع خبرنگاری و گزارش‌نویسی ما و نگاه پر قضاوت ما باعث می‌شود که مستندهای ما از دایره انصاف و اعتدال خارج شود». در ادامه دکتر سیدمصطفی تقوی سؤالی از بکایی پرسید راجع به انتقاد روزنامه کیهان که وی پاسخ داد: «مهمترین چالش کیهان بحث تطهیر اشرف پهلوی در خصوص ماجرای مواد مخدر و... می‌گفتند که چرا نگفتید قاچاقچی مواد مخدر هست. خب واقعیت این است که ما داریم مستند می‌سازیم ما که بر اساس گفته‌های بقیه عمل نمی‌کنیم. همین الان در خیابان راه می‌روید می‌گویند، نصف مملکت برای فلانی هست! در دوره احمدی نژاد نصف مملکت برای هاشمی رفسنجانی بود از چهار تا برج دو تایش را می‌گفتند برای هاشمی هست اما هیچ مدرکی نبود نکته همین بود». تقوی ادامه داد: «واقعاً تشکر می‌کنم از خانم نیک اختر و آقای بکایی که همانطور که خودشان اشاره کردند، هم کار بزرگی کردند و زحمت زیادی کشیدند. وقتی من این مستند را دیدم این آشفتگی را متوجه شدیم که فیلم مستند از اول تا آخر باید انسجام علمی داشته باشد، ترتیب منطقی داشته باشد و یکی از ایرادهای عمده را که یادداشت کردم همین بود، و تمام نکات تاریخی را یادداشت کردم زیرا متن از انسجام تاریخی

بر خوردار نبود. غیر تاریخنم بودن کار یک ایراد عمده اش این است. این متن به نظر من جای کار و چکش کاری بیشتری داشت. شاید بتوان گفت عمده کار، ایرادهایش در دو سه محور خلاصه می‌شود، یکی همان خود متن هست و دیگری تدوین هست. برخی از موارد مانند ابعاد شخصیت اشرف پهلوی در قدرت، ثروت و جنسیت بود. اگر متن روی این سه تا محور به توازن پیش می‌رفت خوبتر بود اما چنین تدوین نشد، متن مقداری مسائل جنسی و شهوتی را مبنا قرار داد و یک جایی دچار تناقض هم است و یک جا محورش سیاست و جنسیت است و برایش بهره برداری می‌شود. این‌ها گاهی در متن و در کار نوسان دارد یعنی این محوربندی‌ها را شخصیت اشرف، نشان می‌دهد. جنسیت اشرف در مسائل جنسی به این خاطر مهم است که این‌ها بر سرنوشت یک ملت حاکم بودند و این منش‌ها و پیامدهایی که داشت بر سرنوشت این کشور تأثیر می‌گذاشت، به نظر من متن باید با محوریت سیاسی نوشته می‌شد و به نمایش در می‌آمد که چگونه از ابزار جنسی هم برای اهداف سیاسی استفاده می‌شد. به عنوان مثال در دهه چهل به بعد سازمان‌های برنامه و بودجه جریان آذر ابتهاج و اینکه برنامه و بودجه در قبضه اینها بود و سرنوشت کشور با سوژه جنسیت در برخی موارد پیوند می‌خورد، باید گفته شود. متن اگر با یک محور و بینش قوی‌تری طراحی می‌شد مسائل اقتصادی هم بیشتر گفته می‌شد و لذا در خود متن واقعاً نقش سیاسی اشرف هم در حد یک زن پر مدعا و زیاده‌خواه و هوسران و تنوع طلب دیده نشد، چون شما از آن زوایه اگر وارد بشوید می‌فهمید که بسیاری از مسائل کشور زیر سر این فرد یا این مسائل پیش آمد. مسائلی مثل تلاش برای عزل قوام‌السلطنه، آوردن هژیر، آوردن رزم آرا، اقبال، برنامه و بودجه...، اشرف در کشور نقش ایفاء کرد و سرنوشت یک نهضت رقم خورد و کلیدی بود که در آوردن اینها نقش داشت و...»

در خاتمه جلسه پاسخ و پرسش حضار مطرح شد.

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

جناب آقای حسین مقیسه

مصیبت وارده درگذشت پدرگرامی‌تان را تسلیت عرض کرده، از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و خانواده محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

جناب آقای بهمن حسینجانی

مصیبت وارده درگذشت همشیره گرامی‌تان را تسلیت عرض کرده، از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و خانواده محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

روابط عمومی



دیدار ماهانه (بهمن ماه) اعضاء محترم هیئت علمی با هیئت رئیسه پژوهشگاه

ماده ۱: فعالیتهای تربیتی، اجتماعی و فرهنگی با کف ۱۰ امتیاز و سقف ۳۰ امتیاز
ماده ۲: فعالیتهای آموزشی با سقف ۲۰ امتیاز
ماده ۳: فعالیتهای پژوهشی و فناوری که کسب ۷۵ امتیاز برای دانشجویی و ۸۵ امتیاز برای استادی از آن ضروری است.

ماده ۴: فعالیتهای علمی - اجرایی با کف ۱۰ امتیاز و سقف ۳۵ امتیاز

تأکید وی بیشتر در مورد ماده ۳ یعنی فعالیتهای پژوهشی و فناوری بود که مطابق تعریف آییننامه مجموعه فعالیتهای پژوهشی و فناوری عضو هیأت علمی را فرا می گیرد که ضمن هدفمند بودن قابلیت کشف و توسعه حقایق و بکارگیری یافتههای علمی را دارا باشد و جنبه توسعه و کاربرد دانش با هدف رفع نیاز جامعه، توسعه مرزهای دانش و بسط فناوریهای برخوردار از اولویت در کشور را داشته باشند. این بندها بطور کلی به مسائلی از قبیل تولید دانش فنی یا اختراع و اکتشاف که منجر به تولید و تجاری سازی است و گزارش علمی طرحهای پژوهشی و فناوری با طرف قرارداد خارج از مؤسسه با تأیید نهاد سفارش دهنده که همان طرحهای خارج از مؤسسه یا کارفرمایی محسوب می شود می پردازند. اصلاحات پیشنهادی اعضاء هیأت ممیزه از سوی پژوهشگاه و همچنین دو پژوهشگاه دیگر از جمله پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران و مؤسسه پژوهشگاه و برنامه ریزی آموزش عالی که پس از جلسات متعدد به تصویب اعضاء رسیدند به شرح ذیل می باشند بدیهی است این اصلاحات صرفاً پس از ابلاغ از سوی وزارت علوم قابل اجرا است:

- اصلاح و افزایش امتیاز طرحهای موظف یا طرحهای داخل مؤسسه

- لغو الزام انجام طرح (های) خارج از مؤسسه یا طرحهای کارفرمایی برای ارتقاء به دانشجویی یا استادی

- افزایش ضریب مقالات چاپ شده در مجلات Q1

- افزایش امتیاز ارائه کرسیهای ترویجی

- گنجاندن تدریس در کارگاهها ذیل فعالیت آموزشی

- در نظر گرفتن امتیاز برای مقالات ترجمه شده

- در نظر گرفتن امتیاز برای گزارشهای راهبردی و توصیههای سیاستی، گزارشهای فنی و تخصصی در آییننامه

- در نظر گرفتن امتیاز برای سخنرانی در حوزه تخصصی و فرهنگی

- کسب امتیاز برای داوری پایاننامهها و رسالههای دانشجویان

این جلسه با سخنرانی دکتر نصیری، مدیر دفتر امور هیأت علمی آغاز شد. وی ضمن قرائت دستور جلسه، و به منظور شروع جلسه، از دکتر افراشی، دبیر محترم هیأت ممیزه پژوهشگاه دعوت نمود تا گزارشی را درباره اصلاحات پیشنهادی آییننامه ارتقاء اعضاء محترم هیأت علمی ارائه نماید.

در ادامه دکتر افراشی، دبیر هیأت ممیزه پژوهشگاه: وی در ابتدا گزارشی از اصلاحات پیشنهادی بر آییننامه ارتقاء ارائه داد که در هیأت ممیزه پژوهشگاه تصویب و به دفتر مرکزی هیأت های ممیزه وزارت علوم ارسال شده است. بر این اساس در آییننامه ارتقاء مرتبه اعضاء هیأت علمی شرایط یکسانی برای ارتقاء اعضاء هیأت علمی آموزشی و پژوهشی در نظر گرفته نشده است؛ و نیز چون آییننامه مطابق با مأموریتهای رشتههای فنی مهندسی و پزشکی تدوین شده نیاز به بومی سازی برای رشتههای علوم انسانی دارد. وی در ادامه در خصوص عملکرد هیأت ممیزه پژوهشگاه توضیحاتی ارائه نمود و افزود تعداد مؤسساتی که برگزاری جلسات هیأت ممیزه و امور مربوط به آنها و درخواستهای ارتقاء آنان جهت بررسی به پژوهشگاه سپرده شده است تاکنون به ۱۱ مؤسسه رسیده است.

هیأت ممیزه پژوهشگاه متشکل از ۲۵ عضو به منظور رسیدگی به پروندههای مؤسسات فوق شامل دو عضو حقوقی و ۲۳ نفر اعضاء حقیقی است که همگی در حوزههای مختلف علوم انسانی صاحب نظر اند. وی قصد خود را معرفی و توضیح ماده ۶ شیوهنامه اجرایی آییننامه ارتقاء مرتبه اعلام کرد. مطابق ماده شش شیوهنامه اجرایی مؤسسات دارای هیأت ممیزه مجازند آن دسته از فعالیتهای پژوهشی اعضاء هیأت علمی خود را که در جهت تحقق مأموریتهای مؤسسه است، با رعایت مفاد ماده ۵ آیین نامه و ماهیت آن فعالیتها به ویژه بندهای ۸ و ۹ جدول ۳-۱ یا بندهای ۹ و ۱۰ جدول ۳-۲ تعریف و بر اساس امتیازات مندرج در آن بندها امتیازدهی کنند. بدیهی است رعایت حداقلهای تعیین شده و تأیید حداقل دوسوم کل اعضاء هیأت ممیزه و پس از آن تأیید هیأت ممیزه مرکزی وزارت برای اجرای کلی مصوبات هیأت ممیزه که در قالب مفاد ماده ۵ آییننامه تعریف می شود الزامی است. در بندهای جداول مربوطه به مؤسسات دارای هیأت ممیزه اختیار داده شده که پیشنهادات خود را بیان و در هیأت ممیزه مطرح و پس از تأیید دوسوم اعضاء به وزارت علوم ارسال نمایند. در ادامه وی در مورد چهار ماده اصلی که براساس آن فعالیتهای اعضاء هیأت علمی برای ارتقاء ارزیابی می شوند توضیحاتی به شرح ذیل ارائه نمود:

تمامی این پیشنهادات در حال حاضر در هیأت ممیزه پژوهشگاه تصویب و جهت بررسی و اعلام نظر نهایی به وزارت علوم ارسال شده است.

در ادامه همکاران پرسش‌های خود را مطرح نمودند و سرکار خانم دکتر افراشی پاسخ دادند.

در ادامه سرکار خانم دکتر نصیری، از جناب آقای دکتر پاکتچی، سرپرست پژوهشگاه دانشنامه‌نگاری دعوت نمودند تا وی در مورد آشنایی با پژوهشگاه دانشنامه‌نگاری و شیوه‌های همکاری اعضاء پژوهشگاه با این پژوهشگاه توضیحاتی را ارائه نمایند.

سپس دکتر پاکتچی، سرپرست پژوهشگاه دانشنامه‌نگاری سخنرانی کرد. وی در ابتدا گزارشی از آغاز فعالیت این پژوهشگاه توضیحاتی را ارائه کرد و گفت: «این پژوهشگاه یک سابقه ۲۵ ساله دارد که بنیانگذار آن استاد مرحوم دکتر احمد بیرشک بودند که نخستین بار سنگ بنای این مؤسسه را به نام بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی گذاشتند و هدف از تأسیس آن، انتشار دانشنامه‌ای به همین نام بود. وی به دنبال ادامه و گسترش فعالیت‌های دانشنامه‌نگاری بودند و با همین رویکرد به دنبال گردهم‌آوردن افرادی که در حوزه‌های ریاضیات، تقویم و نجوم در کنار متخصصین ادبیات فارسی افرادی از حوزه‌های دانش نیز بر گرد این مجموعه جمع شدند و ظرفیتی پدید آمد برای فعالیتهای تقویم و تاریخ و از این قبیل که حوزه فعالیت‌ها را از دانشنامه فراتر بردند. در سال ۱۳۷۱ بنیانگذاری آن انجام شد و فعالیت رسمی آن با اخذ مجوز از شورای گسترش آموزش عالی شروع و سپس این مؤسسه به پژوهشگاه الحاق شد و افراد مختلفی سرپرستی آنرا به عهده گرفتند. تغییر نام بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی به بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران در سال ۱۳۸۸ اتفاق افتاد و در کنار دانشنامه بزرگ فارسی دانشنامه‌های متعدد دیگر شروع به انتشار و فعالیت کردند بطوریکه در حال حاضر تقریباً ۹۰ جلد کتاب منتشر شده در مجموعه وجود دارد و پروژه‌های متعددی با موضوعات متنوع گوناگون نیز در حال انتشار است.

در سال ۱۳۹۷ شورای گسترش آموزش عالی با پیوستن بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران با پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی موافقت کردند و طی این مدت روند این انتقال در حال انجام بوده است و در همین انتقال عنوان این مؤسسه از بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران به پژوهشگاه دانشنامه‌نگاری تغییر یافت.»

در ادامه وی گفت: «در حال حاضر حدود ۴۰ طرح در دست اجرا وجود دارد. همچنین وی دانشنامه‌های مختلفی که به چاپ رسیدند و در دست اجرا و یا راه‌اندازی هستند را معرفی نمودند و همین‌طور به معرفی اعضاء هیأت علمی و کارشناسان مجموعه پرداخت و گفت: «در حال حاضر پژوهشگاه دارای سه گروه اصلی است: گروه علوم انسانی، گروه علوم پایه و

فنی مهندسی، گروه علوم زیستی و پزشکی» پاکتچی ضمن معرفی فضای فیزیکی پژوهشگاه، همکاران و نوع فعالیت‌های آنان، اشاره‌ای به کتابخانه پژوهشگاه کرد و فرمود مجموعه جالب توجهی از کتابهای مرجع، دانشنامه‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها در آنجا وجود دارد و در آینده نیز برنامه‌هایی برای توسعه کتابخانه دارند و از همکاران به منظور آشنایی و بهره‌برداری از منابع مذکور دعوت بعمل آوردند.

وی یکی از مسائل و دغدغه‌های این پژوهشگاه گسترش فعالیت‌ها و همکاری‌ها با سازمان‌های مختلف می‌باشد. وی در ادامه دورنمایی از فعالیت‌های پژوهشگاه را ارائه نمود و گفت برنامه‌های آتی در سه دسته تقسیم می‌شوند:

- دسته اول: ادامه مجموعه فعالیت‌هایی است که از گذشته وجود داشتند و در واقع این تیپ زنده نگه داشتن میراث تولید دانشنامه‌ها است که نیازسنجی و امکان‌سنجی، تعریف و ترجمه دانشنامه‌ها، شناسایی خلاءهای موجود در این بخش از مرجع‌نگاری قسمتی از طرح ماست. همچنین از جمله طرح‌هایی که به دنبال آن هستیم، روی آوردن به فنون نوین دانشنامه‌نگاری، بهره‌گیری از فناوری و یکی، شبکه‌های اجتماعی دانشنامه‌ای، تالار گفتگوی دانشنامه‌ای، همچنین اولویت دادن به دانشنامه‌های کاربردی و مسئله‌محور در راستای اهداف پژوهشگاه و اسناد بالادستی و استقبال از دانشنامه‌های بینارشته‌ای و بینافرهنگی در مجموع این فعالیت‌ها جای می‌گیرند.

-دسته دوم: دانش دانشنامه‌نگاری است که ما در این زمینه با ضعف تدوین در مسائل زیربنایی نظری دانشنامه‌نگاری مواجه هستیم که به دنبال ایجاد بسترهای مناسب برای رفع این مشکلات از مباحث نظری گرفته تا فنون کاربردی هستیم. همچنین تدوین کتب و مجموعه مقالات در شاخه‌های مختلف مطالعات دانشنامه‌نگاری، انتشار مجله مطالعات دانشنامه‌نگاری با سطح علمی - پژوهشی در این بخش جای می‌گیرند. -دسته سوم: مربوط به حوزه ارتباطات علمی است. به دلیل اینکه کار دانشنامه‌ای در حوزه انفورماتیک و اطلاع‌رسانی است ضرورت دارد که بسترهای اجتماعی قوی و ارتباطات اجتماعی مناسب و قابل توجهی داشته باشند.

در پایان وی از همکاران در پژوهشگاه‌های مختلف دعوت نمود تا ظرفیت‌ها، پیشنهادات و همکاری‌های خودشان را در اختیار وی قرار دهند و با پژوهشگاه همکاری نمایند.

در انتهای جلسه دکتر نصیری از اعضاء خواستند تا دیدگاه‌ها، نقطه‌نظرات و ارزیابی خود را در مورد مسائل مطرح شده اعلام نمایند که جمعی از اساتید و اعضاء هیأت علمی نظرات و دیدگاه‌های خود را در خصوص موارد مطرح شده عنوان کردند.



گزارش جلسه دفاعیه محمدابراهیم باسط (دانشجوی دکتری فلسفه دین)

تاریخ برگزاری: ۱۳۹۷/۱۱/۰۲

موضوع: نسبت مفهوم تجربه دینی در اندیشه شلایرماخر با مفهوم تجربه زیسته در دیلتهای استادان راهنما: دکتر مریم صانع‌پور، دکتر مهدی معین‌زاده

استاد مشاور: دکتر میثم سفیدخوش
استادان داور: دکتر مالک شجاعی جشوقانی، دکتر محمد مهدی اردبیلی، دکتر رضا اکبری
این جلسه روز سه‌شنبه ۹۷/۱۱/۰۲ ساعت ۱۰:۳۰ با حضور هیئت داوران و جمعی از دانشجویان در سالن دفاعیه دانش ساختمان کریم‌خان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.
دانشجو در مدت بیست و هفت دقیقه به دفاع از رساله خویش پرداخت که خلاصه سخنان او به شرح زیر است:

پرسش اصلی‌ای که قرار بوده این پژوهش به آن پاسخ بدهد، از این قرار بوده است: «چه نسبتی بین مفهوم تجربه زیسته نزد دیلتهای و مفهوم تجربه دینی نزد شلایرماخر وجود دارد؟ وجوه اشتراک و افتراق آنها چیست؟ از نظر تاریخی چه نسبتی با هم دارند، و تجربه دینی چگونه بر شکل‌گیری تجربه زیسته تأثیر گذاشته است؟»

این پرسش یک پرسش مقایسه‌ای است، و مثل هر مقایسه‌ای برای این که امکان مقایسه کردن فراهم بشود، لازم بود که یک مبنای مشترک بین تجربه دینی و تجربه زیسته در نظر گرفته بشود. این مبنای مشترک فلسفه استعلایی کانت در نظر گرفته شد، چون رهیافت شلایرماخر و دیلتهای برای رسیدن به دو مفهوم تجربه دینی و تجربه زیسته یک رهیافت استعلایی بوده است، یعنی این دو مفهوم را نه با استقرای تجربی به دست آوردند، نه با استدلال نظری درباره موجودات خارج از آگاهی، بلکه صرفاً با تحلیل شروط امکان‌پذیری آگاهی به این مفاهیم رسیدند. برای مثال، شلایرماخر مثل بعضی از فیلسوفان دین معاصر تجربه دینی را تجربه وجود الهی و خارجی خداوند نمی‌داند، یا مثل ویلیام جیمز معنای تجربه دینی را از روی استقرای تجربی انواع تجربه‌های دینی به دست نیاورده است. از طرف دیگر، برای انجام دادن مقایسه لازم است که تعریف درستی از طرفین مقایسه به دست بدهیم. با این وصف، پرسش اصلی این پژوهش به سه پرسش جزئی‌تر منتهی می‌شود:

۱. معنا و جایگاه مفهوم «آگاهی از خود» در فلسفه کانت چیست و چه نقشی در بنیادگذاری علوم عملی دارد؟
۲. معنا و جایگاه مفهوم تجربه دینی در الهیات شلایرماخر چیست؟

۳. معنا و جایگاه مفهوم تجربه زیسته در فلسفه علوم انسانی دیلتهای چیست؟
پرسش اول:

از نظر کانت خود یا من شرط استعلایی امکان هر نوع اندیشیدنی است و به صورت بی‌واسطه دلالت بر وجود یک سوژه می‌کند. بنابراین خودآگاهی یک آگاهی بی‌واسطه از خود به مثابه سوژه اندیشنده است. اما آگاهی به جز خودآگاهی بی‌واسطه شروط دیگری هم دارد، که به ترتیب عبارتند از:

۱. زمانمندی، چون آگاهی یعنی فعالیت کردن و بدون زمانمندی فعالیت ناممکن است.

۲. حس‌پذیری، چون حس‌پذیری رکن اول امکان‌پذیری شناخت و لذا آگاهی است.

۳. آزادی، چون خودانگیختگی فاهمه که رکن دوم شناخت است در واقع همان آزادی است.

این سه شرط همراه با شرط خودآگاهی به یک شرط پنجم منتهی می‌شوند که عبارت است از دیگری یا جهان خارج. بدین معنا زمانمندی، حس‌پذیری، و آزادی در پرتو رابطه آگاهی با جهان خارج امکان‌پذیر می‌شوند.

اما انواع روابط ممکن بین آگاهی و جهان خارج در قالب سه قوه نفسانی احساس، اراده، و شناخت تجلی پیدا می‌کنند. احساس وقتی است که جهان بر آگاهی تأثیر بگذارد؛

اراده وقتی است که آگاهی بر جهان تأثیر بگذارد؛ و شناخت محصول تأثیرگذاری مشترک آگاهی و جهان بر یکدیگر است.

علوم عملی که در متن پرسش اول به آن اشاره شده بود، از نظر کانت در واقع همان انسان‌شناسی پراگماتیک است، که هدفش بررسی آن چیزی است که انسان به عنوان یک کنشگر آزاد از خودش می‌سازد یا می‌تواند و باید از خودش بسازد. از حیث اهمیت خودآگاهی در علوم عملی یا همان انسان‌شناسی پراگماتیک باید بگوییم که این علوم متکی بر تجربه درونی هستند، و تجربه درونی یک نوع خودآگاهی است و لذا خودآگاهی مبنای انسان‌شناسی است.

پرسش دوم:

شلایرماخر تجربه دینی را «خودآگاهی بی‌واسطه از مطلقاً وابسته بودن یا احساس وابستگی مطلق» تعریف می‌کند. او برای این که به این تعریف برسد مثل کانت از تحلیل استعلایی شروط آگاهی استفاده می‌کند. یعنی بررسی می‌کند که شروط امکان‌پذیری آگاهی چیستند و به همان شروط زمانمندی و حس‌پذیری و آزادی‌ای می‌رسد که کانت هم رسیده بود. اما شلایرماخر متوجه می‌شود که حس‌پذیری

بر آزادی و زمانمندی تقدم دارد. چون آزادی بدون مقاومتی که در برابرش حس شود نمی‌تواند وجود داشته باشد. و از طرف دیگر سوژه بدون متأثر شدن نمی‌تواند تغییر کند و لذا نمی‌تواند زمانمند باشد. بنابراین، سلسله‌مراتب شروط به این شکل درمی‌آیند:

دیگری، حس‌پذیری، زمانمندی و آزادی
حس‌پذیری یعنی انفعال و تحت تأثیر دیگری قرار گرفتن و آن طور که شلایرماخر می‌گوید این تحت تأثیر قرار گرفتن، همراه با احساس وابستگی است، در مقابل تأثیر گذاشتن بر دیگری که احساس آزادی ایجاد می‌کند. اما حس‌پذیری چون شرط برتر قوام یافتن آگاهی زمانمند و آزاد است و لذا همیشه همراه ما هست و اگر نباشد آگاهی ما هم نخواهد بود بنابراین یک نوع احساس وابستگی مطلق ایجاد می‌کند یا یک خودآگاهی بی‌واسطه از مطلقاً وابسته بودن. این در حالی است که وقتی ما به ابژه‌های متعارف و زمانمند جهان نگاه می‌کنیم فقط نسبت به آنها تأثیر نداریم بلکه همیشه یک مقداری از آزادی هم در قبال آنها داریم. بنابراین طرف مقابل این احساس وابستگی مطلق نمی‌تواند یکی از ابژه‌های جهان یا حتی کل جهان باشد، بلکه باید یک امر نادیدنی و ناشناختنی و تأثیرناپذیر باشد که ما فقط می‌توانیم نسبت به آن پذیرنده باشیم و شلایرماخر می‌گوید این همان خداوند است. به همین معناست که شلایرماخر می‌گوید دین مربوط به شهود و احساس است، نه مربوط به شناخت و اراده، چون دین در واقع احساس وابستگی است. حال اگر قوای سه‌گانه نفس را در نظر بگیریم، مجدداً می‌بینیم که شلایرماخر این قوا را هم سلسله‌مراتبی می‌بیند، یعنی حس را شرط شناخت و اراده و مقدم بر آنها و عامل مشترک بین آنها می‌داند. و چون دین مربوط به حس و احساس است، پس دین برتر از شناخت و اراده است، چون شناخت و اراده بدون حس امکان‌پذیر نیستند، و به این معنا دین برتر از اخلاق و متافیزیک یا عقل عملی و عقل نظری و البته وجه مشترک آنهاست.

با تعریفی که شلایرماخر از تجربه دینی ارائه می‌کند می‌بینیم که احساس وابستگی مطلق یکی از ویژگی‌های ذاتی انسان باید باشد. از اینجا شلایرماخر نتیجه می‌گیرد که مثل هر ویژگی ذاتی دیگری که انسان دارد این احساس وابستگی مطلق با تجربه دینی هم باید بروز اجتماعی پیدا کند. بروز اجتماعی تجربه دینی هم به این شکل است که منتهی به تشکیل جماعت‌های دینی می‌شود. علم الهیات هم در همین جا ضرورت پیدا می‌کند. الهیات علمی است که برای رهبری و هدایت جماعت‌های دینی‌ای که بر مبنای تجربه‌های دینی شکل گرفتند مورد نیاز است. با این تعریف، الهیات شلایرماخر دیگر یک علم متافیزیکی نیست که به یک موجود الهی یا کرد و کار آن موجود در جهان بپردازد، بلکه یک علم اجتماعی و در نتیجه

تاریخی است. و از آنجایی که معطوف به هدایت جماعت دینی است یک علم پوزیتیو یا معطوف به عمل هم هست.

علم الهیات از نظر شلایرماخر سه شاخه دارد: الهیات فلسفی، تاریخی، و عملی. اما مجدداً خودش زیرمجموعه یک دسته بزرگ‌تر از علوم قرار می‌گیرد که شلایرماخر به آن اخلاقیات می‌گوید و نقطه مقابل طبیعیات است و به کنشگری آزادانه انسان می‌پردازد، دقیقاً مشابه انسان‌شناسی پراگماتیک کانت، البته با این تفاوت که اخلاقیات شلایرماخر تاریخی است، ولی کانت اعتنایی به تاریخ نداشت. به علاوه شلایرماخر تصریح می‌کند که اگر رشته‌های الهیاتی در خدمت الهیات عملی یعنی در خدمت رهبری و هدایت کلیسا نباشند، صرفاً رشته‌های اخلاقیاتی خواهند بود.

پرسش سوم:
از نظر ديلتای «تجربه زیسته عبارت است از خودآگاهی بی‌واسطه به واقع‌داده‌های آگاهی». واقع‌داده‌های آگاهی از نظر ديلتای عبارت‌اند از هر چیزی که برای آگاهی وجود دارد، اعم از اشخاص، ابژه‌ها، احساسات، کارها. در واقع از نظر ديلتای همه اینها برای ما صرفاً در آگاهی وجود دارند، و ما چیزی در مورد وضعیت آنها خارج از آگاهی نمی‌دانیم، که ديلتای به این اصل پدیداریت می‌گوید. حالا اگر همه چیزهایی که برای آگاهی وجود دارند را دسته‌بندی کنیم می‌بینیم که به طور کلی شامل احساس‌ها، اراده‌ها، و شناخت‌ها می‌شوند. از نظر ديلتای همه این حالت‌ها محصول تماس خودآگاهی با جهان هستند، همان طور که کانت و شلایرماخر هم گفته بودند. و ديلتای این تماس خودآگاهی با جهان را زندگی می‌نامد. هر تجربه زیسته هم یک برش زمانی از زندگی است. بنابراین تجربه زیسته عبارت است از هر احساس، کنش، یا اندیشه‌ای که در رابطه بین خودآگاهی و جهان در طول زندگی شکل می‌گیرد. و چون آگاهی مستقیماً در این تماس حضور دارد، یعنی این تماس در درون خودش اتفاق می‌افتد، نسبت به آن به صورت بی‌واسطه آگاه است.

اما این تماس‌های خود و جهان یا همان زندگی به کنش‌هایی از سوی خود منتهی می‌شوند که ديلتای به آنها می‌گوید بیان‌های تجربه‌های زیسته و مشتمل می‌شوند بر گفته‌ها، نوشته‌ها، آثار هنری، نظریه‌ها، قوانین، آرمان‌ها، و هر محصول انسانی قابل تصویری. حال ديلتای می‌گوید علوم انسانی علومی هستند که به کنشگری‌های آزادانه انسان یا همان بیان‌های تجربیات زیسته می‌پردازند، و تجربه زیسته نقش مبنای تجربی این علوم را بازی می‌کند. مبنای بودن تجربه‌های زیسته به این معناست که وقتی بیان‌های تجربه‌های زیسته مشاهده می‌شوند، فرد می‌تواند فرآیند تولید این بیان‌ها را معکوس بکند و ببیند که برآمده از چه احساس‌ها، اراده‌ها، و کنش‌هایی بودند، و به نوعی دوباره آن حالت از زندگی را تجربه بکند. این معنای



تجربه یا تجربه زیسته در علوم انسانی مد نظر ديلتای است.

از نظر ديلتای علوم انسانی حاوی سه نوع حکم هستند: احکام نظری، تاریخی، و عملی. احکام تاریخی در علوم انسانی به این دلیل وجود دارند که زندگی به مثابه موضوع کلی این علوم زمانمند است؛ احکام عملی به این دلیل حضور دارند که اراده‌ها و کنش‌ها جزئی از واقع‌داده‌های آگاهی هستند و باید در این علوم بررسی شوند و به علاوه از علوم انسانی انتظار می‌رود که دستورهای عملی برای زندگی صادر کنند؛ و احکام نظری هم روایتگر یکنواختی‌هایی هستند که در تجربه‌های زیسته مشاهده می‌شوند، نه این که بیانگر هویتی خارج از آگاهی باشند. بنابراین علوم انسانی مورد نظر ديلتای علوم غیرمتافیزیکی، تاریخی، و پوزیتیو هستند.

پاسخ به پرسش اصلی پژوهش:

۱. بر مبنای آنچه گفته شد، هم تجربه دینی و هم تجربه زیسته بنا به تعریفشان یک نوع خودآگاهی بی‌واسطه هستند.

۲. هر دو تجربه با استفاده از رهیافت استعلایی و بررسی شروط آگاهی به دست می‌آیند.

۳. هر دو تجربه حول محور رابطه خود و دیگری شکل می‌گیرند.

۴. در هر دو تجربه شبکه ساختاری شناخت، اراده، احساس حایز اهمیت است که در واقع رابطه خود با دیگری را طبقه‌بندی می‌کند.

۵. بر مبنای موارد فوق، می‌شود گفت تجربه دینی یک نوع تجربه زیسته ممتاز است، یعنی یک خودآگاهی بی‌واسطه از رابطه خود با دیگری است که منجر به یک احساس می‌شود، اما این احساس چنان سرحدی است که در آن اراده و شناخت نمی‌توانند وارد بشوند. البته شلاپرماخر معتقد است که حتی این نوع احساس سرحدی و خاص هم باز منجر به اندیشه و کنش می‌شود. لذا می‌توانیم بگوییم که یک نوع تجربه زیسته بنا به روایت ديلتای است.

۶. هر دو نوع تجربه بیان یا تجلی‌هایی پیدا می‌کنند. تجربه دینی در قالب جماعت‌های دینی و تجربه زیسته در قالب هر گونه محصول انسانی.

۷. هر دو تجربه مبنای علمی قرار می‌گیرند، که بناست این بیان‌ها را بررسی بکنند.

۸. به لحاظ تاریخی، باید گفت شلاپرماخر پیش از ديلتای عملاً مفهوم تجربه زیسته را در قالب احساس وابستگی و آزادی نسبی در ارتباط با دیگری بیان کرده است. و بنابراین این احتمال وجود دارد که ديلتای حتی مفهوم تجربه زیسته را از شلاپرماخر گرفته باشد.

۹. ديلتای در کتاب ذات فلسفه خودش تعریفی از تجربه دینی ارائه کرده که مطابق تعریف شلاپرماخر از تجربه دینی است و به آن تجربه زیسته دینی می‌گوید، که در نتیجه باید گفت از نظر ديلتای هم تجربه دینی یک

نوع از تجربه زیسته بوده است.

حال اگر بخواهیم بر مبنای شباهت‌های تجربه دینی و تجربه زیسته به شباهت‌های الهیات و علوم انسانی توجه کنیم باید بگوییم، الهیات شلاپرماخر و علوم انسانی ديلتای ...

۱. هر دو غیرمتافیزیکی هستند

۲. هر دو تاریخی هستند

۳. هر دو پوزیتیو هستند، یعنی به دنبال صدور احکام عملی هستند.

۴. جدا از این که ديلتای الهیات را یکی از علوم انسانی می‌دانست، شلاپرماخر هم معتقد بود الهیات یکی از علوم اخلاقیاتی هست که اخلاقیات شلاپرماخر هم در واقع همان علوم انسانی ديلتای است.

۵. شلاپرماخر معتقد بود رشته‌های الهیاتی اگر جهت پوزیتیو خودشان را از هدایت کلیسا تغییر بدهند به علوم اخلاقیاتی صرف یا همان علوم انسانی تبدیل می‌شوند. بنابراین طراحی رشته‌های الهیاتی بر مبنای تجربه دینی می‌توانست الگوی خوبی برای طراحی رشته‌های علوم انسانی بر مبنای تجربه زیسته برای ديلتای باشد.

با توجه به همه این مباحث می‌توانیم بگوییم:

۱. تجربه دینی مورد نظر شلاپرماخر یکی از انواع تجربه زیسته مورد نظر ديلتای است.

۲. الهیات مورد نظر شلاپرماخر یکی از انواع علوم انسانی مورد نظر ديلتای است.

۳. مفهوم تجربه زیسته ديلتای یک نوع الگوبرداری از روی مفهوم تجربه دینی شلاپرماخر است.

۴. مفهوم علوم انسانی ديلتای یک نوع الگوبرداری از روی مفهوم الهیات یا اخلاقیات شلاپرماخر است.

پس از سخنان دانشجو، استادان داور به بیان نظرات خویش پرداختند. ابتدا دکتر رضا اکبری داور خارجی پس از بیان خلاصه‌ای از ایده اصلی رساله، و ذکر این که ایده بسیار مهم و تأثیرگذار است، نکاتی را برای اصلاح اظهار داشت. در ادامه دکتر مالک شجاعی جشقانی یکی از داوران داخلی رساله بیان کرد که رساله نقاط قوت خوبی داشت، از جمله این که به دو فیلسوف پرداخته است که کمتر در ایران روی آنها کار شده است، و این کار سنگینی بوده است. نحوه نگارش خوب است، ورود و خروج به بحث‌ها مناسب است.

اما نکاتی هم وجود دارد که باید اصلاح شوند. سپس دکتر محمدمهدی اردبیلی یکی دیگر از داوران داخلی رساله بیان داشت که رساله یک رساله خوب، منقح و سازمان‌یافته است، حداقل برای خود دانشجو روشن بوده که چه کاری می‌خواسته انجام بدهد، هرچند ممکن است برای ما این طور نبوده باشد. دو نکته مثبت رساله این بوده که اولاً از زاویه فلسفه قاره‌ای به فلسفه دین ورود کرده‌اند که این کار جدیدی بود، و همچنین به مفهوم تجربه زیسته ورود کرده‌اند که امروزه به مد جامع تبدیل شده ولی در این رساله

وارد مبانی این مفهوم شده‌اند.

سپس دانشجو به برخی از پرسشها و ایرادات مطرح‌شده هیئت داوران پاسخ داد:

۱. ظاهراً سوءبرداشتی در مورد مسئله و روش این رساله ایجاد شده است. عنوان رساله بررسی نسبت یک مفهوم با یک مفهوم دیگر است. بنابراین بحث مقایسه مفهومی مطرح است نه مقایسه تاریخی. جایی که در نتیجه‌گیری رساله مواضع احتمالی بیان شده است، مربوط به بحث تاریخی است، نه بحث مفهومی. از چهار نتیجه اصلی که در رساله بیان شده است، دو نتیجه‌گیری تاریخی هستند و دو نتیجه‌گیری مفهومی. و در بحث مفهومی نتیجه‌گیری قاطع صورت گرفته است که تجربه دینی شلایرماخر یک نوع ممتاز از تجربه زیسته به معنای مورد نظر دیلتای بوده است. ۲. محل بحث اصلی این نبوده است که دیلتای

درباره شلایرماخر چه گفته است، بلکه مقایسه این دو مفهوم با یکدیگر مسئله اصلی بوده است. به همین معنا فصل‌هایی که به تجربه دینی و تجربه زیسته اختصاص یافته‌اند را نباید مقدمات بحث به حساب آورد. چون لازمه اصلی مقایسه دو مفهوم این است که بررسی شود هر یک از این دو مفهوم چه معنایی دارند تا بعد با کنار هم قرار دادن ویژگی‌ها مقایسه خودبه‌خود حاصل شود. همچنین در متن سخنرانی هم اگر بیست دقیقه صرف توضیح دو مفهوم تجربه دینی و تجربه زیسته شد، اینها جزء اصلی بحث بودند، نه مقدمات بحث. برای همین هرچند به تأثیرپذیری دیلتای از شلایرماخر پرداخته شده است، ولی مسئله اصلی پژوهش این موضوع تاریخی نبوده است، بلکه یک موضوع مفهومی و متافیزیکی بوده است.

۳. اگر در متن فصول اصلی بخشی با عنوان زندگی‌نامه آمده است، این زندگی‌نامه‌ها صرفاً تاریخی نیستند، بلکه این زندگی‌نامه‌ها برای مثال نشان می‌دهند که شلایرماخر به چه نحو به کانت ربط داشته است، چه کتاب‌هایی را می‌خوانده است، با چه محفل‌ها و گرایش‌های فکری‌ای رفت‌وآمد داشته است. دانستن این نکات پیرامونی برای فهمیدن این که مثلاً شلایرماخر چگونه به مفهوم تجربه دینی اعتنا می‌کند اهمیت دارد و این مطلبی است که از هرمنوتیک خود شلایرماخر یاد می‌گیریم. این جزو گزاره‌های دستوری هرمنوتیک شلایرماخر است که اگر می‌خواهید یک متنی را بفهمید باید بدانید که مؤلف آن متن در چه شرایطی زندگی می‌کرده است. بنابراین پرداختن به زندگی‌نامه‌ها مطابق روش‌شناسی پژوهش الزامی بوده است.

۴. علت این که حجم مطالب اختصاص یافته به دو مفهوم تجربه دینی و تجربه زیسته ظاهراً کم بوده این است که اولاً اعتنا به این دو نوع تجربه از جهت اهمیتی بوده که در الهیات و علوم انسانی داشته‌اند، و برای همین بخشی از مطالب به این دو نوع علم

اختصاص یافته است. اما این مطالب هم در واقع نتایج مترتب بر تجربه دینی و تجربه زیسته را بیان می‌کنند، و بدین معنا درباره این دو مفهوم هستند.

۵. اگر تصور کنیم که شلایرماخر به جای «وابستگی مطلق» از «وابستگی به مطلق» بحث می‌کند، آن وقت دچار این اشتباه می‌شویم که شلایرماخر برهان اثبات وجود خدا ارائه کرده است، که چنین نیست. دین نزد شلایرماخر یک امر درون‌ماندگار است، نه متعالی، یعنی نمی‌خواهد از آنچه در درون خودش است نتیجه بگیرد که جهان خارج چگونه است. به علاوه، شلایرماخر می‌گوید خود شناخت شامل ابژه قرار دادن دیگری است، که این یک تأثیرگذاری روی دیگری به حساب می‌آید، اما تجربه دینی فاقد هر گونه تأثیرگذاری بر دیگری است، و در آن فقط تأثیرپذیری وجود دارد، بنابراین نمی‌تواند بُعد شناختی داشته باشد. و لذا امکان رسیدن به گزاره‌های شناختی در آن وجود ندارد.

۶. در مورد تفاوت تجربه کانتی با تجربه دینی و تجربه زیسته، یک جمله در رساله وجود دارد که می‌گوید «احساس وابستگی مطلق به معنای کانتی کلمه نباید تجربه نامیده شود، اما به معنای دیلتایی کلمه باید تجربه نامیده شود»، بنابراین به تمایز این دو نوع تجربه در متن رساله اذعان شده است.

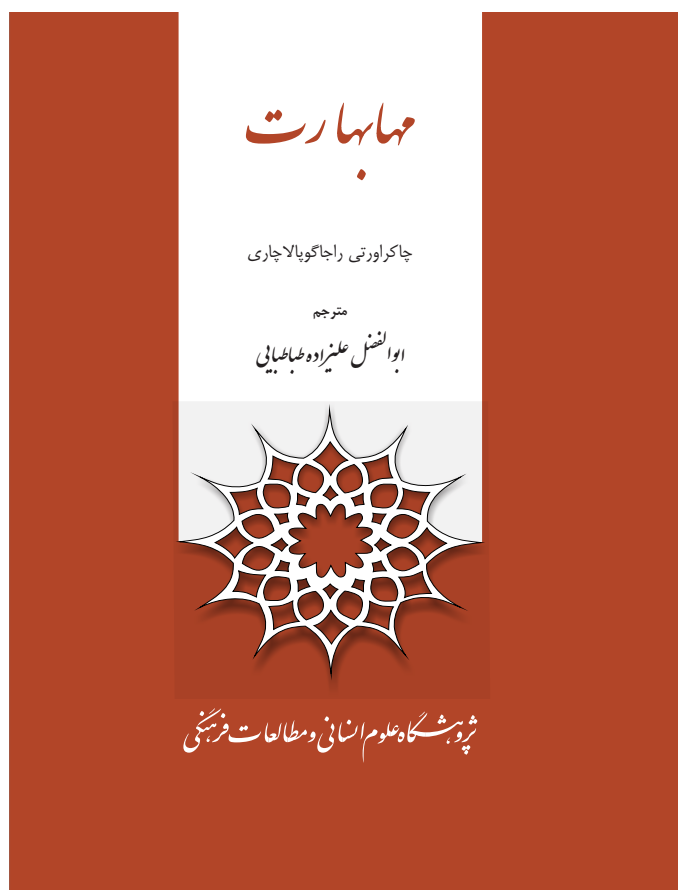
۷. چرایی آوردن فصلی مختص کانت در این رساله الزامی است که روش‌شناسی رساله ایجاد می‌کند و شلایرماخر هم بر آن تأکید کرده است. اگر بناست دو مفهوم با یکدیگر مقایسه شوند، ابتدا باید وجه مشترکی بین آنها تعیین شود تا امکان مقایسه فراهم شود. اصلاً ایده علوم تاریخی و روش آنها همین مقایسه کردن بوده است، و شرط مقایسه را داشتن مبنای مشترک می‌دانستند. فصل کانت این مبنای مشترک مقایسه بین دو مفهوم تجربه دینی و تجربه زیسته را فراهم آورده است.

۸. این که هرمنوتیک به دنبال «درستی» نیست، برداشتی است که امروزه در مورد هرمنوتیک وجود دارد. برداشتی که شلایرماخر از هرمنوتیک داشت کاملاً معکوس این است. شلایرماخر می‌گفت ما کاملاً می‌توانیم بفهمیم که مقصود مؤلف از چیزی که نوشته است چیست، و حتی بهتر از مؤلف می‌توانیم مقصود او را تشخیص بدهیم. او هرمنوتیک را معکوس رتوریک می‌دانست، همان طور که رتوریک می‌گوید افکار را چگونه باید بیان کرد، هرمنوتیک می‌گوید از روی بیان‌ها چگونه باید فهمید افکار چه بوده‌اند. آن هرمنوتیکی که در رساله به آن اشاره شده است، همین روش هرمنوتیک متنی است که شلایرماخر معرفی کرده است و بنابراین روشی است برای رسیدن به فهم درست از متون، که لازمه هر پژوهش متنی است.

در پایان هیئت داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشسته و با اعطای نمره ۱۹/۷۵ و درجه‌عالی به رساله دانشجو، وی را دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته فلسفه دین تشخیص دادند.



برخی از کتاب‌های منتشر شده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی





CCTSS 中伊文化互译 与汉学发展与出版论坛 暨国际出版沙龙



CCTSS 中伊文化互译与汉学发展与出版论坛暨国际出版沙龙

CCTSS Sino-Iranian Cultural Translation and Sinology Development & International Publishing Salon

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری مرکز نشر و ترجمه آثار خارجی دانشگاه زبان و فرهنگ پکن برگزار می کند:

نشست نقد و بررسی

گسترش چین شناسی و ترجمه های بین فرهنگی ایران و چین

主办单位: 北京语言大学中国文化对外翻译与传播研究中心、人文与文化研究所

Hosted by: Beijing Language and Culture University and Chinese Culture and Studies Support
Institute for Humanities and Cultural Studies

زمان: یکشنبه ۸ اردیبهشت ساعت ۹ تا ۱۲

مکان: بزرگراه کردستان، خیابان دکتر آئینه وند (۶۴ غربی) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن اندیشه



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده غرب‌شناسی و علم‌پژوهی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
با همکاری پژوهشکده ادبیات و پژوهشکده تاریخ برگزار می‌کند:

همایش ملی

تأملی بر زندگی، آثار و اندیشه عبدالله قطب‌بن‌محبی

محورهای همایش:

(۱) زندگی

- زندگی و سلوک اجتماعی
- بررسی منابع و اسناد موجود در باب زندگی قطب
- منابع فکری قطب و بررسی میزان تاثیرگذاری این منابع

(۲) اندیشه

- اندیشه اجتماعی و سیاسی
- اندیشه دینی و عرفانی
- نسبت اندیشه قطب با وضع معاصر ما

(۳) آثار

- سبک‌شناسی نوشته‌های قطب
- جایگاه نوشته‌های قطب در میان آثار عرفانی
- قطب و زبان فارسی

occ@ihcs.ac.ir

تاریخ برگزاری همایش: نیمه اول آذر ۱۳۹۸

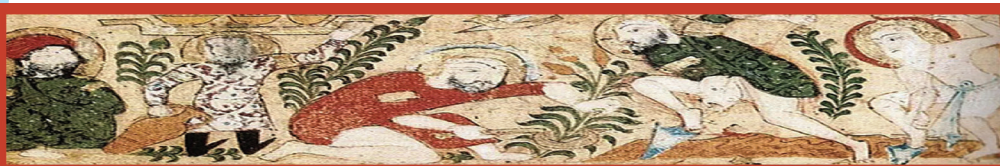
مکان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجموعه ارسال اصل مقالات:

پایان شهریور ۱۳۹۸

مجموعه ارسال چکیده مقالات:

پایان خرداد ۱۳۹۸



International Conference

همایش بین المللی

Economic History of Iran

تاریخ اقتصادی ایران

Iran's Landholding and Land Economics

زمین داری و اقتصاد ارضی در ایران

Conference Topics

محورهای همایش

A) Basics, Concepts, Methods, Theoretical Aspects and Approaches

- Iran Economic History Real Essence and Periodic Logic
- Finding Concepts, Territory, Issues and Subjects of Economic History
- Identification, Analysis and Critique of Theoretical Aspects, Approaches and Ideas
- Methodology and Research Methods in Economic History
- The Position and Importance of History in Economic Theories and Plans
- Analytical and Critical Bibliography of Iran's Economic History
- Review of Studies and Research in Iran Economic History
- The Influence of Iran's Political, Cultural, Social, Judicial and Ideological Structures on Iran's Economic Structure

الف) مبانی، مفاهیم، روشها، الگوهای نظری و رویکردها

- «چپستی» و «منطق دوره بندی» تاریخ اقتصادی ایران
- مفهوم شناسی، قلمرو، مسائل و موضوع های تاریخ اقتصادی
- شناسایی، تحلیل و نقد الگوهای نظری، رهیافت ها و رویکردها
- روش شناسی و روشهای تحقیق در تاریخ اقتصادی
- جایگاه و اهمیت تاریخ در نظریه ها و برنامه ریزی های اقتصادی
- منبع شناسی تحلیلی و انتقادی تاریخ اقتصادی ایران
- نقد و بررسی مطالعات و تحقیقات در تاریخ اقتصادی ایران
- تاثیر ساختارها و نهادهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، قضایی و ایدئولوژیک جامعه ایران بر ساختار اقتصادی ایران

B) Iran's Landholding and Land Economics

1 - factors of Production

- Water, Irrigation System and Water Rights
- Land and Land Ownership
- Productive Forces
- Techniques, Means of Production and Its Evolution

2 - Production Relations

- Fixed Ownerships Portion
- Muzara'a
- Muwakar'a
- Under the Feudal Contract (Muka'ata)
- etc

3 - Relations of Dependent Economies with a Land Economics

- Urban Economics and Land Economics Relation
- Pastoral Economy and Land Economics Relation
- The Relationship Between Internal and External Trade with The Land Economics

4 - The Influence of Iran's Political, Cultural, Social, Judicial and Ideological Structures on Landholding and Land Economics

- The Relationship Between Science and Land Economics
- The Relationship Between War and Land Economics
- Population and Land Economics
- Jurisprudence and Land Economics
- Government and Land Economics
- "Divan", Bureaucracy and Land Economics
- Social Stratification and Land Economics
- etc

5 - Continent, Geography and Land Economics

6 - Development and Underdevelopment in Iran's Land Economics

- Internal Coherence / Confusion of Production in Iran's Land Economics
- The Effects of Expanding The Global Capitalism System on Contemporary Iran Agricultural Modes of Production
- Industry in the Iran's Land Economics Evolution
- etc

7 - Iran's Issues and Subjects of Land Economics

- Famine
- Land Reform in Iran
- Peasant Revolts
- etc

ب) زمین داری و اقتصاد ارضی در ایران

۱- عوامل تولید

- آب، نظام آبیاری و مالکیت آب
- زمین و مالکیت ارضی
- نیروی کار
- فنون، ابزار تولید و تحولات آن

۲- حسابات تولید

- بهره ثابت مالکانه
- مزراع
- مزاکره
- مقاطعه داری
- و...

۳- روابط اقتصاد های وابسته با اقتصاد ارضی

- رابطه اقتصاد شهری با اقتصاد ارضی
- رابطه اقتصاد شبانی با اقتصاد ارضی
- رابطه تجارت داخلی و خارجی با اقتصاد ارضی

۴- تاثیر ساختارها و نهادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ایدئولوژیک و قضایی بر زمین داری و اقتصاد ارضی ایران

- رابطه علم با اقتصاد ارضی
- رابطه جنگ با اقتصاد ارضی
- جمعیت و اقتصاد ارضی
- فقه و اقتصاد ارضی
- دولت و اقتصاد ارضی
- دیوان، دیوان سالاری و اقتصاد ارضی
- قشر بندی اجتماعی و اقتصاد ارضی
- و...

۵- اقلیم و جغرافیا و اقتصاد ارضی

- توسعه و توسعه نیافتگی در اقتصاد ارضی ایران
- انسجام، عدم انسجام دیونی تولید در اقتصاد ارضی ایران
- آثار گسترش نظام جهانی سرمایه داری بر شیوه های تولید
- کشاورزی ایران معاصر
- صنعت در پویه اقتصاد ارضی ایران
- و...

۷- مسائل و موضوعات اقتصاد ارضی ایران

- قحطی
- اصلاحات ارضی
- شورش های دهقانی
- و...


Email: IEHI_Conference@ihcs.ac.ir
Website: http://www.ihconf.ir
Tel: + 9821 88624387
Postal code: 143774681
Po Box: 641941455
Dr. Sadeq Aiynevand Street (64th West)-Kordestan Highway-Tehran-Iran
Abstract and Submission Deadline: May 2019, 25
Notification of Abstract Acceptance Date: June 2019, 25
Paper Submission Deadline: September 2019, 26
Notification of paper Acceptance / Rejection: November 2019, 25
Conference Dates: January 2020, 16-15

تاریخ برگزاری چهارشنبه و پنجشنبه

۲۵ و ۲۶ دی ماه ۱۳۹۸

دریافت چکیده ها: ۴ تا خرداد ماه ۱۳۹۸

اعلام داوری چکیده ها: ۴ تا تیرماه ۱۳۹۸

دریافت مقالات: ۴ تا مهرماه ۱۳۹۸

داوری مقالات و اعلام پلن های همایش: ۴ تا آذرماه ۱۳۹۸

پیش همایش: چهارشنبه و پنجشنبه ۱۸ و ۱۹ دی ماه ۱۳۹۸



مدیر مسئول: سید محسن علوی پور

سر دبیر: حوریه احدی

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، شهرام اصغری، صادق کیا و سعیده زندی

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

کانال سروش: @pajoheshgah